



فهرست مطالب

سخن ما..... ۲

نشست‌های علمی

تحولات امنیتی در قفقاز شمالی..... ۳

روابط فرهنگی ایران و روسیه؛ امکانات و موانع..... ۸
روابط سیاسی و اقتصادی ایران و

روسیه، در دوران پوتین..... ۱۰

مقاله‌ها

ناباکو و رقابت برای انرژی..... ۱۳
برداشت روسیه از جایگاه چین در

سازمان همکاری شانگهای..... ۱۷

آسیای مرکزی و نشست بخارست..... ۲۰

سیاست خارجی پوتین؛ دستاوردها و ناکامی‌ها..... ۲۳

کردها در جمهوری آذربایجان..... ۲۶

اسلام در داغستان..... ۲۹

اصلاحات نظامی در دوره پوتین..... ۳۳

چشم‌انداز سیاست خارجی مدودف..... ۳۶

گرجستان و اوکراین در رؤیای پیوستن به ناتو..... ۳۹

بحران در قفقاز..... ۴۲

گزارش

همایش روسیه و اسلام..... ۴۸

معرفی کتاب

ایران و روسیه در بازی بزرگ..... ۵۰

خبرها..... ۵۲

چکیده مطالب به انگلیسی..... ۶۸

بولتن برنامه

اوراسیای مرکزی

سال چهارم، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۸۷

زیر نظر:

الهه کولائی

مدیر برنامه اوراسیای مرکزی

امور اجرایی: نسترن زلف‌خانی،

هاله آقامحمدی

آدرس: ایران، تهران، خیابان انقلاب،

دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم

سیاسی، برنامه اوراسیای مرکزی، مرکز

مطالعات عالی بین‌المللی

تلفن: ۶۶۹۵۳۹۹۶ - ۶۱۱۱۲۳۱۰

فاکس: ۶۶۹۵۳۹۹۶ - ۶۶۴۹۰۶۹۵

پست الکترونیکی: cep@ut.ac.ir

سایت: cep.ut.ac.ir

تحولات جاری در همه کشورهای بازمانده از فروپاشی اتحاد شوروی، به خوبی نشان می‌دهد که برخلاف برخی برآوردهای بسیار خوش‌بینانه نسبت به غربی‌شدن این کشورها پس از فروپاشی اتحاد شوروی، دموکراتیک و بازاری شدن آنها، چالش‌های فراوانی در این مسیر وجود دارد. روسیه به عنوان میراث‌دار اتحاد شوروی در سال‌های گذشته به ویژه در دوران پوتین، گام‌های بلندی برای جبران آثار فروپاشی اتحاد شوروی برداشته است. رهبران این کشور که بسیار زود متوجه خسارت‌های گسترده و عظیم این رخداد شدند، در پی تغییر در سیاست داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی خود برآمدند. روسیه که روابط با جمهوری‌های پیشین را با عنوان «خارج نزدیک» سامان داده بود، اینک در مسیر تحکیم و تقویت جایگاه خود در این کشورها که نام «مستقل» را برای خود برگزیدند (جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع) سیاست خود را تنظیم می‌کند.

برخی تحلیل‌ها که امپراتوری اتحاد شوروی، آخرین امپراتوری روی کره زمین پس از تجزیه و از میان رفتن حزب کمونیست و نظام برآمده از آن نبود خواهد شد، در دوران پوتین به اشکال گوناگون ابطال شد. او که عمل‌گرایی را در سیاست خارجی روسیه حاکم ساخت، برای جبران خسارت‌های ناشی از فروپاشی، بهره‌گیری از ابزارهای گوناگون را هدف قرار داده است. هراس از تروریسم و وقوع انقلاب‌های رنگی، نخبگان آسیای مرکزی و قفقاز را به سوی او جلب کرده است. تجربه انقلاب‌های رنگی در گرجستان، اوکراین و قرقیزستان نیز بی‌نتیجه بودن این تلاش‌ها را برای دموکراتیک‌سازی حوزه‌های سیاسی - اقتصادی در این کشورها روشن کرد. برپایی این انقلاب‌ها حاکی از شکل‌گیری و گسترش «بازی بزرگ» در سراسر اوراسیای مرکزی است.

جنگ در قفقاز هم بار دیگر حساسیت روسیه را نسبت به مسایل امنیتی گوشزد کرد. اشتباه‌های میخایل ساکاشویلی در اقدام نظامی در اوستیای جنوبی، با خسارت‌های سنگین اجتماعی - اقتصادی برای منطقه و به ویژه این کشور همراه شده است. جنگ در اوستیای جنوبی و حمله سنگین نظامی روسیه، بدون آنکه با حمایت جدی ناتو رو به رو شود، بار دیگر برتری روسیه را در «خارج نزدیک» آشکار کرد. هرچند کاندولیزا رایس و دیک چنی با حضور در قفقاز کوشیدند ساکاشویلی را در برابر روسیه مورد حمایت قرار دهند، ولی تردیدی وجود ندارد که از این پس روسیه از مزایای منطقه‌ای خود در «خارج نزدیک» بیشتر بهره خواهد گرفت.

تحولات امنیتی در قفقاز شمالی

بیست و ششمین نشست علمی برنامه اوراسیای مرکزی با عنوان «تحولات امنیتی در قفقاز شمالی» روز سه‌شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۷ با حضور دکتر الهه کولایی، مدیر برنامه اوراسیای مرکزی و دکتر بهرام امیراحمدیان، کارشناس مسائل آسیای مرکزی و قفقاز و حامد کاظم‌زاده، فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد گرایش آسیای مرکزی و قفقاز در رشته تاریخ در سالن مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران برگزار شد. دکتر امیراحمدیان در آغاز صحبت خود به معرفی منطقه قفقاز پرداخت و گفت: «قفقاز شمالی، سرزمینی ناآرام و بحران‌خیز در روسیه است. این منطقه با عرصه جغرافیایی - استراتژیک در جنوب غربی روسیه واقع در دامنه‌های شمالی رشته کوه‌های قفقاز بزرگ (از خط الرأس) به طول حدود ۱۵۰۰ کیلومتر است که در امتداد شمال غربی از تنگه کرچ (بین دریای آرف و دریای سیاه) و جنوب شرقی (تا شبه جزیره آبشرون در دریای خزر) که در آن به ترتیب از شرق (ساحل غربی دریای خزر) به غرب (سواحل شرقی دریای سیاه) جمهوری‌های خودمختار داغستان، چچن، اینگوش، اوستیای شمالی، کاباردینو - بالکار، قره‌چای چرکس و آدیغه قرار دارند. مرزهای جنوبی این جمهوری‌ها (به جز آدیغه) منطبق با سراسر مرزهای شمالی جمهوری آذربایجان (فقط با داغستان) و سراسر مرزهای شمالی گرجستان است (با جمهوری‌های خودمختار چچن، اینگوش، اوستیای شمالی، کاباردینو - بالکار، قره‌چای - چرکس و سرزمین کراسنودار). طول مرزهای



روسیه با جمهوری‌های آذربایجان ۳۹۰ کیلومتر و با گرجستان ۸۰۷/۶ کیلومتر است. طول مرزهای روسیه با قفقاز جنوبی در مجموع حدود ۱۳۰۰ کیلومتر است که حدود ۱۲۰۰ کیلومتر آن کوهستانی و بر خط الرأس رشته کوه‌های قفقاز بزرگ منطبق است و یکی از سخت‌ترین مناطق مرزی است. قفقاز شمالی در منطقه فدرال جنوب غربی روسیه قرار دارد که یکی از هفت منطقه اداری - سیاسی روسیه را تشکیل

می‌دهد. قفقاز شمالی مرز جنوب غربی روسیه با آذربایجان و ارمنستان را تشکیل می‌دهد. این مرز یکی از نقاط حساس و مهم روسیه با جنوب است. قفقاز شمالی مرکز دفاع موشکی روسیه در جنوب غربی و مرکز استقرار پایگاه‌های رادارهای عظیم در داریال و آرماویر نیز هست که مناطق گسترده‌ای را در جنوب روسیه تا اقیانوس هند پوشش می‌دهد. علاوه بر آن قفقاز شمالی مرکز کشاورزی، صنایع و منابع طبیعی از جمله جنگل‌ها، مراتع، معادن فلزات کمیاب، ذخایر نفت و گاز و برخی منابع دیگر است که برای روسیه اهمیت خاصی دارد.

دکتر امیراحمدیان در ادامه بحث گفت: «فروپاشی شوروی در دی ماه سال ۱۳۷۰/دسامبر ۱۹۹۱ منجر به بروز ناامنی در این منطقه شد که تجزیه جمهوری خودمختار چچن- اینگوش به دو جمهوری خودمختار و سپس ادعای ارضی اینگوش‌ها نسبت به اوست‌ها بر سر زمین‌های منطقه «پریگورودنی» در اوستیا که در گذشته به اینگوش‌ها تعلق داشت و پس از تبعید آنها در سال ۱۳۲۳/۱۹۴۴ به اوست‌ها واگذار شده بود، دامنه جنگ را در قفقاز شمالی گسترش داد. ادعای اوستیای جنوبی به پیوستن به اوستیای شمالی و جنگ داخلی با دولت مرکزی گرجستان، سیل آوارگان را به شمال و به داخل جمهوری اوستیای شمالی در پی داشت و بر وخامت اوضاع افزود. جنگ چچن در دو دوره ۱۳۷۰-۱۳۷۵ و ۱۳۸۵-۱۳۷۵ سبب کشتار وحشتناک مردم نظامی و غیر نظامی و ویرانی چچن و ترور و آوارگی هزاران نفر شد. پس از سرکوب رهبران شورشی چچن و قتل رؤسای جمهور چچن و رهبرانی چون شامیل باسایف که به توقف خشونت‌ها و آغاز بازسازی‌های اقتصادی منطقه منجر شد، دور دیگری از ناآرامی‌ها این بار از خارج از مرزهای روسیه به این منطقه تحمیل شده است. تحولات گرجستان و توسعه ناتو به شرق و درخواست عضویت گرجستان در آن، از آن جمله است.

قفقاز شمالی در دوره جنگ سرد از نظر استراتژیک اهمیت کمتری نسبت به وضعیت کنونی داشت. در آن دوره کمربند شکننده بین پیمان ناتو و ورشو در مرزهای جنوبی قفقاز جنوبی (مرزهای گرجستان و ارمنستان با ترکیه عضو ناتو) قرار داشت و روسیه در گرجستان پایگاه‌های نظامی (زمینی، دریایی و هوایی) مهم و استراتژیکی داشت. در حالی که اکنون این خط به مرزهای جنوبی قفقاز شمالی با گرجستان و آذربایجان منتقل شده و در صورت پیوستن این دو جمهوری به ناتو، وضعیت جنگ سرد در منطقه ایجاد خواهد شد».

به بیان دکتر امیراحمدیان، مواردی که امنیت قفقاز شمالی و منطقه را تهدید می‌کند، عبارتند از: تروریسم، ملی‌گرایی، استقلال‌طلبی و جدایی‌طلبی، وهابی‌گری و سلفی‌گری، صوفی‌گری و افراط‌گرایی اسلامی، قاچاق اسلحه و مواد مخدر، مافیایی شدن فعالیت‌های اقتصادی و برهم خوردن نظام اقتصادی. وی در ادامه افزود: «نفوذ کشورهای خارجی از جمله عربستان سعودی و سرمایه‌گذاری آنها در رشد اسلام‌گرایی افراطی، توسعه سلفی‌گری، اندیشه‌های طالبانیسم و کمک‌های آمریکا و غرب برای رشد اندیشه‌های تجزیه‌طلبی و استقلال، از جمله تهدیدهای امنیتی منطقه است که روسیه را با چالش روبه‌رو می‌کند. عواملی که امنیت روسیه را مورد تهدید قرار داده و سبب تحولات امنیتی در قفقاز شمالی می‌شوند می‌توان به این شرح جمع‌بندی کرد: از دست دادن پایگاه‌های دریایی در دریای سیاه، نابسامانی رژیم حقوقی دریای خزر و توسعه و گسترش قاچاق خاویار در دریا، وجود استپ‌های بی‌دفاع و مرزهای کوهستانی بسیار پیچیده و صعب‌العبور با جمهوری‌های ارمنستان، آذربایجان و همچنین گسترش ناتو به سوی شرق.

چچن‌ها در قفقاز شمالی طی دوره‌های متفاوت به کشتار و آدم‌ربایی، گروگان‌گیری و ترور اقدام کرده‌اند که می‌توان از گروگان‌گیری در بیمارستانی در بودیونوفسک، تئاتر مسکو، انفجار مجتمع نظامیان در داغستان و برخی دیگر نام برد. روس‌ها نیز در این میان بیکار ننشسته‌اند. در سال‌های اخیر برخی اقدام‌های متقابل روسیه هم عبارت بودند از: قتل جوهر دودایف رئیس‌جمهور چچن در فروردین ۱۳۷۵/آوریل ۱۹۹۶

در اثر حمله موشکی روسیه به مقر او در چچن و قتل سلیم خان یانداربایف در قطر در بهمن ۱۳۸۴. دو مأمور اطلاعاتی روسیه به عنوان متهمان اصلی ترور او، دستگیر و زندانی شدند، اگرچه دولت روسیه مشارکت آنان در این ماجرا را تکذیب کرد. از سوی دیگر، در شهریور ۱۳۸۳/سپتامبر ۲۰۰۴ افراد مسلح که با جدایی طلبان چچن ارتباط داشتند، مدرسه‌ای در بسلان، در جنوب روسیه را به تصرف خود در آورده و ده‌ها نفر را گروگان گرفتند. زمانی که پلیس می‌خواست این ساختمان را تخلیه کند، انفجار و تبادل آتش سنگینی رخ داد. همچنین در اسفند ۱۳۸۵/مارس ۲۰۰۵ نیروهای امنیتی روسیه اعلام کردند اصلان ماسخادوف، رئیس‌جمهور چچن در یک عملیات ویژه در چچن کشته شد. اگرچه طبق اعلام شورشیان چچن، او بر اثر عملیات نیروهای امنیتی کشته نشده، بلکه طی حادثه‌ای در سنگر خود در هنگام جابه‌جایی اسلحه کشته شد. سرانجام در ۲۷ تیر ۱۳۸۵/۱۷ ژوئیه ۲۰۰۶ عبدالحلیم سعدا...اف که به جای اصلان ماسخادوف به عنوان رئیس‌جمهور چچن انتخاب شده و رهبر مقاومت چچن بود، در مبادله آتشی دوساعته در خانه خود در آرگون در شرق گروزنی کشته شد.

با نگاهی به آنچه گذشت، می‌توان دریافت که مبارزه‌های چچن‌ها علیه دولت مرکزی بیشتر بر حضور رهبران کاریزماتیک استوار بود. پس از قتل دودایف، رهبران دیگر نتوانستند جانشین او شوند و با اقدام به عملیات ترور در میان مردم عادی روسیه، در افکار عمومی روسیه، چچن و دیگر جوامع جهانی از وجهه آنان کاسته شد. آنها با ترور افراد غیرنظامی، گروگانگیری، آدم‌ربایی، حمایت از طالبان‌نسیسم و پیروی از مشی جریان‌های افراطی اسلامی و مشارکت در اقتصاد سیاه و مافیای قاچاق مواد مخدر و اسلحه و دیگر جریان‌ها به بیراهه رفتند. با توجه به آنچه گفته شد، طبیعی است که روسیه حضوری قدرتمند در این عرصه استراتژیک داشته باشد. به گزارش خبرگزاری روسی ریانووستی در ۲۲ خرداد ۱۳۸۶/۱۱ ژوئن ۲۰۰۷ ژنرال ارتش الکسی ماسلوف، فرمانده کل نیروهای زمینی فدراسیون روسیه اطلاع داد که مانور گسترده انجام شده در جنوب روسیه با عنوان «قفقاز روبژ-۲۰۰۷» (مرز قفقاز) نشان‌دهنده سطح رو به رشد امنیت ضدتروریستی در این منطقه بود. این مانور ضدتروریستی در اوستیای شمالی، اینگوش و نیز در کرانه‌های کراسنودار و استاوروپول از ۷ تا ۱۳ ژوئیه برگزار شد که در آن یگان‌های قفقاز شمالی وزارت دفاع، یگان‌های قفقاز شمالی وزارت کشور فدراسیون روسیه و اداره منطقه‌ای مرزی سازمان فدرال امنیت روسیه «اف اس ب» در منطقه فدرال جنوبی حضور داشتند و در مجموع تعداد نظامیان بیش از ۶ هزار نفر بود.

خبرگزاری «نووستی» ۱۳ مرداد ۱۳۸۶/۳ اوت ۲۰۰۷ از مسکو گزارش داد که نیروهای زمینی روسیه در شمال قفقاز، مانور یگان‌های نیروی زمینی ارتش فدراسیون روسیه را آغاز کردند. مانور تاکتیکی با شلیک‌های نظامی در میدان‌های تیر منطقه نظامی شمال قفقاز واقع در خاک جمهوری اوستیای شمالی، اینگوش، داغستان، چچن و نیز استاوروپل انجام شد.

در ادامه این نشست حامد کاظم‌زاده، گزارش سفر خود به قفقاز شمالی را ارائه کرد. وی گفت: «قفقاز شمالی با واقع شدن در شمال کوه‌های بزرگ قفقاز و جنوب روسیه از دیرباز با ایران زمین و جهان اسلام در ارتباط بوده است. این منطقه از هفت جمهوری و دو استان تشکیل شده که از شرق عبارتند از جمهوری‌های داغستان، چچن، اینگوش، اوستیای شمالی، کاباردینو - بالکار، قره‌چای - چرکس و آدیغه و همچنین استان‌های کراسنودار و استاوروپل. این منطقه با داشتن ۱۲ درصد جمعیت کل کشور، یک ششم از کل تولیدات کشاورزی روسیه را دارد. وجود نفت و گاز، قرار گرفتن در کریدور شمال به جنوب، داشتن بنادر مناسب و قرار گرفتن در کنار دو دریای سیاه و مازندران از

مهم‌ترین ویژگی‌های ژئوپلیتیکی منطقه است. تنوع فرهنگی و اجتماعی از جمله پراکندگی قومی از نژاد آلتایی، هند و اروپایی و قفقازی، تنوع زبانی با بیش از ۶۰ گونه زبان شناخته‌شده، شاخصه‌های دینی با داشتن مذهب‌های مختلف شامل اسلام حنفی، شافعی و شیعی، یهودیت، مسیحیت ارتودکس شرقی، کریگوری و کاتولیک، بودیسم، ادیان یکتاپرست باستانی مانند یزیچنیک و ادیان یا باورهای خرافی یا به تعبیری بت‌پرستی، پیچیدگی‌های سیاسی و اجتماعی منطقه را نشان می‌دهد. تمامی این خصیصه‌ها در سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ و اواخر دوران اتحاد جماهیر شوروی باعث بحران‌های شدید امنیتی در این منطقه شد که بیشتر این تعارض‌ها ریشه در دوران گذشته داشت.

کاظم‌زاده در ادامه به توضیح درباره جمهوری‌ها از شرق به غرب پرداخت. وی در آغاز به نخستین جمهوری یعنی داغستان اشاره کرد و گفت: «داغستان در قفقاز شمالی یکی از متنوع‌ترین پراکنش‌های قومی را دارد، به طوری که با داشتن حدود ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر جمعیت، ۳۰ گونه قومی در آن ساکن هستند. از جمله مهم‌ترین آنها عبارتند از آوارها، دارگین‌ها، لزگین‌ها، لاک‌ها، کومیک‌ها، آذری‌ها، تات‌ها و غیره. اسلام در این منطقه رنگ و بوی بیشتری نسبت به سایر مناطق قفقاز دارد و وجود تعداد زیادی مسجد که در سالیان اخیر ساخته شده‌اند، نشانه بارز آن است. داغستان را باید شمالی‌ترین ناحیه از ایران فرهنگی و جهان ایرانی دانست که نخستین پیروزی‌های اسلامی نیز در آن رخ داد.

درباره مسائل امنیتی که در آن منطقه به سادگی قابل مشاهده است، باید به تعارض‌های قومی اشاره کرد که به طور معمول با پرسیدن یک سؤال درباره قوم همجوار نمود پیدا می‌کند. اختلاف دارگین‌ها و آوارها برای کسب قدرت، ریشه در این تعارض‌های تاریخی دارد. بازرسی‌ها و حضور بی‌اندازه نیروهای انتظامی در خیابان‌ها و اطراف شهرها و محدودیت‌های عبور و مرور در مرزهای هر یک از جمهوری‌ها از تدابیر امنیتی در قفقاز شمالی محسوب می‌شود که در داغستان نیز بارز است. از موارد قابل توجه در این دیار فراوانی میراث ایرانی و همچنین ایران‌دوستی مردم منطقه است. آثار مسجد خامنه (ایرانیان) و قبرستان قدیمی شهر ماخاچ‌قلعه، پایتخت داغستان از یادمان‌های حضور ایرانیان در ۲۰۰ سال اخیر است. شهر دربند، یادمان ایرانیان، شکوهی ناگفتنی دارد که هر ایرانی را به شوق و امید دارد. مسجد ایرانیان و مردم ایرانی که به آذری سخن می‌گویند، همه یادگار وطن است.

نارین قلعه، مربوط به دوره ساسانی که تا قرن‌های اخیر نیز از آن استفاده می‌شد، نگین جنوب روسیه و تنها اثر ثبت‌شده از قفقاز در یونسکو است. در این قلعه آثار فراوانی از ایرانیان و بومیان ساکن وجود دارد». وی در ادامه گفت: «همسایه غربی داغستان، جمهوری چچن است که کشور درد و رنج و مردم ستم‌دیده از زمان دودایف تا باسایف است. گروزی پایتخت چچن را که فکر می‌کردم ویران شده، شهری بزرگ و جدید با ساختمان‌های نو و شیشه‌ای دیدم. مردم همه از رئیس‌جمهور جوان و طرفدار پوتین راضی هستند و او را بسیار دوست می‌دارند. عکس رمضان قادراف و پوتین بر در و دیوار شهر نمایان است. مردم چچن شاهنامه می‌خوانند و همه خواستار تأسیس کرسی زبان فارسی یا ایران‌شناسی در دانشگاه یا آکادمی علوم بودند. مذهب حنفی و شافعی شریعت این مردم است، ولی آنچه نمایان نیست اما قدرت بسیار دارد، طریقت‌های قادریه و نقشبندیه است. از نکات شایان توجه در چچن باید به امتناع مردم از صحبت درباره جوهر دودایف رئیس‌جمهور ملی‌گرای چچن، تغییر تفکر مردم درباره روسیه و همچنین پخش فیلم‌های ضدتروریستی مجاهدان اسلامی چچنی در گروزی اشاره کرد. دیگر اینکه چچن‌ها از سایر ملل قفقازی جمعیت بیشتری دارند.

اینگوش کشوری کوچک، در بین چچن و اوستیای شمالی است. مگس Magas پایتخت نوساز این

جمهوری است. اینگوش‌ها همواره با همسایگان خود بخصوص با اوست‌ها درگیری دارند. این اختلاف، ریشه در زمان تبعید این قوم در سال ۱۳۲۳/۱۹۴۴ به جرم خیانت و بازگشت در سال ۱۳۳۶/۱۹۵۷ است که بخشی از اراضی آنها به اوست‌ها داده شد. درگیری نظامی شدید در سال ۱۳۷۱/۱۹۹۲ و برخوردهای دائم مرزی یادآور این اختلاف‌ها است.

جمهوری اوستیای شمالی یا ایرستون شمالی در مرکز قفقاز شمالی قرار گرفته است که از دوره استالین به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم و بخش جنوبی به گرجستان و بخش شمالی به روسیه داده شد. مردم این دیار از نژاد ایرانی هستند و به یکی از زبان‌های ایرانی شاخه‌های شرقی صحبت می‌کنند. از نکات قابل توجه در این منطقه می‌توان به ایران‌دوستی زیاد مردم منطقه و خون‌گرمی و مهمان‌نوازی مردم و وجود مذهب یا باور یزیچنیک (یزیدی یا ایزدی) که بیشتر مردم اوستیا چه مسلمان و چه مسیحی به آن پایبندند اشاره کرد. این مذهب مانند مزدپرستی یا مهرپرستی، یک خسا (خدا) و هفت ایزد دارد و پرستشگاه‌هایشان در طبیعت (جنگل) و غارهای طبیعی یا ساخته دست بشر است. به اعتقاد یزیچنیک‌ها، این آیین به سرمیتیان و سکاها و آلان‌ها مربوط است. میراث ایرانی، از جمله محله ایرانی‌های ولادی قفقاز با سبکی قجری و نیز وجود ساختمان سفارت ایران و مسجد و مدرسه ایرانیان (نوروز) در دوره قاجار، علاقه به شاهنامه به طوری که اکثر مردم یک شاهنامه روسی در خانه دارند و وجود ایرانیان بی‌شمار که زبان و هویت خود را از دست داده و روس یا اوست شده‌اند، از موارد قابل توجه در این منطقه است.

در کنار اوستیا و در اصل غرب قفقاز شمالی چرکستان قرار دارد که هم اکنون از سه جمهوری کاباردینو-بالکار (قبارطه - بلغار)، کراچای - چرکس (قره‌چای - چرکستان) و آدیغه تشکیل شده است. به طور کلی سه قوم کابارد، چرکس و آدیغه‌ای از نژاد قفقازی هستند که ایرانی‌ها و ترک‌ها به آنها چرکس می‌گویند. زبان آنها از زبان‌های قفقازی در گروه آبخازی - آدیغه است، ولی هر یک از هم متفاوت است، به طوری که کابارداها و چرکس‌ها از نظر زبانی به یکدیگر نزدیک‌ترند تا آدیغه‌ها. در مورد قره‌چای‌ها و بالکارها نیز باید افزود که آنها از نژاد آلتایی هستند و به زبان ترکی باختری صحبت می‌کنند. در تقسیم‌های سیاسی در دوره شوروی این دو قوم را با دو قوم کابارد و چرکس ادغام کرده و دو جمهوری متفاوت ایجاد کردند. همین مورد، هم اکنون باعث اختلاف میان این اقوام شده است. در سرزمین‌های غربی قفقاز به ندرت شهری را می‌توان یافت که بیش از یک مسجد داشته باشد و می‌توان گفت از اسلام افراطی در شرق قفقاز هیچ خبری نیست».

کاظم‌زاده در ادامه گفت: «سرزمین قفقاز شمالی را بخشی از جهان اسلام یافتیم که مضامین اسلامی به دلیل نبود آموزش، تنها در نام‌ها و اماکن مانده است. در شرق منطقه، اسلام قوی‌تر از غرب است و اوستیا تنها جمهوری مسیحی قفقاز شمالی در مرکز آن قرار دارد. بر خلاف تصور، مضامین ایرانی بیشتر در شرق است تا غرب یعنی چرکستان. به طور کلی محبوبیت ایرانیان در قفقاز بالاتر از روس‌ها است. همچنین در سراسر قفقاز هنوز هم می‌توان عناصری از میراث و فرهنگ ایرانی یافت. در این میان بحران‌های امنیتی همچنان در قفقاز شمالی وجود دارد و تدابیر شدید امنیتی در شهرها و مرزها بسیار نمایان است».

روابط فرهنگی ایران و روسیه؛ امکانات و موانع

بیست و هفتمین نشست برنامه اوراسیای مرکزی با عنوان «روابط فرهنگی ایران و روسیه؛ امکانات و موانع»، با حضور دکتر الهه کولایی، مدیر برنامه اوراسیای مرکزی و دکتر النا دونایوا استاد مؤسسه خاورشناسی آکادمی روسیه، در روز سه‌شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۷ در مرکز مطالعات عالی بین‌المللی برگزار شد. در ابتدای جلسه دکتر الهه کولایی گفت: در نزدیک به پنج قرن که از گشایش ارتباط‌های دو کشور ایران و روسیه در سطوح مختلف می‌گذرد، دو کشور تجربه‌های ارزشمندی را در پرتو این همجواری اندوخته‌اند که طی یک قرن گذشته، این تحول‌ها اهمیت و اعتبار بیشتری داشته است. وی گفت: «در دوران اتحاد شوروی و پس از فروپاشی آن، روابط دو کشور بُعد سیاسی داشته است، ولی در دهه‌های ۱۳۵۰-۱۳۶۰ روابط دو کشور بیشتر رنگ اقتصادی به خود گرفت و در کنار روابط اقتصادی، روابط فرهنگی نیز شکل گرفت».

پس از آن دکتر النا دونایوا، سخنران این نشست، بحث خود را این گونه آغاز کرد: «دو کشور ایران و روسیه از لحاظ جغرافیایی در نزدیکی یکدیگر واقع شده‌اند. فرهنگ‌های این دو کشور طی قرن‌های زیادی در کنار هم رشد و گسترش پیدا کرده و بر یکدیگر تأثیر فراوانی گذاشته است. تماس‌های فرهنگی همیشه بخشی از روابط دو کشور بوده است. بدین ترتیب روابط فرهنگی بین ایران و روسیه تاریخی چند قرن دارد. سهم عظیم ملت ایران در علم، ادبیات و هنر و تمدن جهانی سبب علاقه قابل ملاحظه ملت روسیه به ایران و فرهنگ و تاریخ آن شده است. در گذشته، دانشمندان روسیه با دستاوردهای علم و هنر ایرانی



آشنا می‌شدند و شاعران و نویسندگان روسیه شعر کلاسیک فارسی را مطالعه می‌کردند».

وی گفت: «قرن بیستم دوره تحکیم و توسعه روابط فرهنگی و ادبی دو کشور بود. گرچه اعتقادهای ایدئولوژیک، دو دولت را در مقابل یکدیگر قرار می‌داد اما اتحاد شوروی و ایران تماس‌های فرهنگی خود را گسترش دادند. در این دوره،

«انجمن روابط فرهنگی با اتحاد شوروی» در ایران و نیز «انجمن روابط فرهنگی با ایران» در مسکو تشکیل شد. در سال ۱۹۶۶/۱۳۴۵ موافقتنامه مسائل فرهنگی و در سال ۱۹۷۱/۱۳۵۰ همکاری علمی و فنی بین دو کشور به امضا رسید. طبق این اسناد دو کشور متعهد شدند همکاری فرهنگی خود را گسترش دهند و به مبادله استادان و محققان مبادرت ورزند. مطابق این موافقتنامه، دو طرف، هر سال پروتکل همکاری و مبادله فرهنگی در رشته‌های علمی، هنری و ورزشی امضا می‌کردند. در سال ۱۹۷۲/۱۳۵۲ نیز دو کشور برنامه پنج ساله مبادلات فرهنگی را به امضا رساندند که جهت‌گیری اصلی همکاری را مشخص کرد.

طی دو دهه آخر قرن بیستم تحول‌های بنیادی که در ساختار سیاسی و اجتماعی هر دو کشور روی داد، باعث رکود روابط فرهنگی بین این دو کشور شد. طی سال‌های دهه ۱۹۹۰، عصر جدیدی در تاریخ روابط دو کشور ایران و روسیه شروع شد. با فروپاشی اتحاد شوروی و استقرار حکومت جدید در روسیه، گرایش‌های غرب‌گرایانه حکمفرما شد. اتحاد شوروی در آن زمان توجه شایسته‌ای به کشورهای شرقی نکرد و چنین وضعی تا اواسط سال‌های ۱۹۹۰ ادامه داشت. بعد از سال ۱۹۹۵/۱۳۷۴ از یک طرف در سیاست خارجی روسیه تحول‌های خاصی دیده می‌شود که شاهد تمایل آن به احیای نقش خود به عنوان پل فرهنگی بین شرق و غرب و فاصله گرفتن از تعقیب خط‌مشی آمریکاگرایی بود؛ از طرف دیگر در سیاست خارجی ایران هم دگرگونی‌هایی رخ داد. ایران از انزوای بین‌المللی خارج شد و گام‌هایی را در بهبود روابط با روسیه برداشت. از آن زمان روابط دو کشور از مرحله گفتگو عبور کرده و وارد مرحله همکاری شد. از این دوره، سیاست فرهنگی، یعنی معرفی و گسترش فرهنگ ایرانی جزو سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. در نیمه دوم سال‌های دهه ۱۹۹۰ تماس‌های علمی دو کشور برقرار شد. در سال ۱۹۹۸/۱۳۷۷ رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو افتتاح شد که به گسترش ایران‌شناسی کمک می‌کند.

در اواخر سال‌های ۱۹۹۰ به ابتکار ایران‌شناسان مسکو، «انجمن روسیه و ایران» به عنوان سازمانی غیردولتی تشکیل شد. هدف از تشکیل این انجمن، معرفی فرهنگ ایران در روسیه و کمک به تحکیم روابط دو کشور است. در حال حاضر، این انجمن با اتکاء به کمک‌های رایزنی فرهنگی ایران به فعالیت خود ادامه می‌دهد. دکتر النادوناویا برنامه‌های اصلی همکاری فرهنگی دو کشور در سال‌های اخیر را این گونه بیان کرد: ۱- تماس‌های علمی؛ نه فقط در رشته ایران‌شناسی، بلکه در پژوهش‌های دیگر مانند علوم انسانی و علوم پایه؛ ۲- مبادله دانشجویان در سطح فوق لیسانس؛ ۳- ترجمه کتاب‌های علمی، ادبی، فلسفی و گسترش آموزش زبان؛ ۴- گسترش ارتباط در حوزه اطلاع‌رسانی؛ ۵- برقراری روابط در حوزه گردشگری؛ ۶- مبادله هنری در حوزه تئاتر و سینما؛ ۷- گسترش رفت و آمدهای ورزشی؛ ۸- گفتگوی ادیان. در سال ۲۰۰۳/۱۳۸۲، پروتکل همکاری فرهنگی بین دو کشور به امضا رسید. مطابق این پروتکل در سال ۲۰۰۷/۱۳۸۶ روزهای فرهنگ روسیه در تهران و در سال جاری، هفته فرهنگ ایران در روسیه برگزار شد که بازتاب فراوانی پیدا کرد.

دکتر دونایوا یاد آور شد: «در عین حال پیشرفت روابط فرهنگی دو کشور با موانع مختلف سیاسی، اجتماعی، مالی و تاریخی مواجه است». وی انزوای سیاسی ایران و تحریم اقتصادی آن، حفظ گرایش‌های غرب‌گرایانه محافل اجتماعی و فرهنگی روسیه، وجود محدودیت در جامعه ایران و خاطرات دوران گذشته در یاد مردم دو کشور را که مربوط به جنگ و رویارویی دو دولت در گذشته است، از مهم‌ترین عوامل قابل ذکر در جلوگیری از گسترش روابط فرهنگی دو کشور برشمرد.

روابط سیاسی و اقتصادی ایران و روسیه در دوران پوتین

بیست و هشتمین نشست برنامه اوراسیای مرکزی با عنوان «روابط سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در دوران پوتین»، در روز یکشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۸۷ با حضور دکتر الهه کولایی، مدیر برنامه اوراسیای مرکزی و دکتر بیژن ژند شکیبی، استاد مدرسه اقتصاد و علوم سیاسی لندن در مرکز مطالعات عالی بین‌المللی برگزار شد. دکتر کولایی در ابتدای صحبت‌های خود گفت: «با در نظر گرفتن جایگاه ایران در سیاست خارجی روسیه و تحولاتی که در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی و فروپاشی اتحاد شوروی شکل گرفته و همچنین با در نظر گرفتن شرایط بین‌المللی حاکم بر روابط خارجی ایران، روسیه به عنوان یکی از همکاران مهم ایران شناخته شده است. هر دو کشور با حضور در کنار دریای مازندران، ظرفیت‌های بسیار قابل توجهی در اختیار دارند و به دلیل این همجواری با بایدها و ضرورت‌های گوناگون برای توسعه روابط مواجه هستند».

دکتر ژند شکیبی نیز با اشاره به اینکه هدف از این سخنرانی بررسی سیر تکامل روابط ایران و روسیه با تأکید بر فعالیت‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی در دوران ریاست جمهوری پوتین است، گفت: «از زمان گسترش روابط تهران-مسکو که از اواخر دوران شوروی آغاز شد، تحلیل‌های بسیاری درباره شناخت ویژگی‌های دقیق این روابط مطرح شده است. در روابط ایران و روسیه سؤالی که بیشتر مطرح است، بحث استراتژیک یا تاکتیکی بودن این روابط است. بعد از پایان جنگ سرد، استراتژیک بودن روابط بین کشورهای مختلف به صورت واقعی وجود ندارد، بدین معنا که روابط میان کشورها با توجه به منافع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و وضع داخلی هر کشور در حال تغییر است.

با درک منافع ملی دو کشور (ایران و روسیه)، پنج عامل مهم در روابط دو کشور تأثیرگذار بوده است:

- ۱- روابط مثلی میان آمریکا، روسیه و ایران ۲- ژئوپلیتیک آسیای مرکزی و قفقاز ۳- ژئوپلیتیک خاورمیانه
- ۴- تفاوت ایدئولوژیکی دو کشور ۵- اقتصاد». وی در ادامه گفت: «به سختی می‌توان منکر این حقیقت شد که جهان‌بینی نقش مهمی در روابط یک کشور با کشورهای دیگر ایفا می‌کند. البته این بدین معنا نیست که کشورهایی که تفاوت جهان‌بینی دارند نمی‌توانند با هم ارتباط داشته باشند. به عنوان مثال روابط آمریکا با عربستان و مصر نمونه‌ای از برتری دادن مسائل ژئوپلیتیک و اقتصادی بر تفاوت‌های جهان‌بینی دو کشور است. در مورد روابط ایران و روسیه نباید مسائل جهان‌بینی نادیده گرفته شود. روسیه بعد از سقوط اتحاد شوروی که بیشتر سیاست‌هایش در چارچوب جهان‌بینی تعیین می‌شد، (مدتی) به یکی از



کشورهای بدون جهان‌بینی تبدیل شد. در روسیه کنونی به ویژه در دوران پوتین حرف اول را منافع ملی این کشور می‌زند».

از نظر وی، جهان‌بینی پوتین معطوف به منافع ملی و اقتصادی در یک جهان چندقطبی است. روسیه از طریق کسب منافع سیاسی و اقتصادی قصد دارد خود را به عنوان یک قدرت جهانی معرفی کند. به همین دلیل، دیگر داشتن

سلاح‌های اتمی و ارتش گسترده بدون پشتوانه منافع ملی و اقتصادی نمی‌تواند در راستای قدرت جهانی کارساز باشد. به عنوان مثال در دوران اتحاد شوروی نفت و گاز را با یارانه زیاد به کشورهای اروپای شرقی می‌فروختند، تا این کشورها را در قلمرو خود حفظ کنند. در آن دوران منافع ژئوپلیتیک مهم‌تر بود، ولی پوتین و طبقه حاکم فدراسیون روسیه منافع اقتصادی و سیاسی را بر آن ترجیح داده و یارانه‌های نفت و گاز را حذف کردند.

وی در مورد روابط ایران و روسیه افزود: «روسیه پس از سقوط شوروی، ایران را به عنوان یک نیروی پایدار در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی می‌دانست. در دهه ۱۹۹۰ سیاستمداران روسیه بر این باور بودند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عمل‌گرا و واقع‌گرا شده است، بنابراین ایران می‌تواند یک شریک معتمد و خوب برای روسیه باشد. این دیدگاه زمانی شکل گرفت که روسیه از لحاظ سیاسی و اقتصادی ضعیف شده بود و به یک شریک ژئوپلیتیک نیاز داشت تا مرزهای جنوبی‌اش را حفظ کند اما روسیه به تدریج مسیر خود را تغییر داد». وی با اشاره به تأثیر نقش آسیای مرکزی و قفقاز در روابط دو کشور گفت: «روسیه و ایران با آسیای مرکزی و قفقاز هم‌مرز هستند. این وضعیت ژئوپلیتیک زمینه را برای همکاری دو کشور فراهم کرده است. همانطور که در مسئله افغانستان، تاجیکستان و ناگورنو-قره‌باغ مشاهده شد. منازعه بر سر مسئله رژیم حقوقی دریای خزر و بحث عبور خطوط لوله از این منطقه ژئوپلیتیک نیز از دیگر عوامل زمینه‌ساز همکاری دو کشور است. با این همه، در حالی که روسیه انتظار دارد ایران نقش نیروی حافظ ثبات و نظم در منطقه را ایفا کند، همزمان، ایران را رقیب احتمالی خود در مناطق جنوبی می‌بیند. به همین دلیل، روسیه که قصد تقویت روابط با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را دارد، از تأثیر روابط سیاسی و اقتصادی این کشورها با ایران نگران است.

یکی دیگر از عواملی که باعث نزدیک‌تر شدن دو کشور ایران و روسیه در این منطقه شده، حضور نظامی آمریکا در این منطقه است. با ریاست جمهوری پوتین و مرکزیت یافتن سیاست خارجی روسیه، مسکو بیش از پیش متقاعد شد که ایران به عنوان یکی از قدرت‌های مهم منطقه خلیج فارس و آسیای مرکزی است. روسیه معتقد بود ایران با قدرت اقتصادی و ظرفیت‌های بالای خود مثل نیروی کار تحصیل‌کرده و همچنین سیاست داخلی و خارجی دوران ریاست جمهوری خاتمی نه تنها به عنوان قدرت منطقه‌ای

شناخته می‌شود، بلکه به عنوان یکی از اعضای مهم جامعه بین‌المللی، نقش تعیین‌کننده‌ای در برقراری ثبات در خاورمیانه و محدود کردن نفوذ آمریکا در منطقه ایفا خواهد کرد».

وی در ادامه بحث خود گفت: «هنگامی که از روابط ایران و روسیه صحبت می‌شود، باید روابط آمریکا با این دو کشور را نیز در نظر گرفت. تا سال ۱۹۹۷/۱۳۷۶ سیاست خارجی روسیه بیشتر نزدیکی به غرب بود، بعد از آن به ویژه با روی کار آمدن پوتین، روسیه با نظام تک قطبی به مخالفت برخاست. بعد از ریاست جمهوری یلتسین تا سال ۲۰۰۰/۱۳۷۹ روابط بین ایران و روسیه تقویت شد. از سال ۲۰۰۰/۱۳۷۹ به بعد روابط ایران و روسیه پیچیدگی‌های خاصی پیدا کرد که چند عامل در این پیچیدگی نقش داشت: اول، بالا رفتن قیمت نفت و گاز و رشد اقتصادی فدراسیون روسیه؛ دوم، سیاست خارجی ایدئولوژیک دولت بوش که سبب تیره شدن روابط بین مسکو و واشنگتن شد. تلاش آمریکا برای پذیرش عضویت کشورهای اروپای شرقی به ناتو، روسیه را متقاعد کرد که آمریکا درصدد محدود کردن فدراسیون روسیه است. بعد از حمله آمریکا به عراق و نقض منشور سازمان ملل متحد، روسیه بر نقش سازمان‌های بین‌المللی و اجرای قوانین بین‌المللی توسط کشورهای مختلف تأکید کرد. بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر با اینکه روسیه آمادگی خود را برای مقابله با تروریسم اعلام و تا حدی در مقابل آمریکا عقب‌نشینی کرد، ولی آمریکا سیاست گسترش ناتو را در پیش گرفت. پوتین آمریکا را رقیب خطرناک، ایدئولوژیک و غیرقابل پیش‌بینی می‌دانست. تیرگی روابط واشنگتن - مسکو سبب تقویت روابط ایران - مسکو شد».

وی در ادامه گفت: «با مطرح شدن مسئله انرژی هسته‌ای ایران، روابط تهران، مسکو و واشنگتن وارد مرحله جدیدی شد. روسیه به دلیل نزدیکی روابط با ایران انتظار داشت ایران در مورد فعالیت‌های خود به این کشور خبر دهد. از سال ۲۰۰۳/۱۳۸۲ روسیه پیش از پیش با اتحادیه اروپا برای فشار آوردن به ایران همکاری کرد و ساخت نیروگاه بوشهر را نیز به تأخیر انداخت. با این وجود، پوتین حاضر نبود از برقراری تحریم‌های علیه ایران حمایت کند. پوتین از حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران نیز حمایت نمی‌کند که دلیل آن نگرانی پوتین از مرزهای جنوبی روسیه است. بنابراین پوتین می‌کوشد تا مسئله برنامه هسته‌ای ایران در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی و از راه دیپلماسی حل شود. می‌توان گفت پوتین به دو دلیل ساخت نیروگاه بوشهر را به تأخیر انداخت؛ یکی نگرانی در مورد دامنه برنامه هسته‌ای، دوم به دلیل جلوگیری از حمله آمریکا به ایران».

به نظر دکتر ژند شکویی در هیئت حاکمه روسیه این دیدگاه وجود دارد که ایران به دلیل تیرگی روابط با آمریکا، با روسیه همکاری می‌کند. آنها معتقدند، زمانی که ایران به فناوری هسته‌ای دست پیدا کند، دیگر نیازی به روسیه نخواهد داشت و اگر ایران روابط با آمریکا را آغاز کند، به روسیه اهمیت نمی‌دهد. دیدگاه ایران نیز در مورد فدراسیون روسیه این است که هدف روسیه، گرفتن امتیاز از آمریکا است و با فشار اقتصادی و سیاسی آمریکا به روسیه، فدراسیون روسیه عقب‌نشینی می‌کند. به این ترتیب و با توجه به واقعیت‌های موجود، تا زمانی که دو طرف به هم اعتماد ندارند، نمی‌توان در هیچ زمینه‌ای از روابط عمیق صحبت کرد.

ناباکو و رقابت برای انرژی

سید مسعود موسوی شفائی^۱ و امیر محمد سوری^۲

مقدمه

در جهان امروز دغدغه‌های اقتصادی اهمیت بسیاری پیدا کرده و دسترسی به انرژی ارزان و مطمئن نیز یکی از عوامل مهم در بحث توسعه پایدار اقتصادی به حساب می‌آید. در همین راستا دریای خزر از جمله مناطقی است که ذخایر سرشار نفت و گاز دارد. اروپا نیز به دلیل نیاز مبرم به انرژی، تلاش گسترده‌ای برای اطمینان از دسترسی به انرژی از کشورهای تولیدکننده حاشیه دریای خزر انجام داده است، اما اغلب چنین فعالیت‌هایی با کارشکنی‌های روسیه همراه بوده است. بحث اصلی این نوشتار آن است که هدف پروژه ناباکو با توجه به اهمیت انرژی، برای کاهش وابستگی اتحادیه اروپا به روسیه است و واکنش روسیه، جلوگیری از این طرح و یا حداقل کاهش اثرگذاری پروژه ناباکو با ابزارهای در دسترس است.

روسیه، اروپا و انرژی

پوتین بعد از به قدرت رسیدن در سال ۲۰۰۰/۱۳۷۹ یکی از اهداف خود را سامان دادن به مدیریت انرژی در روسیه قرار داد و در این راستا با الیگارشی‌های مشهوری نظیر خودروکوفسکی و برزوفسکی برخورد کرد. وی با تغییر هیئت‌مدیره شرکت گازپروم، اعضای دفتر خود از جمله مدودف را به عنوان هیئت‌مدیره جدید انتخاب کرد و مدیر عامل شرکت گاز پروم نیز الکسی میلر شد که دوست نزدیک پوتین است.

یکی از دغدغه‌های مهم اتحادیه اروپا، وابستگی آن در بخش انرژی به روسیه است که این اتحادیه را مجبور به یافتن مسیرها و راه‌های جدیدی برای برطرف کردن این وابستگی کرده است. روسیه با داشتن ۴۸ تریلیون متر مکعب ذخایر گازی و تولید سالانه ۵۹۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی (حدود ۲۲ درصد کل گاز تولیدی جهان) و نیز با داشتن ذخایر نفتی برابر با ۷۲/۳ میلیارد بشکه (۶/۱ درصد از کل منابع نفت خام جهان) و تولید روزانه بیش از ۷ میلیون بشکه نفت در روز، نقش مهمی در تأمین انرژی برای اتحادیه دارد.^۳ از دلایل دیگر اهمیت انرژی و ذخایر هیدروکربنی روسیه برای اروپا، حجم بالای ذخایر گاز روسیه نسبت به ایران، قطر و آفریقا و نیز طول عمر بیشتر این ذخایر است.^۴ از طرفی خطوط انتقال گسترده منابع انرژی آن به اروپا به عنوان ابزارهای قدرت سیاسی و امنیتی این کشور عمل می‌کند. روسیه حدود ۳۰ درصد گاز اروپا را تأمین می‌کند و طبق برخی پیش‌بینی‌ها، این میزان تا سال ۲۰۳۰/۱۴۰۹ بالغ بر ۶۰ درصد خواهد

۱- دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران

۲- کارشناس ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه علامه طباطبائی

۳- داوود کیانی، «سیاست انرژی روسیه در برابر اتحادیه اروپا»، فصلنامه سیاست خارجی، بهار ۶۸۳۱، ص: ۵۸۱

۴- همان

شد.^۱ از طرفی همواره تصمیم‌های اروپا برای متنوع‌سازی منابع انرژی با مشکل مواجه شده است. دلایل بسیاری وجود دارد برای اینکه چرا تلاش‌های سیاست‌گذاران اروپایی برای متنوع‌سازی سیاست‌های انرژی با شکست مواجه می‌شود. این موارد شامل فاصله بسیار با تولیدکنندگان، انعطاف ناپذیری گاز طبیعی به عنوان یک کالا و سرمایه‌های بسیاری که برای ساختن خطوط لوله جدید نیاز است می‌شود. به هر حال روسیه منشور انرژی^۲ را در سال ۱۹۹۱/۱۳۷۰ با ۵۰ کشور امضاء کرد، اما تاکنون از تصویب آن خودداری کرده است.^۳ در این منشور بر سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در بازار و خطوط انتقال انرژی روسیه تأکید شده است. در صورت تصویب منشور، انحصار کرملین بر منابع گازی این کشور و آسیای مرکزی کاهش خواهد یافت. در این منشور تأکید شده است که مشارکت در مسائل انرژی میان اتحادیه اروپا و روسیه، باید بر اساس اصولی همچون تبعیض قائل نشدن، قابل پیش‌بینی بودن و امنیت عرضه انرژی در طولانی‌مدت، دسترسی متقابل به بازار و زیرساخت‌ها و شفافیت متقابل برای سرمایه‌گذاری و با توجه به احترام به قوانین رقابتی و مفاد منشور انرژی استوار باشد. با توجه به این شرایط و سیاست‌های روسیه و اتحادیه اروپا نسبت به مسئله انرژی به بررسی وضعیت ناباکو می‌پردازیم.

ناباکو

خط لوله باکو-ارزروم، راه اصلی انتقال انرژی از دریای خزر به اروپا است، اما حلقه مفقوده‌ای بین ارزروم و شبکه‌های خط لوله در اروپا وجود دارد که ناباکو این حلقه مفقوده را پر خواهد کرد. با توجه به این نکته که ناباکو اساساً با تلاش‌های اروپا ساخته و راه‌اندازی خواهد شد، قادر است سیاست‌های بسیار متفاوت انرژی دولت‌های عضو اروپا را نیز به خوبی هماهنگ کند. در اروپا، واردات گاز طبیعی در حال دو برابر شدن است و از ۲۰۰ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۰۲/۱۳۸۱ به ۴۰۰ میلیارد متر مکعب تا سال ۲۰۳۰/۱۴۰۹ خواهد رسید. مصرف و تقاضای کنونی گاز طبیعی در کشورهای اتحادیه ۵۴۰ میلیارد متر مکعب است که ۱۵۰ میلیارد متر مکعب آن از روسیه وارد می‌شود و هر گونه افزایش مصرف نیز در شرایط حاضر باید با تولید روسیه جبران شود.^۴ با تکمیل خط لوله نفتی باکو-جیحان در سال ۲۰۰۵/۱۳۸۴ و خط لوله گاز باکو-ارزروم در سال ۲۰۰۶/۱۳۸۵، دو راه مهم انتقال گاز به اروپا به عینیت رسید. این دو خط لوله با همدیگر میدان نفتی آذری-چراغ-گوشلی را توسعه دادند و میدان گازی شاه دنیز تبدیل به بخشی از کریدور استراتژیک سیستم خطوط لوله آذربایجانی-ترکیه‌ای-گرجستانی یا کریدور شرقی و غربی شد. این کریدور برای مهار تسلط روسیه بر سیستم انتقال و خط لوله منطقه‌ای و دستیابی مستقیم به موجودی و ذخایر خزر در آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان طراحی شده است و ذخایر انرژی را از قزاقستان و ترکمنستان و از طریق خزر به آذربایجان و از طریق لوله‌های موجود از طریق گرجستان و ترکیه عبور می‌دهد و سرانجام در بازار اروپا تحویل داده می‌شود. به هر حال هم اروپا و هم دولت‌های آسیای مرکزی و قفقاز در یک موقعیت تاریخی قرار دارند و به شدت در پی تنوع‌بخشی به مسیرهای ترانزیت و دسترسی مستقیم به انرژی هستند که خط لوله ناباکو به طور دقیق در همین راستا قرار دارد. خط لوله ناباکو حدود ۳۳۰۰ کیلومتر طول دارد که ساخت آن تقریباً پنج الی شش میلیارد دلار هزینه دارد.^۵ از طرفی کنسرسیوم ناباکو شامل OMV اتریش و MOL مجارستان، ترنس گاز رومانی، بلغار گاز بلغارستان و بوتاس ترکیه و ششمین شریک یعنی RWE آلمان است.

1- Geopolitics of EU Energy Supply, Euractiv, 18 July 2005 , Updated,(16 November 2006).

2- Energy Charter Treaty(ECT)

3- Andrew Rettman, «EU losing Faith in Russia Energy Charter Scheme», Euobserver, (17.10.2006), at: www. Euobserver.com

4- Vladimir Socor, «No Commitment to Nabucco Means Preference for Gazprom», Eurasia daily Monitor, May 10 ,2207.p:15

5- Khadija Ismayilova, « the Future of Nabucco Pipeline up in the air»,2007.p:1

در همین راستا مدیر مؤسسه پی.وی.ام واقع در وین، دو پروژه ناباکو و وایت استریم را دو گزینه مهم برای تأمین گاز اروپا توصیف کرد. به بیان ژوهانس بنگینی^۱، مدیر یک مؤسسه نفتی در وین، خاورمیانه با ۴۱ درصد و حوزه دریای خزر با ۳۲ درصد، در مجموع بیشترین ذخایر گاز طبیعی جهان را در اختیار دارند. وی با بیان اینکه ایران ۱۵/۵ درصد از ذخایر گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد، پیش‌بینی کرد که تولید گاز ایران و روسیه در مجموع از ۵۷۰ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۰/۱۳۷۹ به ۸۰۰ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۱۷/۱۳۹۶ برسد. از طرفی بنگینی معتقد است که جمهوری‌های آذربایجان و قزاقستان نیز در نظر دارند تولید خود را به ترتیب از حدود ۱۲ و ۲۵ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۰/۱۳۷۹ به ۳۰ و ۸۰ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۲۰/۱۳۹۹ برسانند.^۲ از طرفی رینهارد میسچک، مدیر کنسرسیوم خط لوله ناباکو در گفتگو با روزنامه هندلزبلات^۳ اعلام کرد که از سال ۲۰۱۷/۱۳۹۶ امکان انتقال گاز ایران از طریق خط لوله «ناباکو» وجود دارد و در گام‌های بعدی یعنی حدود سال ۲۰۱۷/۱۳۹۶ دریافت گاز ایران، عراق و مصر قابل اجرا خواهد بود.

انتظار می‌رود مرحله اول ناباکو از حدود سال ۲۰۱۲/۱۳۹۱ عملیاتی شود. در مرحله اول ساخت، ارتباط بین بوم گارتن در اتریش و آنکارا در ترکیه خواهد بود. زمانی که این مرحله تکمیل شود، خط لوله‌هایی که تا به حال موجود بوده، همچون لوله‌هایی که میان ایران و گرجستان و در مرزهای ایران است برای شروع عملیات استفاده خواهند شد. ظرفیت این مرحله تا ۸ میلیارد متر مکعب خواهد بود. مرحله دوم ساخت در سال ۲۰۱۲/۱۳۹۱ شروع خواهد شد و تا پایان سال ۲۰۱۳/۱۳۹۲ و در زمانی که ارتباط بین مرز ترکیه تا گرجستان و ایران تکمیل شود به پیش می‌رود. پس از این دو مرحله ایستگاه‌های جدیدی در نقاط کلیدی خط لوله برای افزایش فزاینده ظرفیت خط لوله برای اینکه به ۲۱-۲۵/۵ میلیارد متر مکعب در هر سال برسد، ایجاد خواهد شد.^۴ البته پیش‌بینی می‌شود که این خط لوله حداقل ۱۳/۵ تا ۲۵/۵ میلیارد متر مکعب گاز در سال و حداکثر تا ۳۱ میلیارد متر مکعب در سال به اروپا تحویل دهد.^۵ اما این پروژه با سدهای مختلفی مواجه است که در ادامه بدان اشاره خواهد شد.

۱- ناباکو و منابع در دسترس

تردیدهای جدی در مورد تأمین‌کنندگان ناباکو وجود دارد. هنوز چندان مشخص نیست که کشورهای متعهد بتوانند به طور کامل تعهدهای خود را عملی کنند. اگرچه هدف ناباکو در ابتدا انتقال گاز از ایران و خاورمیانه بود، اما ساخت خط لوله گاز باکو-ارزروم و توسعه شاه‌دینیز جذابیت بسیاری در کوتاه‌مدت داشت و تا حدودی ساخت ناباکو را به تعویق انداخت. در این میان ملاقات‌های بسیاری برای توسعه انرژی انجام شد تا هماهنگی‌هایی ایجاد شود. مصر، عراق، لیبی، ایران و عربستان سعودی دیگر بازیگرانی هستند که امروزه جزو سهامداران و تأمین‌کنندگان اصلی ناباکو به شمار می‌روند. برخی از عمده‌ترین موانع موجود در این زمینه یعنی وضعیت کشورهای تأمین‌کننده عبارتند از:

آذربایجان: در حال حاضر آذربایجان تنها کشوری است که به طور کامل با ناباکو توافق کرده است.^۶ میدان شاه‌دینیز مرحله اول این پروژه را تکمیل می‌کند. زمانی که پروژه وارد مرحله دوم شود شرایط بسیار نامطمئن خواهد بود. طبق نظر متصدی «بی.پی»^۷ ظرفیت شاه‌دینیز برای تولید حدود ۸ الی ۱۲ میلیارد متر مکعب در هر سال است و برای مرحله دوم، ناباکو در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۲۰۱۱/۱۳۹۱ تا ۲۰۱۲ کافی نیست

۱- مدیر یک مؤسسه نفتی در وین.

2- at: www.shana.com. 2007/5/11

3- HENDLZBLAT

4- www.Nabucco-Pipeline.com

5- F. Yesim Acollu, «Major Challenges to the Liberalization of the Turkish Natural Gas Markets», Oxford Institute of Energy Studies, November 2006.

6- Thomas Kreyenbuhl, «Iran-Turkey Gas Deal Gives New Hope for EU Nabucco Pipeline», World Politics Review, October 9 2007.

7- British Petroleum

و قادر نخواهد بود هم وصل‌کننده ترکیه- یونان و هم به تنهایی تأمین‌کننده ناباکو باشد. هرچند که الهام علی‌اف اظهار داشت که شاه‌دینز می‌تواند تا ۵۰ میلیارد متر مکعب در هر سال تأمین انرژی کند، اما باید محتاطانه‌تر با این موضوع برخورد کرد.^۱

ایران: گاز ایران بیشتر برای مرحله دوم در نظر گرفته شده است، اما برنامه هسته‌ای ایران بررسی سیاست‌های انرژی آن را دچار مشکل کرده است. عامل دیگر، نبود اطمینان درباره ظرفیت تولید و مصرف بالای انرژی در ایران برای مصارف داخلی است. ترکیه نیز که از ایران گاز وارد می‌کند، شرایط بسیار نامناسبی دارد. ترکمنستان: ترکمنستان گزینه بعدی پس از آذربایجان است، اما مشکلات بسیاری در این زمینه وجود دارد که مهم‌ترین آنها مسائل و کشمکش‌های سیاسی میان آذربایجان و ترکمنستان است. موضوع اصلی مورد اختلاف حقوقی طرفین، اساساً به کاپاز/ سردار و میدان نفتی آذری- چراغ-گوشلی و همچنین مشکلاتی بر سر راه برداشت انرژی از خزر بر می‌گردد.

۲- دولت‌های ترانزیت

گاز پروم مذاکره‌های بسیاری با دولت‌های ترانزیت اروپای مرکزی داشته تا آنان متعهد به خطوط لوله استریم جنوبی شوند که در رقابت با ناباکو است. گازپروم تلاش کرده تا دولت‌های ترانزیت را از شرکت در ناباکو منع کند. واقعیت آن است که بسیاری از دولت‌های اروپای مرکزی و شرقی خودشان را زیر فشارهای گازپروم، آسیب‌پذیر احساس می‌کنند.

۳- منابع مالی ناباکو

موضوع آخر و بسیار مهم، مسائل مالی است. مباحث بسیاری درباره سودآوری این پروژه در جریان است و اینکه آیا این پروژه آنقدر سودآور هست که بتوان بدان اطمینان داشت. به هر حال هم اکنون بانک سرمایه‌گذاری اروپایی تعهد کرده که حاضر به پرداخت ۶/۲ میلیارد دلار هزینه است و برای تأمین بقیه منابع مالی مورد نیاز، کنسرسیوم مشغول مذاکره با «بانک توسعه و بازسازی اروپا» است.^۲ وجود ایران در این طرح سرمایه‌گذاری، مخالفت ایالات متحده را برانگیخته است. آمریکا آشکارا اعلام کرده که در صورت حضور ایران، به هیچ وجه در این طرح مشارکت نخواهد کرد.

1- Thomas Kreyenbuhl, «Iran-Turkey Gas Deal Gives New Hope for EU Nabucco Pipeline», World Politics Review, October 9 2007

2- European Bank for Reconstruction and Development (EBRD)

برداشت روسیه از جایگاه چین در سازمان همکاری شانگهای

فرهاد نوایی^۱

گروه شانگهای حاصل امضای توافقنامه اعتمادسازی در حوزه نظامی در نشست اولیه فروردین ۱۳۷۵/ آوریل ۱۹۹۶ و توافقنامه کاهش متقابل نیروها در مناطق مرزی مشترک در مسکو در سال ۱۳۷۶/۱۹۹۷ است. پس از آن نشست‌های منظمی درباره مباحث فی مابین و نگرانی‌های متقابل برگزار شد که از جمله می‌توان به نشست آلماتی ۱۹۹۸ و به دنبال آن نشست ۱۹۹۹ بیشکک و ۲۰۰۰ دوشنبه اشاره کرد. کاهش تنش و ایجاد صلح در مرزها، رهبران کشورهای عضو (پنج کشور عضو شوروی از یک طرف و چین از سوی دیگر) را تشویق کرد تا مسائل مهم منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین مشکلات مربوط به همکاری‌های اقتصادی چندجانبه و دوجانبه را در دستور کار خود قرار دهند. مکانیسم ملاقات‌های سالانه در سطح وزرای امور خارجه این کشورها نیز مورد بررسی قرار گرفت و به تدریج تصمیم گرفته شد تا اقدام‌های مشترک خود را برای مقابله با تروریسم، افراط‌گرایی، جدایی‌طلبی و جرایم فراملی گسترش دهند. روسیه نیز به تدریج با پی بردن به نقش این سازمان و همچنین درک کشورهای عضو از جایگاه آن در عرصه منطقه‌ای به عضویت گروه پنج درآمده و سازمان منطقه‌ای با شرکت هفت کشور در شانگهای در سال ۲۰۰۱/۱۳۸۰ بنیان‌گذاری شد. اما از همان ابتدای تشکیل سازمان، مشخص شد که دو بازیگر اصلی سازمان، یعنی چین و روسیه اهداف خود را دنبال می‌کنند که شاید مهم‌ترین مسئله مورد نگرانی دو کشور و هدف نهانی آنها مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا بوده است.

هم روسیه و هم چین، طرفدار یک جهان چندقطبی بوده و خواهان به رسمیت شناخته شدن منافع خود در یک جهان دست‌کم «تک قطبی متعادل» هستند. اگرچه این دو کشور بارها متذکر شده‌اند که همکاری‌شان در مقابل هیچ کشوری جهت‌گیری نشده، اما رد پیشنهاد آمریکا برای پیوستن به سازمان و درخواست از این کشور برای تعیین ضرب‌الاجل خروج سربازان خود از آسیای مرکزی نشانگر ماهیت ضدآمریکایی سازمان است. هر چند برخی اندیشمندان چنین تحلیل‌هایی را ساده‌سازی بیش از حد واقعیت می‌دانند. این نزدیکی دو همسایه قدرتمند در سازمان شانگهای، باعث شکاف میان اندیشمندان روسی شده است، به گونه‌ای که هر کدام از زاویه دید خود به فرصت‌ها و تهدیدهای روسیه در قبال نزدیکی به چین و سیاست‌های این قدرت نوظهور در درون سازمان توجه کرده‌اند. در این راستا، گروه طرفدار نزدیکی به چین که به خوش‌بینان معروف هستند، استدلال می‌کنند که سازمان شانگهای فرصت مغتنمی برای هر دو کشور محسوب می‌شود تا از طریق آن، جهانی چندقطبی که برای همه کشورهای دنیا و به ویژه روسیه و چین مفید است به وجود آید. بر این اساس سازمان شانگهای گزینه جدیدی برای جلوگیری

از یک جانبه‌گرایی آمریکا و همچنین پیشبرد همکاری اقتصادی و تجاری سودآور متقابل برای دو کشور به حساب می‌آید. گروه دوم که به اروآتلانتیک‌گراها معروف هستند، سازمان شانگهای را یک طرح ناپخته چینی می‌دانند که پیامدهای ناخوشایندی برای روسیه به دنبال دارد. آنها بر این باور هستند که تعارض میان دو همسایه بزرگ، اجتناب‌ناپذیر است. گروه سوم که به واقع‌گرایان معروف هستند بر این باورند که چین، هم شریک بالقوه و هم دشمن احتمالی برای روسیه محسوب می‌شود. اروآتلانتیک‌گراها به ظهور اقتصادی و سیاسی چین اشاره می‌کنند و بر این باور هستند که در طول ۱۵۰ سال گذشته، این اولین بار است که چین از روسیه قوی‌تر است.

چین پرجمعیت‌ترین کشور جهان و سومین اقتصاد بزرگ جهان با نرخ رشد سالانه ۹ درصد است. در حالی که روسیه از این نظر مکان یازدهم را در اختیار دارد و با رشد ۶/۵ درصدی - حتی اگر رشد اقتصادی چین تا ۶ درصد کاهش یابد - شکاف میان این دو کشور در آینده نزدیک، به ۸ برابر می‌رسد. چین جمعیتی بالغ بر ۹ برابر روسیه دارد و شکاف جمعیتی میان دو کشور در خاور دور با ۶ تا ۷ میلیون برای روسیه در مقابل ۱۵۰ میلیون چینی، وضعیت مخاطره‌آمیزی را ایجاد کرده است. از نظر اروآتلانتیک‌گراها کمبود مواد غذایی و نیاز حیاتی به انرژی، حوزه‌هایی هستند که آینده روابط دو کشور را رقم خواهند زد. تعداد زیاد بیکاران در چین (۱۵۰ میلیون)، سیستم مستمری که تنها تعداد اندکی را پوشش می‌دهد و موضوع گذار جمعیت چین از شیوه سنتی به فردگرایی و مصرف‌گرایی، مسائل جمعیتی چین را بغرنج‌تر کرده و ممکن است به شکل مهاجرت توده‌ای به روسیه، این کشور را بسیار تحت تأثیر قرار دهد.

با فرض اینکه فقط ۵ میلیون نفر از ۱۵۰ میلیون چینی خاور دور به مرز استیصال برسند، کافی است تا برای پیدا کردن فرصت‌های بهتر به مرزهای روسیه هجوم آورده و این کشور را با جمعیتی برابر با کل جمعیت خاور دور روسیه روبه‌رو کنند. این اندیشمندان پیش‌بینی می‌کنند تا سال ۲۰۱۰/۱۳۸۹ حدود ۷ تا ۱۰ میلیون چینی در روسیه زندگی خواهند کرد که دومین گروه قومی بزرگ بعد از روس‌ها را تشکیل می‌دهند و این موضوع ضمن برهم زدن توازن سیاسی و قومی در این کشور، زمینه درگیری نظامی میان چین و روسیه را به شکل درگیری‌های قومی فراهم می‌کند.

در زمینه همکاری‌های اقتصادی نیز نگرش‌ها متفاوت است. روسیه و چین در حال حاضر فعالانه در حال همکاری اقتصادی و تجاری دوجانبه سودآور هستند. پیش‌بینی شده که ارزش این همکاری تا سال ۲۰۱۰/۱۳۸۹ به ۷۰ میلیارد دلار برسد. خواست روسیه برای گسترش منابع انرژی خود و طرح چین برای خرید هرچه بیشتر نفت و گاز روسیه، دو کشور را در موقعیت شرکای استراتژیک نزدیک در حوزه‌های مهم قرار داده است. از این رو، مخالفان همکاری استراتژیک روسیه و چین به ویژه اروآتلانتیک‌گراها استدلال می‌کنند که روسیه باید نسبت به تبدیل این کشور به یک تأمین‌کننده صرف نیازهای چین در زمینه مواد خام هشیار باشد. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که چین به واسطه توانایی‌های مالی و منابع اقتصادی خود می‌تواند بر صنایع دفاعی روسیه در خاور دور و سیبری اعمال کنترل کرده و آنها را در مجتمع صنعتی و نظامی خود ادغام کند. آنها همچنین معتقد هستند که چین به استثنای همکاری‌های فنی-نظامی سودآور، علاقمند همکاری در زمینه‌های اقتصادی نیست.

آنها در زمینه امور دفاعی بر این باورند که روسیه و چین همکاری‌های دفاعی خود را از اوایل دهه ۱۹۹۰/۱۳۷۰ با موفقیت گسترش داده‌اند که به شکل فروش حجم عظیمی از سخت‌افزارهای نظامی روسیه به چین بوده است. منتقدان همگی معتقدند که سخت‌افزارهای نظامی که روسیه به چین صادر می‌کند به زودی یا بعدها می‌تواند علیه مسکو استفاده شود. در مقابل گروه خوش‌بین معتقدند که نخست، فروش

فزاینده تسلیحات روسی به نفع مسکو است و برای بقای مجموعه صنعتی - نظامی پرهزینه روسیه ضروری است. دوم اینکه آنها می‌گویند اگر مسکو چنین سلاح‌هایی را به چین نفروشد، این کشور قادر است از منابع دیگر آنها را تأمین کند. بنابراین مسکو نباید این بازار سودآور را به هیچ قیمتی از دست بدهد، سوم آنکه روسیه نسل پنجم تسلیحات خود را به پکن صادر نمی‌کند. واقع‌گرایان از یک سو معتقدند فروش این دسته از تولیدات در مقیاس وسیع به قیمت از دست رفتن امنیت روسیه تمام می‌شود، اما از سوی دیگر تهدید چین را افسانه‌ای می‌دانند که محصول تبلیغات رسانه‌های آمریکایی برای ترساندن روسیه است. تحلیل‌گران نظامی این طیف در روسیه معتقدند که خواسته‌های نظامی - سیاسی چین حداقل در آینده نزدیک علیه روسیه جهت‌گیری نشده‌اند. تعداد اندکی هم درباره آمادگی چین برای همکاری با مسکو در فضای امنیتی بین‌المللی و کنترل جامع تسلیحات تردید دارند.

درباره ائتلاف میان دو کشور و مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا، اکثر سیاست‌گذاران روسی با وجود چنین نگرش‌های بدبینانه و مغرضانه‌ای به سیاست‌های چین امکان ایجاد یک بلوک باثبات را دور از ذهن می‌دانند، به ویژه اینکه چینی‌ها با یک روسیه غیرقابل پیش‌بینی و ضعیف، نیازی به ائتلاف احساس نمی‌کنند. آنها حتی امکان همکاری استراتژیک ضد هژمونیک هماهنگ و مشترک را ضعیف می‌دانند. حوزه مناقشه‌آمیز دیگر در روابط مسکو - پکن موضوع علامت‌گذاری مرزی است که به توافقنامه‌های ۱۸۵۸، ۱۸۶۰ و ۲۰۰۴ درباره سه جزیره یوسوری، امور و رودخانه آرگون اشاره دارد. پوتین به خاطر توافق‌نامه آخر، به شدت مورد انتقاد رسانه‌های داخلی قرار گرفته بود. نظریه‌پردازان روسی با مطرح کردن سؤال‌هایی اساسی، اعتقاد دارند که چینی‌ها با ناعادلانه تلقی کردن این معاهده‌ها، آنها را معاهده‌هایی تحمیلی بر چین می‌دانند و در آینده درصدد تجدیدنظر خواهند آمد.

درباره مسائل منطقه‌ای و آسیای مرکزی نیز خوش‌بینان بر امکان همکاری و مزایای متقابل تأکید می‌کنند. در حالی که واقع‌گرایان با نشان دادن مسائل قومی، مذهبی و درگیری‌های مرزی، بر این باورند که چین با میل زیاد برای انرژی، نقش مهم‌تری را در منطقه بازی خواهد کرد. آنها موفقیت چین در ارتقای منافع اقتصادی و سیاسی با قزاقستان و قرقیزستان و تمرین نظامی با قزاقستان، تاجیکستان و قرقیزستان را نشانگر حاکمیت سیستم چینی بر معادلات آینده منطقه می‌دانند. در مقابل، خوش‌بینان اظهار می‌کنند که چین تنها قدرت بزرگی است که هیچ قدمی برای آسیب رساندن به منافع روسیه بعد از خروج اختیاری این کشور از منطقه برنداشته است. در نهایت، اروآتلانتیک‌گراها و واقع‌گرایان با بدبینی نسبت به سیاست‌های چین، به ویژه بعد از اوج‌گیری توسعه‌طلبی صلح‌آمیز این کشور، با برشمردن حوزه‌های مناقشه‌آمیز پکن - مسکو، نه تنها امکان ائتلاف دو همسایه قدرتمند را ضعیف می‌دانند، بلکه برخورد میان آنها را اجتناب‌ناپذیر دانسته و معتقدند که روسیه برای آینده رابطه خود با چین باید به چاره‌اندیشی بپردازد. در مقابل اندیشمندان خوش‌بین بر نقاط مورد اشتراک و حوزه‌های مشترک و سودآور تأکید کرده و معتقدند که دو کشور در آینده روابط نزدیک با هم داشته و به صورت شرکای استراتژیک در خواهند آمد.

منابع:

1. Pierre, Andrew and Dimitri Trenin (Eds), *Russia in the World Arms Trade: Strategy, Policy and Economy* (Washington, DC: Carnegie Endowment for International Peace, 1997).
2. Zhao Huashen, *Shanghai Cooperation Organization* (Moscow: Carnegie Moscow Center, 2003).
3. Zeiwei Yang, 'Role of Panchsheel in Building International Order', *World Affairs*, Vol. 8, No. 4, 2004.
4. Trenin, D., *Russia's China Problem* (Moscow: Moscow Carnegie Centre, 1999).

آسیای مرکزی و نشست سران ناتو در بخارست

مهناز گودرزی^۱

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (NATO) به منزله سازمانی فرامنطقه‌ای در ابعاد نظامی، سیاسی و امنیتی در سال ۱۹۴۹/۱۳۲۸ با هدف مقابله با خطرهای بالقوه اتحاد جماهیر شوروی، جلوگیری از گسترش کمونیسم و تعدیل قدرت نظامی - امنیتی اردوگاه شرق تشکیل شد. این سازمان پس از واقعه ۱۱ سپتامبر و لشکرکشی آمریکا به افغانستان و عراق، توانست با تعریف مجدد اصول، اهداف، استراتژی و حوزه جغرافیایی و تهدیدهای پیش رو، به حیات خود ادامه داده و حضور خود را در محیط امنیتی حاکم بر نظام بین‌الملل تقویت کند. هم‌اکنون این سازمان به بازوی نظامی - امنیتی غرب تبدیل شده و در اختیار اهداف کلان آنها، یعنی حضور در حوزه سنتی بلوک شرق قرار گرفته است. جهت‌گیری استراتژیک این اتحادیه به سوی شرق و منطقه خاورمیانه و زیر پوشش قرار دادن بخش بیشتری از اروپای شرقی و آسیای مرکزی و قفقاز از جمله اهداف این سازمان است.

اولین دلیل تمایل همکاری با آسیای مرکزی، خواست ناتو برای انجام فعالیت برای جلوگیری از بروز تهدیدهای امنیتی منطقه‌ای مثل قاچاق مواد مخدر، جرایم سازمان‌یافته و غیره بوده است. تلاش برای کنترل منابع و مسیرهای انتقال انرژی در منطقه نیز از جمله موضوع‌هایی است که طی سال‌های اخیر از اهمیت بیشتری نزد مقام‌ها و مسئولان ناتو برخوردار شده است. بحث‌های مربوط به انرژی با حساسیت بیشتری نسبت به گذشته در تمامی ابعاد سیاسی، امنیتی و اقتصادی آن پیگیری می‌شود.

از سوی دیگر، موقعیت استراتژیک کشورهای آسیای مرکزی در نزدیکی به مرزهای افغانستان، به دلیل عملیات «نیروی بین‌المللی کمک به امنیت» سبب توجه خاص ناتو به این کشورها شده است. در نشست سال ۱۳۸۳/۲۰۰۲ ناتو در استانبول، تأکید کشورهای عضو این سازمان بر لزوم تمرکز بیشتر بر مسائل منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بود. به همین دلیل در شهریور ۱۳۸۳/سپتامبر ۲۰۰۴، رابرت سیمونز به عنوان نماینده ویژه دبیرکل پیمان آتلانتیک شمالی در امور آسیای مرکزی و قفقاز معرفی شد. مهم‌ترین موضوع‌های مورد علاقه این پیمان در مذاکره با مقام‌های کشورهای مذکور، گفتگو در زمینه مبارزه با تروریسم، قاچاق مواد مخدر، حل و فصل بحران افغانستان و اصلاح ساختار دفاعی در این کشورها بود. در این زمان، ناتو با تأکید بر شعار «تهدید، رمز نمی‌شناسد»، بر لزوم افزایش همکاری‌های بین‌المللی و بین‌منطقه‌ای میان کشورهای مختلف برای تأمین امنیت کشوری و جهانی تأکید داشته است. این سازمان همچنین از کشورهای منطقه دعوت کرد تا در قالب «طرح مشارکت برای صلح» یا نیروهای آیساف، به همکاری با اعضای پیمان آتلانتیک شمالی برای برقراری ثبات و امنیت در افغانستان بپردازند. راهبرد کلی ناتو در قبال کشورهای

آسیای مرکزی به شدت به وضعیت روابط آن با روسیه بستگی دارد. چنین راهبردی نتایج دوگانه‌ای به همراه داشته است. نتیجه مثبت آن این است که هر تغییری در جهت بهبود، تأثیر مطلوبی بر روابط ناتو با کشورهای آسیای مرکزی می‌گذارد. نتیجه منفی آن این است که رابطه ناتو با کشورهای آسیای مرکزی به منافع خاص روسیه محدود می‌شود. از جمله عواملی که زمینه پذیرش سازمان‌های فرامنطقه‌ای چون ناتو را در آسیای مرکزی و قفقاز فراهم می‌کند، این موارد است:

- ناتوانی در تأمین امنیت ملی: اکثر کشورهای این منطقه دولت‌های ضعیفی دارند و از نظر پیشرفت استانداردهای توسعه، کشورهایی در حال رشد و توسعه هستند که از فروپاشی شوروی سر برآورده‌اند.

- ترس از سلطه مجدد روسیه: روسیه در منطقه، منافع حیاتی دارد. وجود اقلیت‌های روس در هر یک از این جمهوری‌ها و منابع سرشار انرژی، روسیه را وادار می‌کند که همواره نقش سستی خود را ایفا کند. با وجود آنکه کاهش سیطره روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز به شکل‌گیری موازنه مهم ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک منجر شده است، ولی همچنان روسیه به حضور قدرتمندانه در منطقه بسیار بیشتر از هر دولت خارجی دیگر ادامه می‌دهد.

- اختلاف‌های بالقوه در قفقاز: با فروپاشی اتحاد شوروی و استقلال ناگهانی دولت-ملت‌های جدید، مشکلات قومی و ملی گوناگون تشدید شد. بسیاری از مرزهای این کشورها ساختگی و مصنوعی است. از طرف دیگر وجود اقلیت‌های قومی و ملی مختلف نیز یکی از مشکلاتی است که به طور بالقوه می‌تواند به بی‌ثباتی در این منطقه کمک کند.

- آنها نمی‌توانند با تکیه بر منابع ملی خویش دفاع از تمامیت ارضی و حاکمیت کشور خود را در مقابله با تهدیدهای بالقوه داخلی، درون منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای تحقق بخشند. بنابراین مجبورند سیاست‌های امنیتی خویش را بر اساس ایجاد اتحاد با دولت‌ها یا سازمان‌های قدرتمند منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای توسعه دهند.

- جنبش‌های فعال سیاسی و مذهبی: برخی تحلیل‌گران، قدرت سیاسی ویژه‌ای را برای جنبش‌های اسلامی در آسیای مرکزی و قفقاز قائل هستند و بر این باورند که گسترش احیای دینی در سال‌های اخیر بیشتر شده است. هر چند که اسلام قرن‌ها است که در این منطقه حضور داشته اما در شرایط خاص سیاسی و اقتصادی و اجتماعی می‌تواند قدرت مانور بیشتری داشته باشد.

فعالیت‌های ناتو در چارچوب برنامه‌های مختلف از جمله برنامه مشارکت برای صلح در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز، تاکنون نتوانسته است پاسخگوی مسائل و نگرانی‌های امنیتی این کشورها باشد. تداوم اختلاف‌های عمیق سیاسی بین کشورهای منطقه و حل و فصل نشدن مناقشات نظیر قره‌باغ و آبخازیا نیز بیانگر ناتوانی سازمان‌های فرامنطقه‌ای در استقرار صلح و ثبات در منطقه است. تحرک نظامی آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز با عنوان مبارزه با تروریسم و بهره‌گیری از ناتو در این جهت، بیانگر طراحی جدید منشور امنیتی ناتو است. نشست چهار روزه سران کشورهای عضو ناتو در بخارست، مرکز رومانی در تاریخ ۱۶-۱۴ فروردین ۱۳۸۷/۴-۲ آوریل ۲۰۰۸ در حالی برگزار شد که این پیمان نظامی در اجرای اولین مأموریت خارجی خود در افغانستان با مشکل جدی مواجه شده است.

از این رو، در نشست بخارست مسئله افغانستان در محور گفتگوها قرار گرفت. در این نشست، روسیه همکاری خود را با ناتو در عملیات نیروهای ایساف در افغانستان اعلام کرد. روسیه موافقت کرد که در ترابری کمک‌های انسانی و تسلیحاتی نیروهای ایساف از خاک خود به افغانستان با آمریکا همکاری داشته باشد. روسیه شبکه راه آهن خود را برای حمل کالا از اروپا از طریق خاک خود به قزاقستان و از آنجا به

ازبکستان و سپس به افغانستان در اختیار نیروهای ایساف قرار خواهد داد. در این معامله، آلمان و فرانسه با مخالفت با پیوستن گرجستان و اوکراین به ناتو، با روسیه همکاری کرده و اندکی از نگرانی‌های روسیه کاستند.

دعوت مقام‌های عالی‌رتبه سه کشور آسیای مرکزی همجوار با افغانستان یعنی ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان به نشست بخارست حاکی از عزم جدی ناتو در رسیدگی به موضوع افغانستان است. در این نشست، قربان‌گلی بردی محمداف، رئیس‌جمهوری ترکمنستان، اسلام کریم‌اف، رئیس‌جمهوری ازبکستان و همراه خان ظریفی، وزیر خارجه تاجیکستان حضور داشتند. حضور رئیس‌جمهوری ترکمنستان در نشست ناتو حاکی از رویکرد جدید غرب در قبال دولت عشق‌آباد بعد از دوران صفرمراد نیازاف است.

رئیس‌جمهوری ازبکستان برای دومین بار بود که در نشست ناتو شرکت می‌کرد. حضور اسلام کریم‌اف به معنای پیروزی وی در نبرد سیاسی با غرب تلقی می‌شود. زیرا در پی حوادث اندیجان و قتل‌عام تظاهرکنندگان توسط دولت تاشکند و در پی آن سرکوب مخالفان، غرب با محکوم کردن سیاست‌های اسلام کریم‌اف، روابط خود را با ازبکستان محدود و حتی ورود تعدادی از مقام‌های دولت تاشکند به کشورهای اروپایی را ممنوع اعلام کرد. اما امروز منافع ژئوپلیتیک غرب ایجاب می‌کند که نقض حقوق بشر در ازبکستان را نادیده بگیرد. این نشان‌دهنده ماهیت سیاست‌های کاخ سفید و دیگر قدرت‌های غربی در استفاده از موضوع حقوق بشر و دموکراسی است. آمریکا در مرحله کنونی به همکاری ازبکستان برای سرکوب مخالفان دولت کابل نیاز دارد، زیرا تعداد قابل ملاحظه‌ای از نیروهای حرکت اسلامی ازبکستان در مرز میان افغانستان و پاکستان به سر می‌برند و اطلاعات تاشکند در این زمینه برای ناتو کارساز خواهد بود. چنین همکاری در اوایل امسال انجام شد و اطلاعات خدمات جاسوسی ازبکستان به بمباران مناطق طالبان و القاعده در افغانستان کمک کرد. اکنون ناتو در راستای گریز از شکست احتمالی در افغانستان و دچار شدن به سرنوشت شوروی، سعی دارد با جلب همکاری‌های تاشکند و عشق‌آباد، ناآرامی‌ها را در افغانستان مهار کند.

منابع:

- ۱- الهه کولایی و دیگران، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (دگرگونی در مأموریت‌ها و کارکردها)، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، پاییز ۱۳۸۶.
- ۲- باربارا جانوس، «کشورهای آسیای مرکزی در سیاست ناتو: چشم‌انداز همکاری‌های آینده»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۵، پاییز ۱۳۸۶.
- ۳- نوذر شفیع، زهرا محمودی، «رویکرد روسیه پوتین در قبال گسترش ناتو به شرق»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۵، پاییز ۱۳۸۶.
- ۴- «نتایج اجلاس بخارست چه بود؟»، بر گرفته از:

<http://www.iransharghi.com>

5. "New Role of the NATO in the Space of CIS", at: <http://www.nato.int>

6. Bruce, Pannier, "Turkmenistan: NATO Finds New Partner in Central Asia", at: <http://www.eurasianet.org>.

سیاست خارجی پوتین دستاوردها و ناکامی‌ها

رامین ندیمی^۱

در حالی که سیاست خارجی جسورانه روسیه بر درآمد ناشی از فروش منابع طبیعی به ویژه گاز این کشور تکیه دارد، بسیاری بر این عقیده هستند که یک امپراتوری جدید انرژی در حال ظهور است. روسیه امروز به وسیله نخبگان امنیتی و نظامی پس از شوروی اداره می‌شود که ارزش‌های میهن‌پرستانه افراطی دوران امپراتوری روسیه و اتحاد شوروی در آنها نهادینه شده است. نگاه این نخبگان به جهان خارج اغلب از پشت عینک قدرت اقتصادی و نظامی است. کرملین با وجود این قدرت جدید، قادر به مقابله با برخی از نقاط ضعف در مسائل جمعیتی، اقتصادی و سیاسی نیست. این کاستی‌ها ممکن است حس کنونی ثبات در روسیه را دچار تردید کنند؛ به ویژه پس از دوران انتخابات ۲۰۰۸/۱۳۸۷ و یا در صورت به وخامت گراییدن وضعیت اقتصادی.

تحلیل‌گران روسی، همزمان با انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر در روسیه، دستاوردها و ناکامی‌های سیاست خارجی این کشور در دوره ریاست ولادیمیر پوتین را چنین برشمردند: روسیه موقعیت خود را به عنوان یک قدرت جهانی باز یافت. اعتبار این کشور بر اثر تجدید حیات اقتصادی و رشد روز افزون آن افزایش یافت. تصویر روسیه در حال حاضر نسبت به آنچه در سال‌های دهه ۱۹۹۰/۱۳۷۰ در عرصه بین‌المللی وجود داشت، بسیار تغییر کرده است. دستیابی به این هدف بدون افزایش قابل ملاحظه‌ای در قدرت هسته‌ای یا دیگر توانایی‌های نظامی این کشور به دست آمد. اهمیت رو به افزایش روسیه به عنوان یک صادرکننده نفت و گاز، نقش مهمی را در اقتصاد جهانی در کنار دیگر کشورهای در حال رشد و جهش اقتصادی مانند چین- هند و برزیل ایفا کرد. امروزه مردم روسیه احساس می‌کنند که شهروند یک کشور پهناور، پر قدرت، در حال رشد و توسعه و مورد احترام هستند.

در دهه ۱۹۹۰/۱۳۷۰ دولت روسیه، زیر نفوذ دیدگاه‌های ایالات متحده قرار داشت. امروزه روس‌ها می‌دانند که این احتمال وجود دارد که مسکو با آمریکا یا کشورهای دیگر بر سر مسائل بین‌المللی یا داخلی به مخالفت برخیزد و بر موضع خود پافشاری کند، بدون آنکه پیامد منفی در پی داشته باشد. اعمال نفوذ غرب در افکار عمومی طی انتخابات در کشورهای همسایه روسیه، منجر به روی کار آمدن دولت‌های مخالف روسیه شد. اما بسیاری از ناظران که تصور می‌کردند این فرآیند سبب پدید آمدن انگیزه‌ای برای انحلال اتحادیه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع CIS و بروز یک بحران اقتصادی و سیاسی در روسیه خواهد شد، ناامید شدند. انقلاب شکست‌خورده لاله‌ای در قرقیزستان که با هرج و مرج همراه شد، طبقه

روشنفکر و برگزیده جامعه را به وحشت انداخت و باعث قدرت گرفتن روسیه در آسیای مرکزی شد. انقلاب‌های رنگین در گرجستان و اوکراین در نتیجه رویدادهای منفی پس از آنها رنگ باختند. سیاست خارجی روسیه از میان چنین بحران‌هایی پیروز بیرون آمد، زیرا نسبت به این وقایع به آرامی واکنش نشان داد و ثابت کرد که گاهی اوقات بهتر است هیچ کاری نکرد.

در همین حال، اتحادیه نظامی میان کشورهای CIS از اعضای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع CIS موسوم به سازمان پیمان امنیت مشترک CSTO پایه‌گذاری شد و سیاست دوران شوروی مبنی بر تأمین انرژی ارزان قیمت برای متحدان سیاسی به وسیله روسیه جدید تغییر یافت. روابطی نوین با قزاقستان و الگویی جدید از همکاری بین‌المللی با کشورهای آسیایی شکل گرفت. سیاست خارجی در فضای پس از اتحاد شوروی به طور فزاینده‌ای به دو قسمت غربی و آسیای مرکزی تقسیم شده است که به طور کامل متمایز از یکدیگرند و از این رو واقع‌گرایانه‌تر هستند. در سال‌های دهه ۱۳۷۰/۱۹۹۰، سیاست خارجی روسیه در دستیابی به اهداف جهانی خود ناکام ماند.

مقام‌های دولتی از تعیین اهداف اقتصادی و سیاسی کشور و تصویر آن در بخش‌های مختلف جهان ناتوان بود. اما وضعیت در دوران پوتین به سبب وجود کنترل دولتی و برقراری روابط تجاری خصوصی با اغلب کشورها و با اجرای سیاست دستیابی به منافع روسیه، تغییر کرد. به عقیده این تحلیل‌گران، سیاست خارجی روسیه ناکامی‌هایی نیز داشته است. روسیه از دستیابی به موقعیت تبدیل شدن به یک شریک مهم برای همسایگان خود مانند چین و هند باز ماند. اقتصاد روسیه برای ایفای نقش رهبری و تأثیرگذاری در کشورهایی که از این نقش استقبال می‌کردند، به اندازه کافی قوی نبود. دوره تشکیل اتحادیه‌ها میان کشورها برای اهداف سیاسی به پایان رسیده است. قابلیت‌های تجاری که قادر به رقابت در بازارهای جهانی پیردازند، جایگزین آن شده و نقش اساسی بازی می‌کنند.

اقتصاد روسیه تجربه و منابع دستیابی به این اهداف را ندارد. روسیه نخستین شریک هیچ یک از شرکای اقتصادی خود محسوب نمی‌شود. در بهترین شکل، روسیه در زمره ۱۰ شریک اصلی این کشورها به شمار می‌آید. این خود سبب تضعیف روابط روسیه و از جمله روابط سیاسی با چنین کشورهایی می‌شود. روسیه امروز قادر به تکرار هر آنچه اتحاد شوروی به هدف فتح افکار و احساس‌های عمومی در خارج از مرزها انجام می‌داد، نیست. محدوده جغرافیایی که در آن به زبان روسی صحبت می‌شود در حال کوچک‌تر شدن است. قدر و اعتبار فرهنگ و هنر روسی نیز در خارج از مرزهای این کشور رو به افول دارد. در این پس‌زمینه، سیاست خارجی روسیه با فاصله زیادی در پشت سر کشورهایی قرار دارد که فناوری‌های مختلفی برای اشاعه فرهنگ خود در خارج از مرزهایشان دارند.

در اوایل دهه ۱۳۶۰/۱۹۸۰ ایده‌های جدیدی در این زمینه به ظهور رسید، اما بر خلاف اتباع چینی و هندی که خارج از کشورشان زندگی می‌کنند، اتباع روسیه در خارج از مرزها سبب توسعه کشور خود از جمله در زمینه اقتصادی نشدند. روسیه نفوذ خود را در گرجستان و اوکراین از دست داد. مسکو ثابت کرد که از بسیج و بهره‌گیری از حسن نیت فراوان مردم در کشورهای همسایه از جمله در میان جمعیت بزرگ روس تبارهای محلی ناتوان است. علاوه بر این، مسکو دست به اقدام‌هایی زد که سبب وخیم شدن موقعیت هواداران خود در این کشورها شد.

طی سال‌های دهه ۱۳۷۰/۱۹۹۰ این همکاری‌های بین‌المللی بخش مهمی از سیاست خارجی روسیه را به خود اختصاص داد و از پویایی آن کاست؛ بخصوص در روابط با کشورهایی مانند چین که تجارت با آنها مشکل بود. این همکاری بین‌المللی به عنوان هسته مرکزی یک روش جدید تجارت خارجی محسوب

می‌شود که بیشتر بر اساس صادرات فناوری است تا خود مواد اولیه. حجم صادرات نظامی روسیه در اوایل سال‌های دهه نخست قرن بیست و یکم افزایش یافت، اما سایر فروشندگان جهانی تسلیحات نیز در این رقابت عقب‌نماندند.

در مجموع، سیاست خارجی روسیه هنوز در دست نخبگان امنیتی و نظامی بر جا مانده از دوران اتحاد شوروی اداره می‌شود که روسیه امروز را به عنوان میراث بی‌واسطه امپراتوری استبدادی تزاری و اتحاد جماهیر شوروی می‌نگرند. آنها نقش روسیه به عنوان حریف اصلی آمریکا در صحنه جهانی را ستایش می‌کنند. نبود بازبینی و نظارت‌های اساسی و نهادینه و نیز عوامل متعادل‌کننده در بخش اجرایی دولت سبب جلوگیری از بیان آشکار تفاوت‌ها در سیاست امنیتی و سیاست خارجی شده، این سبب می‌شود که افراد معتدل و میانه‌رو به سختی بتوانند علیه جنبه‌های خشن و ستیزه‌جویانه سیاست خارجی کشور خود به مخالفت برخیزند.

منابع :

1. RIA Novosti, "Putin's Foreign Policy: Achievements and Failures", March 1, 2008.
2. Ariel Cohen, **Domestic Factors Driving Russia's Foreign Policy**, The Heritage Foundation, November 19, 2007.

کردها در جمهوری آذربایجان

سید سجاد حسینی^۱

کردها یکی از مهم‌ترین و پرجمعیت‌ترین اقوام غرب آسیا هستند. این قوم در کشورهای ایران، ترکیه، عراق، سوریه و جمهوری‌های آذربایجان، نخجوان و ارمنستان و گرجستان و ترکمنستان پراکنده شده‌اند. حضور کردها در سرزمین‌های دو سوی ارس به گذشته‌های دور برمی‌گردد. کردها همواره به عنوان یک اقلیت قومی، در کنار اقوام مختلف این منطقه زندگی کرده‌اند. احمد خانی در کتاب «موزین» خود چنین می‌نویسد: «بنگر از اعراب تا گرجیان / کردها به برج‌هایی مانند شده‌اند / گرد ترکان و ایرانیان را فرا گرفته‌اند / کردها در هر چهار گوشه هستند».

ادبیات محلی کردی نیز سرشار از اشعار، ترانه‌ها و حکایت‌هایی در وصف اقوام مختلف منطقه قفقاز است. وجود چنین نمونه‌های فولکلوریک نشان از ارتباطها و هم‌زیستی‌های قوم کرد و اقوام مذکور است. تاریخ نیز از حضور فعال سیاسی کردها در آذربایجان و قفقاز سخن می‌گوید. برخی از حکومت‌های قرون اولیه اسلامی در منطقه، ریشه‌های کردی داشته‌اند. شدادیان گنجه و شدادیان آنی دو سلسله کردنژاد قفقاز جنوبی در قرون چهار و پنج هجری قمری از آن جمله‌اند. طوایف مختلف کرد، بعد از چندین سده زندگی در آذربایجان و قفقاز تحت تأثیر پرجمعیت‌ترین گروه مسلمان این منطقه یعنی ترکان آذری قرار گرفته‌اند. بسیاری حتی بارزترین ویژگی قومی خود را که همانا زبان کردی است نیز از دست داده‌اند و در یک کلام می‌توان گفت آذربایجانی شده‌اند. این روند، حالتی طبیعی از تأثیرپذیری یک اقلیت از یک اکثریت است. در این خصوص می‌توان به طوایفی چون پسیان‌ها، شقاقی‌ها، قره‌چورلوها، مغالو‌ها، دنبلی‌ها و... اشاره کرد. دایره‌المعارف آذربایجان شوروی نیز بر این حقیقت تأکید دارد که اکثر کردهایی که اغلب در بخش‌های کلبجر، لاپین، زنگیلان، قبادلی و بخش ایلچ جمهوری خودمختار نخجوان زندگی می‌کنند با آذربایجانی‌ها در هم جوشیده‌اند.

کردها روزگاری در خاک دو قدرت بزرگ جهان اسلام یعنی ایران و عثمانی به سر می‌بردند، اما با تجاوزهای روسیه به ایران و جدایی قفقاز، طی دو معاهده گلستان (۱۸۱۳) و ترکمانچای (۱۸۲۸) از خاک ایران جدا شدند و بخش کوچکی از قوم کرد در داخل مرزهای روسیه جای گرفتند. پس از آن روسیه به پایگاهی تبدیل شده بود که کردهای مخالف دولت‌های ایران و عثمانی بدان پناه می‌بردند. هرگاه دسته‌ای از کردهای مخالف از سوی دو دولت اسلامی ذکر شده تعقیب می‌شدند، با فرار به خاک روسیه از دسترس تعقیب‌کنندگان رها می‌شدند. برای مثال عده قابل توجهی از کردهای یزیدی کرمانجی در اواخر قرن نوزدهم زیر فشار جنبش پان‌اسلامی از خاک عثمانی گریخته و به روسیه پناه بردند. با تشکیل اتحاد جماهیر

شوروی، کردها نیز در چارچوب این حکومت کمونیستی قرار گرفتند. بیشتر کردهای شوروی در سه جمهوری قفقاز جنوبی به سر می‌بردند. تنها چند سال بعد از پیوستن کشورهای قفقاز به ترکیب شوروی، کردهای جمهوری آذربایجان در منطقه خودمختاری به نام «کردستان سور» (کردستان سرخ) زیر پرچم شوروی قرار گرفتند. کردستان سرخ از ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۹ دوام آورد. این منطقه خودمختار با ۵ هزار و ۲۰۰ کیلومتر مربع وسعت، ۲۵ روستا داشت و لاجین بزرگ‌ترین شهر آن محسوب می‌شد.

این منطقه باریکه‌ای در دل قره‌باغ کوهستانی بود که در مرز جمهوری آذربایجان و ارمنستان قرار داشت. بیشتر کردهای جمهوری آذربایجان در همین منطقه ساکن بودند، اما جمعیت‌های پراکنده‌ای از کردها در زرداب (واقع در مرکز جمهوری) و اطراف سدرک و تیواز (واقع در جمهوری خودمختار نخجوان) و دیگر شهرهای آذری سکونت داشتند. قرار گرفتن در ترکیب شوروی در کنار همه سختی‌های خود، مزیت‌هایی نیز برای کردهای مسلمان و کرمانجی جمهوری آذربایجان داشت و آن اینکه، کردها نیز مانند دیگر اقوام اتحاد جماهیر شوروی از لحاظ حیات شهری و آموزش و پرورش ارتقاء یافتند. با این وجود تبعیدها و تصفیه‌های دوران کمونیستی گریبانگیر کردهای جمهوری آذربایجان نیز شد و بسیاری از ایشان به کراسنودار روسیه، منطقه‌ای مابین دریای سیاه و آزوف، تبعید شدند. ۲۰ هزار نفر از آنان بعد از سال‌ها تحمل تبعید در سال ۱۹۸۹/۱۳۶۸، به زادگاه خود بازگشتند. گروهی از کردهای جمهوری آذربایجان نیز با تصفیه‌های استالینی به طرف آسیای مرکزی (جمهوری‌های قزاقستان، قرقیزستان و ترکمنستان) تبعید شدند.

کردهای جمهوری آذربایجان پیش از فروپاشی شوروی از امکانات آموزش به زبان مادری نیز برخوردار بودند. ۹۸ دانش آموز کرد در دو «مدرسه ابتدایی کرد» به زبان مادری خود آموزش می‌دیدند. کتاب‌های درسی و غیردرسی کردی نیز در آذربایجان به چاپ می‌رسید که از آن جمله می‌توان به کتاب «الفبا» و کتاب «باوری» اشاره کرد. این مدارس تنها تا زمان صلح در منطقه قره‌باغ فعال بودند. اقلیت کرد جمهوری آذربایجان که بیشتر کشاورز، دامدار و باغدار بودند، تجربه تلخی در طی جنگ قره‌باغ چشیدند. این جنگ بزرگ‌ترین بلا برای ساکنان کردستان سرخ محسوب می‌شد. نیروهای ارمنی شهرهای منطقه چون لاجین (۱۹۹۲م)، کلبجر (۱۹۹۳م) و زنگلان (۱۹۹۳م) را بدون هیچ مقاومتی تسخیر کردند. بسیاری از کردهای بومی که از آنجا رانده شده بودند، به عنوان آوارگان جنگی در چادرها و سکونتگاه‌های موقت اسکان داده شدند. لاجین مرکز کردستان سرخ به عنوان پیونددهنده قره‌باغ کوهستانی به خاک جمهوری آذربایجان در تصرف جمهوری ارمنستان قرار گرفت.

در حال حاضر بیشترین نواحی کردنشین قفقاز جنوبی در خاک ارمنستان واقع شده است. هر چند چنین وضعیتی با توجه به افزایش خودآگاهی و استقلال‌طلبی کردها برای دولت کوچک و کم‌جمعیتی چون ارمنستان خطرناک است، اما گویا این دولت با تکیه بر دشمن مشترک خود و برخی گروه‌های کرد مخالف دولت ترکیه، می‌خواهد از این خطر به عنوان یک فرصت بهره‌برداری کند. در یک جبهه‌گیری جدید، کردها و ارمنه رو در روی دولت ترکیه و جمهوری آذربایجان قرار می‌گیرند. مقامات باکو مدعی هستند که از سال‌ها پیش دولت ارمنستان در صدد جذب کردهای مخالف دولت ترکیه در مناطق اشغالی جمهوری آذربایجان بر آمده است، اما ایروان این مسئله را تکذیب می‌کند و آن را بهانه‌ای برای برهم زدن گفتگوهای صلح قلمداد می‌کند.

آراز عظیم‌اف معاون وزیر امور خارجه آذربایجان در این خصوص معتقد است: «اسکان ۸ هزار نفر در منطقه اشغالی آذربایجان توسط گروه حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد شناسایی شده است. البته اسکان این

تعداد جمعیت برای تأمین نیازهای عمومی نیست، بلکه بخشی از سیاست دولت است. ارمنستان در برابر اسکان نیروهای پکک در این اراضی، ادعا می‌کند که لاجین منطقه‌ای کردنشین بوده و افراد اسکان داده شده در آن کرد هستند». این نوع جدید از درگیری‌های آذری - ارمنی همچنین می‌تواند منطقه را آماده حضور ارتش ترکیه در قره‌باغ کوهستانی کند. حضور نیروهای ترکیه در قفقاز شرقی در راستای کمک به مسلمانان این دیار و ضربه وارد کردن بر ارمنه در گذشته نیز سابقه داشته است. اما شرایط کنونی جهان و مشکلات ترکیه در راه پیوستن به اتحادیه اروپا و چالش‌هایی که این کشور در خصوص نفی موضوع نسل‌کشی ارمنه دارد، اجازه چنین واکنشی را بدان نمی‌دهد. سخنان سیران بارزانی، نماینده حزب کارگر کردستان در این باره ضمن اثبات ادعاهای مقامات باکو، نمود دیگری از این مسئله را روشن می‌کند: «اگر ارتش ترکیه وارد اراضی شمال عراق شود، کردها در جمهوری آذربایجان دست به عملیات نظامی خواهند زد».

نباید فراموش کرد گروه‌های استقلال‌طلب کرد و طرفداران آرمان کردستان واحد، در آرمانی‌ترین حالت، نقشه‌های خود را تا قره‌باغ و بخش‌هایی از قفقاز جنوبی ترسیم می‌کنند و این مناطق جزئی از کردستان شمالی پنداشته می‌شود. به هر حال کردها نیز بخشی از مسئله پیچیده و بغرنج قره‌باغ کوهستانی هستند. شرایط کنونی کردها در کشورهای همسایه، چون عراق و ترکیه بر سرنوشت کردهای جمهوری آذربایجان و به دنبال آن، سرانجام مناقشه قره‌باغ کوهستانی اثر خواهد گذاشت.

منابع:

- ۱- پیتز آوری و دیگران، تاریخ ایران دوره افشار، زند و قاجار، ترجمه: مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی، ۱۳۸۷.
- ۲- حبیب برجیان، «ترکیب قومی قفقاز»، فصلنامه آرمان، سال ۴، شماره ۹، بهار ۱۳۸۵.
- ۳- رحیم رئیس‌نیا، تاریخ عمومی منطقه شروان، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰.
- ۴- علاءالدین سجادی، تاریخ جنبش‌های آزادیبخش ملت کرد، ترجمه: احمد محمدی، تهران: احمد محمدی، ۱۳۷۶.
- ۵- احمد کسروی، شهریاران گمنام، تهران: جامی، ۱۳۷۷.
- ۶- مارتین گیلبرت، اطلس تاریخی روسیه و شوروی، ترجمه: فریدون فاطمی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۳.
- ۷- دیوید مک داول، تاریخ معاصر کرد، ترجمه: ابراهیم یونسی، تهران: پاینده، ۱۳۸۰.

8. <http://www.azerb.com/az-kurd.html>

9. <http://www.geocities.com/Athens/9479/kur-sov.html>

10. http://www.armeniapedia.org/index.php?title=Red_Kurdistan

11. <http://www.minorities.aznet.org>

12. <http://www.bizimyo1.az/index.php?mod=news&act=view&nid=6904-20k18-12-2007>

13. http://www.contact.com.az/index.php?type=news&lang=az&news_id=4571

اسلام در داغستان

سید مهدی حسینی تقی آباد^۱

داغستان یک جمهوری خودمختار کوهستانی است که بیش از ۳۰ گروه قومی در آن سکونت دارند. مردم داغستان متعلق به سه گروه عمده زبانی - نژادی^۲ هستند: شاخه ناخی - داغستانی^۳ از خانواده زبان‌های ایبریایی - قفقازی^۴، گروه ترک از خانواده زبان‌های آلتایی^۵ و گروه زبانی - نژادی هند و اروپایی. بزرگ‌ترین گروه‌های قومی نیز عبارتند از آوارها (۲۷/۷ درصد جمعیت کل جمهوری)^۶، دارگین‌ها (۱۵/۵ درصد) و لژگی‌ها (۱۱/۵ درصد). داغستان که از دیرباز در میان مناطق شمال قفقاز، به سرزمینی مذهبی شهرت داشته است، پیش از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷/مهر ۱۲۹۶، بیش از ۱۷۰۰ مسجد معمولی و ۳۵۶ مسجد جامع داشت. علاوه بر این‌ها، در این دوران بیش از ۲۵۰۰ مقام روحانی در ۷۶۶ مدرسه در حال فعالیت بودند. در دوران رژیم شوروی بیش‌تر مساجد و مدارس تعطیل و ویران شدند و بسیاری از علمای مسلمان مورد تعقیب و آزار قرار گرفتند. در این دوران آموزش زبان عربی و انجام فعالیت‌های مذهبی ممنوع شد. اما در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ حیات مذهبی جان دوباره‌ای یافت. در سال ۱۹۸۷/۱۳۶۶ در محدوده داغستان ۲۷ مسجد فعال وجود داشت.

به نظر می‌رسد برای توصیف آنچه که در دهه ۱۹۹۰ در داغستان رخ داد، اصطلاحی مناسب‌تر از رنسانس اسلامی را نمی‌توان به کار برد. در این دوره در سراسر داغستان جماعت‌های اسلامی احیا شده و مساجد بازگشایی و تأسیس شدند. همچنین مدارس، مؤسسه‌ها و دانشگاه‌های اسلامی گشایش یافتند. بر پایه آمار رسمی ارائه شده توسط کمیسیون امور مذهبی جمهوری داغستان^۷ در شهریور ۱۳۸۲/سپتامبر ۲۰۰۳، در این جمهوری ۱۰۹۱ مسجد جامع، ۵۵۸ مسجد معمولی، ۱۶ دانشگاه و کالج اسلامی به همراه ۵۲ شعبه و زیرمجموعه آنها و ۱۴۱ مدرسه و ۵۲۴ دبستان وابسته به مساجد وجود داشته است.

اسلام بومی در داغستان به شدت با تصوف عجین بود، به طوری که اسلام صوفیانه در این منطقه، با وجود محدودیت‌های اعمال‌شده در دوران شوروی و نبردهای نافرجام امامان صوفی علیه روس‌ها در قرن نوزدهم (منصور اشورما، شیخ شامل و ...)، تاکنون به حیات خود ادامه داده است. در داغستان این نوع اسلام در قالب

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ، گرایش آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه تهران.

2. Ethno - Linguistic

3. Nakho - Dagestania

4. Iberian-Caucasian Family

5. Altay Language Family

۶- در دوران شوروی آوارها به‌عنوان بزرگ‌ترین گروه نژادی داغستان معرفی شدند، برتری عددی در کنار حمایت مسکو به سلطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آوارها در داغستان منتهی شد.

7. Committee of Religious Affairs of the Republic of Dagestan

چهار فرقه صوفیانه نقشبندیه، شاذلیه، جاذولیه^۱ (انشعابی از شاذلیه) و قدیریه وجود دارد. در دوران شوروی فعالیت طریقه‌های صوفی ممنوع بود و شیوخ صوفی از سوی حکومت مورد آزار قرار می‌گرفتند و در نتیجه یا از فعالیت دست‌شسته و یا به فعالیت‌های زیرزمینی روی آورده بودند. در این دوران تداوم زنجیره صوفیان، موضوع جان‌شینی و واگذاری اجازه تبلیغ که از آن به عنوان اذن نام برده می‌شود و از شیخ به شاگردان برجسته انتقال می‌یابد نیز به طور پنهانی و محرمانه صورت می‌گرفت. در نتیجه در بسیاری از موارد، این امر مهم در حضور تعداد کمی شاهد و یا بدون حضور شهود به انجام می‌رسید. پیامد این رویه ظهور تعداد پرشماری از شیوخ در دهه ۱۹۹۰ بود که هر یک، دیگری را به نداشتن اذن (اجازه) و تقلب در استفاده از عنوان شیخ متهم می‌کردند و در بیش‌تر موارد، شیوخی که ادعا می‌شد اذن از سوی آنها صادر شده نیز در قید حیات نبودند تا با مراجعه به آنها حقیقت آشکار شود و این موضوع به پیچیدگی امور می‌افزود.

بانفوذترین شیخ داغستان در این دوران یک آوار به نام سید افندی^۲ از چیرکی^۳ است. او به وعظ و آموزش مطابق سه فرقه نقشبندیه، شاذلیه و جاذولیه می‌پرداخت. وی پیش از آنکه به جایگاه شیخی برسد یک چوپان ساده بود. امروزه مریدان او کنترل و هدایت اداره امور روحانی مسلمانان داغستانی^۴، رادیو، تلویزیون، بنگاه‌های خبرپراکنی و مطبوعات مسلمانان^۵ را در دست دارند. هر چند که در میان طیف هواداران سید افندی، جمعیت‌هایی متعلق به گروه‌های قومی مختلف داغستانی وجود دارند، اما اکثریت آنها را آوارها تشکیل می‌دهند. مفتی داغستان، احمد حاجی عبدا...اف^۶، خود نیز از مریدان سید افندی است. نکته قابل توجه این است که ذکر جلی و خفی یکی از تفاوت‌های اساسی فرقه‌های صوفی در منطقه است که درباره آن بحث‌های زیادی صورت گرفته است. سراج‌الدین شبکه‌ای از مدارس را در سراسر منطقه طبرسران شکل داد و در نتیجه فعالیت‌ها و جایگاه مذهبی‌ای که داشت، در حقیقت رهبری روحانی منطقه را در دست گرفت. او دانشگاه اسلامی جنوب داغستان را نیز در شهر دربند تأسیس کرده است.

سازماندهی مسلمانان و تشکیلات اسلامی در داغستان

اسلام صوفی سنتی داغستان ویژگی‌های بارزی دارد. نخستین ویژگی آن تمایل به سوی ارزش‌های خردگرایانه است. در مورد مفهوم جهاد نیز بیشتر به مبارزه مریدان با هواهای نفسانی و تهذیب نفس تأکید دارد. از نظر سیاسی، مریدان سید افندی بیش‌ترین اهمیت و نفوذ را دارند. آنها نه تنها کنترل اداره امور روحانی مسلمانان داغستانی را که دارای اهمیت سیاسی بالایی است، در دست دارند، بلکه ارتباط بسیار نزدیکی نیز با ساختار حکومتی داغستان دارند. از نظر مذهبی نیز ارتباط نزدیک بین مریدان و شیوخ، ریشه در وفاداری مردم داغستان به سنت‌ها و مناسک مذهبی خویش دارد. اگرچه اکنون نیز درصد هواداران فعال صوفی‌گری در داغستان پایین است، اما همین درصد اندک نیز برای ایجاد مشخصه‌هایی خاص کفایت می‌کند.

میخائیل روشچین به عنوان فردی که به مدت ده سال به پژوهش‌های میدانی در منطقه مشغول بوده است مدعی است: «به احتمال زیاد با صرف‌نظر از جمهوری چین، داغستان مذهبی‌ترین جمهوری سراسر روسیه است». در اوایل دهه ۱۹۹۰ کوشش‌هایی با هدف تأسیس تشکیلات اسلامی به طور جداگانه از سوی هر یک از گروه‌های قومی داغستان آغاز شد. برای این هدف، کومیک‌ها، دارگین‌ها و لک‌ها نیز برای

1. Jazuliah

2. Said Efendi

3. Chirkey

4. Spiritual Administration of Dagestani Muslims

5. Muslim Radio

6. Ahmad Hajji Abdullayev

ایجاد تشکیلات ویژه خود، گام‌هایی برداشتند اما تداوم این فرآیند در بهمن ۱۳۷۲/فوریه ۱۹۹۴ از طرف هیئت عالی حاکمه داغستان^۱ با مانع روبه‌رو شد. این هیئت اعلام کرد که در این جمهوری، همانند دوره شوروی تنها باید یک تشکیلات اسلامی رسمی وجود داشته باشد. از آن پس، اداره امور روحانی مسلمانان داغستانی SADM تلاش کرد که کنترل فعالیت‌های مساجد رسمی (اکثریت سنی در کنار اقلیت شیعه) را به دست گیرد. البته این نهاد از هیچ‌گونه کوششی برای تقویت جایگاه رسمی و نیمه‌رسمی خود در ساختار قدرت داغستان فروگذار نکرد و در نتیجه تلاش‌ها و لابی‌های این تشکیلات، سرانجام در سال ۱۳۷۸/۱۹۹۹ و در پی هجوم وهابی‌ها به داغستان و اتخاذ راهبرد حمایت از اسلام سنتی در برابر رشد وهابگرایی، قانون تقویت جایگاه این نهاد به تصویب رسید.

وهابی‌ها در داغستان

سلفی‌گری در اواخر دهه ۱۹۸۰ در داغستان ظاهر شد. در میان سلفی‌های داغستان دو گرایش غالب قابل شناسایی بود؛ یکی گرایش افراطی و دیگری گرایش میانه‌رو. در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ شاخه تندرو، ساختاری رسمی به خود گرفت که امروزه به نام جماعت مسلمان^۲ شناخته می‌شود. رهبر معنوی و مهم‌ترین نماینده این تفکر که در شمال قفقاز به وهابی‌گری شناخته می‌شود یک خوارشین^۳ به نام بقاءالدین محمد بود^۴ که عنوان امیر جماعت مسلمان را برای خود برگزید. میخائیل روشچین نقل می‌کند: «بقاءالدین در دیداری که در تابستان ۱۳۷۶/۱۹۹۷ با وی داشتم برنامه‌ها و دیدگاه‌های خود را چنین عنوان کرد: ما دنبال به دست گرفتن قدرت نیستیم، ما می‌خواهیم که تمام قدرت‌ها در اختیار خداوند باشد. برای ما مرزهای جغرافیایی معنایی ندارند. ما در هر جا که بتوانیم در راستای اراده خدا کوشش کنیم، به فعالیت می‌پردازیم. ما خواستار ممنوعیت کامل محرّمات هستیم...». در آذر ۱۳۷۶/دسامبر ۱۹۹۷ فعالیت‌های وهابی‌ها را در قلمرو داغستان ممنوع شد. بسیاری از رهبران وهابی دستگیر شدند، تشکیلات آنها ویران شد و نشریه‌های آنها بسته شد. رسانه‌های طرفدار دولت هجوم تبلیغاتی گسترده‌ای علیه وهابیون آغاز کردند و بسیاری از آنها به چچن رفتند.

واقعیت این است که شکست قومیت‌گرایان در ایجاد مخالفان مؤثر و با دوام در برابر فساد و حکومت ناکارآمد در این دوران، اعتراض‌های اسلامی-مردمی را تقویت کرد، که البته این حرکت‌ها به شکل شایان توجهی به سمت بنیادگرایی اسلامی و به ویژه وهابیت سوق یافت. محبوبیت وهابیت رشد روزافزون یافت، به طوری که در سال ۱۳۷۸/۱۹۹۹ حدود ۷ تا ۹ درصد از مردم داغستان طرفدار وهابیت بودند. در این دوران تعداد زیادی از جوانان از اقصی نقاط داغستان در جستجوی آنچه که از سوی سلفی‌ها، اسلام خالص نامیده می‌شد به این منطقه روانه شدند. در این دوران که مردم این منطقه، بقاءالدین را به عنوان رهبر معنوی خود پذیرفته بودند، جنگجوی عربستانی تبار وهابی به نام خطاب^۵ رهبری نظامی آنها را بر

1. Dagestan Supreme Soviet

2. Muslim Jama'at

3. Khvarshin

۴- خوارشین‌ها، یک اقلیت قومی کوچک در شمال داغستان هستند که در زیر مجموعه قومیت آوار - آندو - تزار قرار می‌گیرند. گروهی از این مردم در دوره استالین به چچن کوچانیده شدند. برای نمونه بقاءالدین در سال ۱۹۴۵ در دنو (Vedeno)، روستای اجدادی شامیل باسایف (Bassayev Shamil) چشم به جهان گشود.

۵- خطاب در ۱۹۶۹ میلادی در الرار در شمال عربستان به دنیا آمد. نام واقعی وی سمیر السویلیم بود. در ۱۸ سالگی برای مبارزه علیه اشغالگران شوروی به افغانستان رفت. بعدها به داغستان آمد و در کاراماخ با یک دختر بومی ازدواج کرد. از آغاز ۱۹۹۵ وی در چچن حضور یافت که در آنجا به یکی از مهم‌ترین چهره‌های جنگجوی بدل شد. در سال ۱۹۹۸ بریگاد بین‌المللی حافظان صلح اسلامی (IIPB) را تشکیل داد. در حمله وهابی‌ها به داغستان در ۱۹۹۹ میلادی، خطاب در کنار باسایف، فرماندهی این جنگ را بر عهده داشت. او در جنگ‌های اول و دوم چچن حضور داشت. خطاب در انفجار سرویس امنیتی فدرال فدراسیون روسیه در ۱۹۹۹ به عنوان طراح بمب‌گذاری شناخته شد. خطاب در شب ۱۹ یا ۲۰ مارس ۲۰۰۲، به وسیله یک نامه سمی که توسط یک جاسوس روس در پوشش یک پیک داغستانی به دست وی داده شد، به قتل رسید.

عاهده گرفت. در این دوران وهابی‌های چچنی و داغستانی به دولت‌های چچن و داغستان درباره ایجاد یک حکومت اسلامی در برگرفته چچن، اینگوش، داغستان، راراجائو و چرکسیا^۱ و کاباردینو بالکاریا^۲ هشدار دادند. آنها همچنین علیه رهبران حکومت‌های چچن و داغستان اعلام جهاد کردند. در مرداد و شهریور ۱۳۷۸/ اوت و سپتامبر ۱۹۹۹، غرب داغستان توسط شورشیان چچنی، داغستانی و اسلام‌گرایان خارجی از اعضای نیروهای آزادسازی^۳ اسلامی به دستور باسایف و خطاب مورد تهاجم قرار گرفت. دولت داغستان برای مهار شورشیان اسلام‌گرا، نگهداری و حمل اسلحه توسط مردم عادی را قانونی اعلام کرده و خواستار دخالت نظامی نیروهای فدرال روسی حاضر در داغستان و شمال قفقاز شد.

در مجموع، غیر داغستانی و به ویژه غیر آوار بودن رهبران اصلی وهابیت که چچنی بودند و نیز موضع‌گیری خصمانه وهابی‌ها در برابر تصوف ریشه‌دار منطقه، مانع از جلب درصد بالای مردم داغستان به وهابیت شد. در نتیجه هجوم وهابی‌ها، پارلمان داغستان در شهریور ۱۳۷۸/ سپتامبر ۱۹۹۹ یک قانون جدید و سخت‌تر برای تحدید و ریشه‌کن کردن وهابیت در داغستان تصویب کرد. اما تداوم یافتن ناپسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی از یک‌سو و همکاری نمایندگان اسلام سنتی با رژیم‌هایی که از سوی مردم مورد انتقاد جدی قرار دارد، می‌تواند سبب افزایش جذابیت سلفی‌گری شود.

منابع:

1. Mikhail Roshchin, **Sufism and Fundamentalism in Dagestan and Chechenya**, Cahiers d'etudes Sur la Mediterranee Orientale et la Monde Turco – Iranien, n 38, juillet – Decembre 2004, pp. 1-12.
2. Hilary Pinkington & Galina Yemelianova (eds), **Islam in Post Soviet Russia: Public & Private Faces**, London: Routledge Curzon, 2003. pp. 307.
3. Anna Zelkina, **In Quest for God and Freedom, Sufi Response to the Russian Advance in the North Caucasus**. London: C. Hurst & Co, 2000. pp. 265.
4. Mikhail Roshchin, **Sufism and Fundamentalism in Dagestan and Chechenya**. pp. 5-7.
5. Hilary Pinkington & Galina Yemelianova, *Islam in Post Soviet Russia*, pp. 111-112.

1. Rarachaev-Cherressiie
 2. Kabardino-Balkariia
 3. Islamic Liberation Forces

اصلاحات نظامی در دوره پوتین

علیرضا نوری^۱

پیامدهای منفی فروپاشی شوروی علاوه بر سایر حوزه‌ها، حوزه نظامی روسیه را نیز به شدت تحت تأثیر قرار داد. پس از فروپاشی حدود ۸۵ درصد از امکانات نظامی شوروی به روسیه تعلق گرفت،^۲ حال آنکه ۶۰ درصد اقتصاد آن به روسیه رسید که پشتوانه کمی برای حمایت از آن ۸۵ درصد بود. فرسودگی تجهیزات، نبود آموزش و تمرین نیروها، کاهش سطح تخصص افسران، شیوع مصرف الکل و مواد مخدر بین نظامیان، افت روحی آنها و از همه مهم‌تر مشکلات اقتصادی ارتش و کارمندان آن^۳ از جمله موارد ضعف این بخش در دوره پس از شوروی بود. نخبگان کرملین با وجود سختی‌های دوره پس از شوروی، از یک سو به واسطه فرهنگ سیاسی تهدیدمحور خود و از سوی دیگر به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیکی کشورشان که درگیری در موضوع‌های «سخت» برای آن ضرورتی است که قابل چشم‌پوشی نیست، تقویت توانمندی‌های نظامی را از اصلی‌ترین مؤلفه‌ها برای احیای جایگاه روسیه در عرصه بین‌المللی می‌دانند. آنها که در سراسر سال‌های پس از فروپاشی، نظاره‌گر منفعل توسعه‌طلبی‌های غرب در حوزه نفوذ سنتی کشور خود بوده‌اند، ضمن توجه به نقاط ضعف روسیه، تنها راه موجود برای هم‌آوردی و ایجاد موازنه نسبی با آن در کوتاه‌مدت و بلندمدت را تقویت بنیه نظامی این کشور می‌دانند. از این رو تلاش‌های روسیه برای تقویت توان نظامی خود به ویژه در دوره پوتین از یک سو بخشی از راهبرد کلان این کشور برای ارتقای جایگاه و بازیابی نقش مؤثر خود در عرصه بین‌المللی و از سوی دیگر واکنش طبیعی آن به رویکرد ژئوپلیتیکی تهاجمی غرب فرض می‌شود.

از سرگیری پرواز بمب‌افکن‌های دورپرواز هسته‌ای «ت‌یو-۹۵» و «ت‌یو-۱۶۰» پس از ۱۶ سال وقفه، انجام مانورهای منظم نظامی با چین و سایر کشورهای عضو پیمان شانگهای، افزایش مستمر بودجه نظامی، اعلام برنامه‌های بلندمدت نوسازی نظامی، تأکید ویژه بر توسعه فن‌آوری‌های پیشرفته نظامی،^۴ پی‌گیری

۱- کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای

۲- ۶۳۵ موشک بالستیک میان قاره‌ای (ای‌سی‌بی‌ام‌ها). ۲۲۸۰۰ تانک جنگی پیشرفته، ۳۰ هزار ادوات توپخانه، ۱۴ زیردریایی راهبردی، ۳۷ زیردریایی تاکتیکی، ۶۰۰ بمب‌افکن، ۹۰۰ جت جنگی، ۷۸۰۰ کلاهک هسته‌ای جنگی عملیاتی (شامل ۴۴۰۰ کلاهک جنگی راهبردی و ۳۴۰۰ کلاهک هسته‌ای تاکتیکی)، و شمار دیگری تسلیحات پیشرفته از جمله مهم‌ترین این تسلیحات عبارت بودند. برای اطلاع بیشتر ر ک به:

Zoltan Barany, "Resurgent Russia? A Still-Faltering Military", February/March 2008, from: <http://www.gees.org/documentos/Documen-02895.pdf>.

۳- به گفته والتی مانیلف، معاون اول رئیس کمیته دفاع و امنیت شورای فدراسیون روسیه، ۵۶ درصد افسران در سال ۱۳۸۱ و اوائل ۱۳۸۲ با وجود افزایش حقوق همچنان زیرخط فقر زندگی می‌کرده‌اند. در همین سال حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد بودجه وزارت دفاع برای حفظ و نگهداری تجهیزات موجود صرف می‌شد و بودجه‌ای به امر تحقیقات و توسعه نظامی اختصاص نمی‌یافت. برای اطلاع بیشتر ر ک به:

Jakob Hedenskog, Vilhelm Konnander, Bertil Nygren, Ingmar Oldberg and Christer Pursiainen, "Russia as a Great Power: Dimensions of Security Under Putin", Routledge Series on Russian and East European Studies (BASEES), 2005, p. 14

۴- برخی کارشناسان به ویژه آمریکایی‌ها با ابراز تردید در توانمندی‌های اعلامی روسیه در حوزه نظامی، اغراق در آمار و گزارش‌ها را مؤلفه‌ای از فرهنگ سیاسی دوره شوروی می‌دانند که در دوره پس از شوروی نیز به تکرار به کارگرفته شده است.

برنامه‌های گسترده فروش تسلیحات، اعلام احتمال از سرگیری فعالیت پایگاه نظامی دریایی تارتوس^۱ در سوریه و رژه جت‌های جنگی و هشت هزار سرباز در میدان سرخ مسکو برای اولین بار پس از فروپاشی شوروی در اردیبهشت ۲۰۰۸/۱۳۸۷ از جمله نشانه‌ها و تلاش‌های ملموس دولت پوتین برای نمایش تقویت توانمندی‌های نظامی روسیه بود که هر دو هدف ذکر شده را به طور همزمان در نظر داشت. از این رو طی این دوره بر انجام اصلاحات نظامی به عنوان اولویتی مهم تأکید شد و برای عملیاتی کردن آن برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت متعددی مورد توجه قرار گرفت.

نوسازی و اصلاحات نظامی

هر چند در دوره یلتسین به ویژه به دلیل مشکلات اقتصادی، برنامه‌های نوسازی نظامی به تأخیر افتاد، اما در دوره پوتین به یاری ریزش دور از انتظار دلارهای نفتی به اقتصاد روسیه، متأثر از ملاحظات گفته شده و با وجود اینکه دورنمای مسابقه تسلیحاتی با غرب و یا جنگ نظامی با یک طرف خارجی کاملاً بعید بود، نوسازی ارتش و تقویت توانمندی‌های نظامی به عنوان یک مهم در دستورکار قرار گرفت و اراده نیرومندی برای تبدیل این کشور به یک قدرت نظامی انسجام یافت. البته مسکو تلاش کرد با در نظر داشتن اصل عدم تقابل بی حاصل، بدون برانگیختن حساسیت‌های غرب به این کار اقدام کند. بر همین اساس بودجه نظامی این کشور طی دوره پوتین با روندی منظم هر ساله افزایش یافت. این بودجه در سال ۲۰۰۵/۱۳۸۴ با ۲۸ درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۰۴/۱۳۸۳ به ۱۸ میلیارد دلار، در سال ۲۰۰۶/۱۳۸۵ با ۲۰ درصد افزایش به ۲۰ میلیارد دلار (کمتر از بودجه نظامی عربستان) و در سال ۲۰۰۷/۱۳۸۶ با حدود ۳۰ درصد افزایش به ۲۸ میلیارد دلار (کمتر از ۵ درصد بودجه نظامی آمریکا) رسید.

پوتین در سخنرانی خود در شورای فدراسیون در اردیبهشت ۱۳۸۲/مارس ۲۰۰۳ ضمن تأکید دوباره بر انجام اصلاحات نظامی، موضوع اصلی این اصلاحات را بازسازی اساسی و نوسازی تجهیزات، تقویت پرسنل نیروهای مسلح، افزایش کارآمدی نهادها و ساختارهای نظامی و ایجاد یک ارتش حرفه‌ای، قدرتمند و مجهز برای حمایت از توسعه موفق آتی روسیه مطرح و بر تمرکز فعالیت‌ها در این خصوص حول سه محور تأکید کرد: ۱- هدفمند کردن تخصیص نیرو و بودجه در ارتش با هدف افزایش کارآمدی آنها؛ ۲- نوسازی تجهیزات نظامی (متعارف و هسته‌ای به ویژه در زمینه موشکی)؛ ۳- تمرکز سیاست‌گذاری‌های نظامی در وزارت دفاع؛ اصلاحات پوتین در حوزه نظامی و ارتش تا حدود زیادی برخلاف نظر نظامیان بود. او به دنبال ارتشی کوچک‌تر، تخصصی‌تر، مجهزتر و کارآمدتر بود تا بتواند علیه تروریسم، جدائی‌طلبی و دیگر تهدیدهای نامتقارن مقابله کند، اما ژنرال‌های ارتش بر بازیابی قدرت و جایگاه ارتش روسیه به وضعیت دوره شوروی تأکید داشتند. این اصلاحات از اسفند ۱۳۸۰/مارس ۲۰۰۱ با تصمیم او مبنی بر کاهش ۲۵ درصدی حجم نیروهای ارتش، افزایش بودجه و بازبینی سامانه‌های تسلیحاتی، شکل تازه‌ای به خود گرفت. طی این دوره در مقاطع مختلف طرح‌های متنوعی برای نوسازی نظامی در دستورکار قرار گرفت که از آن جمله می‌توان به اعلام برنامه هشت ساله توسعه نظامی تا سال ۲۰۲۰/۱۳۹۹ در دی ۱۳۸۰/ژانویه ۲۰۰۲ و طرح توسعه فن‌آوری‌های پیشرفته نظامی تا سال ۲۰۱۵/۱۳۹۴ در بهمن ۱۳۸۰/فوریه ۲۰۰۲ اشاره کرد.

دولت پوتین در بهمن ۱۳۸۵/فوریه ۲۰۰۷ از برنامه ۱۸۹ میلیارد دلاری نوسازی توانمندی‌های نظامی خبر داد که طی آن تا سال ۲۰۱۵/۱۳۹۴ سلاح‌های جدید جایگزین بیش از نیمی از سلاح‌های قدیمی خواهند شد و توسعه موشک‌های بالستیک جدید بین‌قاره‌ای از جمله موشک‌های بولاوا و سینوا (با برد

۵۰۰۰ مایل و توان حمل تا ۱۰ کلاک هسته‌ای)، موشک‌های «س‌س ۴۰۰»، سامانه‌های جدید ناوبری هوایی و زیردریایی، سامانه‌های جدید هشدار سریع راداری، نسل پنجم هواپیماهای جنگی، بمب‌افکن‌های فوق‌صوت راهبردی «ت‌یو ۱۶۰»، سه ناو جنگی و هواپیماهای باری جدید مورد توجه ویژه قرار خواهد گرفت. تفکر عمده در پس این برنامه‌های جاه‌طلبانه آن بود که روسیه باید ضمن آمادگی برای یک جنگ واقعی همزمان در سطوح جهانی، منطقه‌ای و مرزی، از این طریق به احیای جایگاه سیاسی از دست رفته خود در عرصه بین‌المللی اقدام کند. آکس پراودا نیز با اشاره به این اظهار پوتین که «ضعف مورد تحسین هیچکس نیست»، تقویت فعالیت‌های روسیه در حوزه نظامی را تلاشی برای تثبیت موقعیت بین‌المللی آن می‌داند.

جمع‌بندی

واقعیت غیرقابل تردید آن است که اقتصاد کوچک و متکی به صادرات انرژی روسیه، کفایت پشتیبانی از برنامه‌های جاه‌طلبانه نظامی این کشور را نمی‌کند و با وجود برخی تلاش‌ها در دوره پوتین برای نوسازی نظامی، احیای توان نظامی آن به سطح شوروی و رسیدن به توان به چالش کشیدن آمریکا از این لحاظ در آینده نزدیک و حتی دور امکان‌پذیر نیست. به نظر می‌رسد استراتژیست‌های «سخت‌اندیش» روسیه باید در کنش و واکنش‌ها حول موضوع نوسازی نظامی نسبت به دوری از اشتباه راهبردی شوروی در دوره جنگ سرد، در ورود به مسابقه تسلیحاتی «به هر بهایی» با درایت عمل کنند. استفاده روسیه از توان سیاسی سلبی خود برای ایجاد بازدارندگی، همچنان که در مقاطعی در قالب تلاش این کشور برای منصرف کردن کشورهای اروپای شرقی از همکاری با آمریکا در طرح سپر موشکی با سازوکارهای تشویق و تهدید و ارائه پیشنهاد استفاده مشترک از تجهیزات راداری قبله در جمهوری آذربایجان و سامانه‌های هشدار سریع در مسکو و ورونژ به واشنگتن نیز تجربه شده، روش بهتری برای امنیت‌سازی به نظر می‌رسد.

منابع:

1. Alexei Arbatov, "What Kind of Army Does Russia Need? The Contours of the Russian Military Reform", *Russia in Global Affairs*, January–March 2003 at: <http://eng.globalisation.ru>
2. Andrew E. Kramer, *Recalling Cold War, Russia Resumes Long-Range Sorties*, August 18, 2007, New York Times, p. A.3.
3. "Russia's Defense Spending Declines Faster than for other Nations", *Interfax-avn*, March 10, 2006.
4. "Russian President's Address to the Federal Assembly", May 16, 2003 <http://president.kremlin.ru/text/docs/2003/05/44716.shtm>
5. Shevtsova, Lilia, *Putin's Russia*, Washington DC: Carnegie Endowment for International Peace, 2003, p. 26
6. Hedenskog. op. cit, p. 11
7. Xiao Zan, "Russia's War Games". *Beijing Review*, February 2004, Vol. 47, No. 7, p. 44
8. Owen Matthews, "Hollow Tipped Threat; Russia Plays at Being a Great Power", *Newsweek*, March 12, 2007
9. Gethin Chamberlain, and others, "Vladimir Putin rearms his Cold War military", *Sunday Telegraph*, August 20, 2007 at: <http://www.telegraph.co.uk/news/main.jhtml?xml=/news/2007/08/20/wputin119.xml>

چشم‌انداز سیاست خارجی مدودف

مریم همت‌خواه^۱

دیمیتری مدودف ۴۳ ساله، استاد رشته حقوق و رئیس کمپانی گاز پروم توانست در انتخابات ریاست جمهوری اسفند ۱۳۸۶/مارس ۲۰۰۷ با کسب بیش از ۷۰ درصد آراء از حزب روسیه واحد به پیروزی برسد. روی کار آمدن مدودف (البته با حمایت جدی ولادیمیر پوتین) بازتاب‌های وسیعی در داخل و خارج از روسیه داشت. طی دو سال گذشته هر گاه صحبت از وارثان احتمالی پوتین به میان می‌آمد از ایوانف، زوبکوف و به ویژه فرادکوف نخست وزیر روسیه در سال ۲۰۰۷ (بخصوص بعد از استعفای وی) به عنوان یکی از جانشینان احتمالی یاد می‌شد. این در حالی بود که کمتر کسی به ریاست جمهوری مدودف فکر می‌کرد. در حوزه خارجی نیز نتیجه انتخابات دوم مارس بازتاب‌های مختلفی در میان تحلیل‌گران غربی داشته است. برخی از آنها مدودف را از بین گزینه‌های موجود از جمله نسبت به رقیب اصلی وی، سرگئی ایوانف که دیدگاه‌های امنیتی دارد و انتقادهای زیادی به سیاست‌های غرب به ویژه آمریکا داشته بهترین گزینه موجود می‌دانند. گروهی دیگر از کارشناسان نیز معتقدند که با پیروزی مدودف، تغییرهای اساسی در سیاست خارجی روسیه مورد انتظار نیست.

هرچند اظهارنظرهای صریحی از مدودف درباره مسائل سیاست خارجی و چگونگی دیدگاه‌های وی در این حوزه در دست نیست، اما اطلاعات موجود و گرایش‌های اقتصادی او حاکی از مخالفت وی با رویکردهای تقابلی جویانه در حوزه خارجی و تأکید او بر ضرورت توجه و اولویت قدرت «نرم» به ویژه اقتصادی است. در بین گفتمان‌های جاری سیاست خارجی روسیه (اروآتلانتیک‌گراها، اورآسیاگراها ملی‌گراها و...) دیدگاه مدودف به اروپا نزدیک‌تر است و تمایل بیشتری برای برقراری روابط نزدیک‌تر با اروپا دارد تا آمریکا. به نظر می‌رسد مدودف تا حد زیادی خطوط اصلی سیاست خارجی پوتین را به ویژه در موضوع‌های راهبردی از جمله سیاست ابرقدرت انرژی، خلع سلاح، روابط راهبردی با آمریکا و موضوعات امنیتی به دو دلیل طبق روال گذشته دنبال خواهد کرد.

دلیل اول احتمال زیاد نفوذپذیری مدودف از پوتین در فرآیند تصمیم‌سازی‌های خارجی است. این موضوع با توجه به حضور مستقیم پوتین در روند سیاست‌گذاری‌ها (به عنوان نخست وزیر) و سابقه اعتماد دوستی و تعامل مثبت پوتین و مدودف به طور جدی قابل توجه است. دلیل دوم اینکه مدودف و نزدیکان او در گروه آزادی‌خواهان به پیچیدگی‌های حوزه سیاست خارجی به ویژه موضوعات «سخت» (امنیتی و راهبردی) تسلط و تخصص ندارند. این موضوع او را مجبور می‌کند به دلیل ماهیت و ویژگی‌های خاص سیاست خارجی روسیه که درگیری در موضوع‌های سخت را برای این کشور الزامی می‌کند، از تخصص پوتین و همراهانش کمک بگیرد.

سیاست خارجی روسیه: نگاه به شرق، حرکت به غرب

نخستین سفر رسمی دیمیتری مدودف در خرداد ۱۳۸۷/مه ۲۰۰۸ به قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان و سپس چین پیش از سفر به اروپا، گویای آن است که رئیس‌جمهور جدید روسیه کار خود را با ظرافت و هوشمندی آغاز کرده است. زیرا مدودف برخلاف پوتین که در نخستین سفر خود در مقام رئیس‌جمهور راهی غرب شد، ضمن قرار دادن اولین سفر خود در قالب سفر منطقه‌ای دست به اقدامی پیشگیرانه در برابر تحرک‌های غرب و گسترش ناتو در منطقه حیاط خلوت روسیه زده است. انتخاب چین به عنوان همسایه شرقی نیز می‌تواند پیام مهمی برای غرب در برداشته باشد. بخصوص که غرب همواره از گسترش روابط میان سایر قطب‌ها هراس داشته و تلاش‌های زیادی برای ممانعت از نزدیکی و همکاری‌های بیشتر میان کشورهای نظیر ایران، روسیه، چین و هند به عمل آورده است. در این میان، نقطه مشترک در روابط روسیه و چین را می‌توان در مسایل امنیتی و حضور روزافزون ایالات متحده در آسیای مرکزی جستجو کرد. در واقع در پیش گرفتن سیاست یک‌جانبه‌گرایی از سوی دولتمردان کاخ سفید و در نظر نگرفتن منافع دیگر کشورها در منطقه، روابط روسیه و چین را نیز تحت‌الشعاع خود قرار داده است. از این رو، روسیه و چین ضمن مخالفت با سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا، خواهان چندقطبی شدن جهان و در پیش گرفتن سیاست‌های چندجانبه‌گرایانه هستند.

صدور بیانیه مشترک رؤسای جمهور دو کشور مبنی بر محکوم کردن «طرح سپردن موشکی آمریکا» واکنش برخی کشورها را برانگیخت. به طوری که آمریکا و انگلیس به ابراز نارضایتی از گسترش این روابط پرداخته و برخی نیز از روابط روسیه و غرب با عنوان «صلح سرد» یاد کردند. حتی مجلس لردهای انگلیس با انتشار گزارشی سیاست داخلی روسیه را غیرقابل تحمل و سیاست خارجی آن را متجاوزانه و تحریک‌انگیز خواند.

از سوی دیگر، انتخاب برلین به عنوان نخستین ایستگاه سفر غربی رئیس‌جمهور روسیه نشانه اهمیت است که مسکو برای روابط خود با برلین قائل است. بخصوص که آلمان به دلیل روابط تاریخی و دیرینه‌ای که با روسیه دارد و همچنین روابط تجاری گسترده‌ای که میان طرفین برقرار است، به عنوان پل ارتباطی میان روسیه و اتحادیه اروپا شناخته می‌شود. بنابراین می‌توان این سفر را نقطه آغاز بهبود روابط میان روسیه و آلمان و سایر کشورهای غربی محسوب کرد. علاوه بر موضوع‌های مورد علاقه دو جانبه نظیر محیط‌زیست، ایجاد لوله نفتی دریای شرق، صدور انرژی و غیره امکان تأمین منافع متقابل در حفظ روابط استراتژیک دو کشور بسیار حائز اهمیت است؛ به طوری که مسکو بر حمایت آلمان از خود برای عقد قرارداد همکاری با اتحادیه اروپا امیدوار بوده است. همچنین روسیه می‌تواند از پشتیبانی آلمان از خود در ناتو و مخالفت برلین با پیوستن اوکراین و گرجستان به این پیمان نظامی برخوردار شود.

مدودف با حضور در اجلاس سران «گروه ۸» که همزمان با نخستین سفر دوره‌ای وی بود، اقتدار و موقعیت جهانی روسیه را به کشورهای صنعتی خاطر نشان کرد. این اقدام می‌تواند پاسخی به مواضع برخی مقام‌های آمریکایی باشد که بر اخراج روسیه از «گروه ۸» تأکید کرده بودند. سفر مدودف را می‌توان گامی برای حفظ اقرار گذشته و نیز ارتقای جایگاه مسکو در بخش انرژی دانست. این موضوع می‌تواند موفقیتی جدید را برای روسیه در عرصه انرژی جهان به ویژه در نشست «گروه ۸» به همراه داشته باشد.

علاوه بر بررسی نحوه حرکت مدودف در اولین سفر رسمی وی به عنوان رئیس‌جمهور منتخب، نکته مهم در سیاست خارجی روسیه، تأمین منابع انرژی جهان و تبدیل شدن به قطب اقتصادی است. چنانکه مدودف بارها تأکید کرده است که سیاست خارجی روسیه بر اصل تبدیل شدن به منبع انتقال و تأمین انرژی

جهان و نیز جایگزین شدن " روبل " به جای دلار در معادلات جهانی استوار است. در این زمینه مدودف با سفر به کشورهایی که منابع نفت و گاز دارند، گامی مهم برای اجرای این امور برداشته است. چنانکه حجم واردات گاز از ترکمنستان به روسیه افزایش یافته است.

نتیجه

با توجه به حرکت‌های اخیر مقام‌های بلندپایه روسی و سفر پوتین به فرانسه و آنچه که در تحلیل سفر مدودف گذشت، می‌توان به ماهیت سیاست خارجی این کشور و راهبردهای احتمالی روسیه در آینده پی برد. مسکو در تلاش است از یک سو ضمن نگاه به شرق، از آن به عنوان یک کارت برنده در چالش‌های خود با غرب استفاده کند و در موارد خاص از قدرت‌های غربی امتیاز بگیرد. از سوی دیگر با حرکت به سمت غرب سعی دارد خود را بیش از پیش به کشورهای نظیر آلمان و فرانسه نزدیک کند. در پیش گرفتن سیاست‌های نزدیک به روسیه طی سال‌های گذشته درباره مسائل جهانی و قدرت و نفوذ قابل توجه آنها در اتحادیه اروپا باعث نزدیکی هرچه بیشتر مسکو به این کشورها شده است. اما آنچه که مهم‌تر از همه به نظر می‌رسد توجه به منافع ملی به عنوان شرط اصلی سیاست خارجی روسیه است که از گذشته تا حال وجود داشته و ادامه خواهد یافت.

منابع:

1. www.iras.ir, 1386/11/21
2. www.russia profile.org, new style, same trends 2008july 15
3. www.bashgah.net, /pages21318. html
4. www.siasatrooz. ir, 1387/4/17
5. www.iras.ir/default_view.asp

گرجستان و اوکراین در رؤیای پیوستن به ناتو

مهری خیری^۱

نشست رهبران ناتو در ۱۶ فروردین ۱۳۸۶/۴ آوریل ۲۰۰۷ در بخارست، پایتخت رومانی انجام شد. در این نشست دعوت از کشورهای آلبانی، مقدونیه، گرجستان، اوکراین و کرواسی و همچنین طرح استقرار دفاع موشکی ایالات متحده آمریکا در خاک اروپای شرقی مورد بحث قرار گرفت. هرچند عضویت دو کشور اوکراین و گرجستان در این پیمان پذیرفته نشد، این امر رهبران گرجی را چندان متأثر نکرد، چرا که میخائیل ساکاشویلی این نشست را یک پیروزی خواند و گفت: «با نفوذ آمریکا در آینده نزدیک این دو کشور از اعضای این پیمان خواهند شد». وی همچنین به سیاست کنونی گرجستان در تمایل به غرب اشاره کرد و گفت: «از اقدام‌های تاریخی ما رویکرد کشور به غرب است، این انتخاب نه تنها انتخاب ما، بلکه انتخاب اجداد ماست. تمدن اروپا و گرجستان آنقدر به هم نزدیک است که به سختی می‌توان تشخیص داد اروپا ریشه فرهنگی ماست یا بر عکس گرجستان ریشه فرهنگی اروپا». پذیرفته نشدن این دو کشور در ناتو، نه تنها یک طرح استراتژیک، بلکه یک طرح تاکتیکی است که می‌توان آن را یک نشانه مثبت برای روسیه قلمداد کرد. اما از سویی دیگر، موضوع سامانه دفاع موشکی آمریکا در خاک اروپای شرقی و موضوع به رسمیت شناختن کوزوو از مواردی است که برای روسیه خوشایند نیست.

در حال حاضر، روسیه به آیین نظامی فعلی گرجستان و گسترش روزافزون تسلیحات نظامی آن، به عنوان یک تهدید برای امنیت ملی خود می‌نگرد. از سوی دیگر، رهبران سیاسی و نظامی گرجستان نیز به پیوستن به ناتو امیدوار هستند. در سال‌های اخیر برنامه تغییر در تجهیزات نظامی گرجستان طبق استانداردهای ناتو مانند نوع لباس آغاز شده و با تغییر سیستم رهبری نظامی ادامه یافته است. طبق اطلاعات دریافت شده از رسانه‌های اروپایی از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶/۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷، گرجستان برای پیوستن به ناتو بودجه نظامی خود را سه هزار درصد افزایش داده است. همچنین برای اثبات این موضوع سربازان خود را به عراق، کوزوو و افغانستان فرستاد. اما سرکوب تظاهرات مخالفان در تفلیس در سال ۱۳۸۶/۲۰۰۷ که برای مخالفت با انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری برپا شده بود، انتقاد رهبران ناتو برای سرپیچی گرجستان از قواعد پیمان آتلانتیک شمالی را در پی داشت. به تعلق درآوردن عضویت این کشور در نشست بخارست را می‌توان از این قضیه متأثر دانست.

گرجستان در سال ۱۳۸۳/۲۰۰۴ مشارکت با ناتو را آغاز کرد اما در سال ۱۳۸۵/۲۰۰۶ «گفتگوی سازنده»

با پیمان ناتو شروع شد. در خرداد ۱۳۸۶/ژوئن ۲۰۰۷ تفلیس درباره نیاز به ناتو، به طور رسمی تحلیلی از استراتژی دفاعی خود منتشر کرد که در آن دیدگاه‌های این کشور درباره چشم‌انداز تهدیدهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت منعکس شده بود. در این سند گفته شده که در سال ۲۰۱۵/۱۳۹۴ گرجستان قصد دارد یکی از اعضای ناتو شود. همچنین حل اختلاف‌ها با آبخازیا و اوستیای جنوبی و همچنین کاهش تنش‌های منطقه‌ای از دیگر برنامه‌های اعلام شده است. در سال ۲۰۰۷/۱۳۸۶ طبق گزارش هفته‌نامه «جینس دیفنس»، هزینه سالانه نظامی گرجستان به بالاترین حد خود، یعنی ۱/۵ میلیارد لاری (۹۴۰ میلیون دلار) یعنی تقریباً ۷ درصد کل تولید داخلی این کشور رسیده است و در سال ۲۰۰۸/۱۳۸۷ بودجه نظامی این کشور اندکی بیش از یک میلیارد لاری است (بیش از ۷۰۰ میلیون دلار) بوده است. دولت گرجستان قصد دارد کل درآمد اضافی دولت را صرف نیازهای نظامی و آماده‌سازی کشور برای پیوستن به ناتو کند. در مرداد ۱۳۷۶/اوت ۲۰۰۷ نیروهای مسلح گرجستان که به سبک ناتو سازماندهی شده بودند، جای ستاد کل ارتش سابق را گرفت.

یکی از مهم‌ترین جهت‌گیری‌های ساختار نظامی گرجستان، سوق دادن ۳۰ هزار نفر از نیروهای مسلح به آموزش حرفه‌ای است. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۰۹/۱۳۸۸ تعداد افراد داوطلب کاهش یابد و در سال ۲۰۱۵/۱۳۹۴ به نصف برسد. زیربنای نظامی ارتش گرجستان نیز طبق استانداردهای ناتو از نو بنیان نهاده خواهند شد. پایگاه‌های نظامی جدیدی در «سناکی» و «خن» در غرب کشور ساخته شده‌اند و در «ساجخری» مرکز آموزش نظامی مهمی تشکیل شده است. همچنین پایگاه‌های قدیمی شوروی در «وازیان» مدرنیزه شده‌اند. (در سال ۲۰۰۹/۱۳۸۸ تعداد مجتمع‌های نظامی گرجستان به بیش از ۳۲ هزار نفر افزایش خواهد یافت که در سال ۲۰۰۵/۱۳۸۴ توسط کارشناسان آمریکایی معرفی شده‌اند). گرجستان از سال ۲۰۰۸/۱۳۸۷ روند کاهش نیروهای خود در عراق را آغاز کرده است.

فرماندهی نظامی گرجستان قصد دارد نیروی زمینی خود را با سلاح‌های پیشرفته غربی مجهز کند و تحت آموزش فرماندهان آمریکایی، بریتانیایی و اسرائیلی قرار دهد. نیروی زمینی گرجستان مطابق استانداردهای ناتو بیش از ۱۶۵ تانک «تی-۷۲» وارد کرده که بیش از ۴۰ میلیون دلار هزینه داشته است. همچنین چندی پیش قراردادی را با یکی از کمپانی‌های آمریکایی برای دریافت ۱۵ بالگرد یوآچ-۶۰ «بلک‌هاوک» برای حمل و انتقال ارتش از سال ۲۰۱۵/۱۳۹۴، امضا کرده است. برای همگرایی بیشتر با ناتو پیش‌بینی می‌شود در ترکیب نیروی زمینی این کشور یک گردان با عملکرد سریع برای شرکت در عملیات‌های ناتو در افغانستان یا دیگر مناطق جهان تشکیل شود. همه این رخدادهای نشان از آن دارد که گرجستان سرنوشت آتی خود را جدا از چارچوب ناتو نمی‌داند. البته این روند باعث تیرگی روابط سیاسی و نظامی با روسیه خواهد شد. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، در ماهیت و کارکرد ناتو، متناسب با دگرگون شدن نظام بین‌الملل تغییرهایی رخ داد که پس از سال ۲۰۰۱/۱۳۸۰ شدت یافت. خلأ قدرت روسیه در جمهوری‌های سابق اتحاد شوروی سبب شد تا مسئله گسترش ناتو در این مناطق نیز مورد توجه قرار گیرد. پس از سرکوب پارلمان روسیه توسط نیروهای نظامی در حمایت از رئیس‌جمهوری، طرح ایده گسترش ناتو به سوی شرق و تقاضای تأمین امنیت کشورهای چک، لهستان و مجارستان که هر یک زمانی حضور ارتش سرخ را تجربه کرده بودند، اهمیت بیشتری یافت. دگرگونی در نگرش حاکم بر سیاست خارجی روسیه نیز موجب شد در جهت‌گیری‌های این کشور نسبت به گسترش ناتو تغییرهای مشهودی ایجاد شود. در روسیه، مقام‌های رسمی

مواضع متفاوتی از پیوستن به ناتو تا تقابل جدی با آن را دنبال کرده‌اند. هر چند بیشتر آنها با حضور ناتو در قلمرو سابق اتحاد شوروی و جمهوری‌های مستقل مشترک‌المنافع CIS مخالفت شدید خود را ابراز کرده‌اند. سیاست حضور مستمر آمریکا در آسیای مرکزی با مخالفت روزافزون روسیه مواجه بوده است. روسیه با تداوم فعالیت در پایگاه کانت در قرقیزستان، حضور دائمی لشکر ۲۰۱ در تاجیکستان و قرارداد خرید گاز ترکمنستان به مدت ۲۵ سال و تقویت نقش نهادهای عظیم دولتی مانند گازپروم در منطقه، نفوذ خود را افزایش داده است.

گسترش ناتو به شرق، بخصوص کشورهای مستقل مشترک‌المنافع CIS و حوزه بالکان سبب شده تا مسکو غرب و واشنگتن را تهدید کند که در صورت پذیرش عضویت کی‌یف و تفلیس در ناتو در اجلاس بخارست، به طور جدی در روابط خود با کشورهای اروپایی تجدید نظر کند. از سوی دیگر ایالات متحده با زیر فشار گذاشتن کشورهای عضو، مانع لغو طرح عضویت گرجستان و اوکراین در ناتو شد. همچنین طرح استقرار سپر دفاع موشکی در خاک لهستان و چک نیز به مؤلفه دیگری برای تشدید مناقشات میان مسکو و واشنگتن در نشست بخارست تبدیل شده است. در حالی که آمریکا و کشورهای شرق اروپا از عضویت کی‌یف و تفلیس حمایت می‌کردند، برخی از کشورهای مهم عضو این سازمان از جمله آلمان و فرانسه مخالف آن بودند. این امر بیانگر این است که این کشورها نمی‌خواهند روابط خود با مسکو را به چالش بکشند و در صدد هستند رابطه مستحکم‌تری را با مسکو برقرار کنند. ژاپ دو هوپ شیفر، دبیر کل ناتو در نشست بخارست اعلام کرد: «کی‌یف و تفلیس برای کسب نامزدی برای عضویت در پیمان حاضر نیستند». اما وی اظهار امیدواری کرد که این دو کشور در آینده نزدیک به عضویت ناتو در خواهند آمد و ناتو به اوکراین، در راه هر گونه اصلاحات برای پیوستن به پیمان کمک خواهد کرد.

منابع:

۱- الهه کولایی و ماندانا تیشه‌یار، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، دگرگونی در مأموریت‌ها و کارکردها، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.

2. <http://www.peacekeeper.ru/ru/index.php?=5983>
3. <http://www.rg.ru/printable/2008/04/09/ostanovka.html>
4. <http://lenta.ru/news/2008/06/26/georgia>

بحران در قفقاز

حامد کاظم زاده^۱

اوستیا، سرزمینی شامل دو بخش است که بخشی از آن با نام «جمهوری خودمختار اوستیای شمالی-آلانیا» تابع فدراسیون روسیه و بخش دیگر آن با نام «جمهوری خودمختار اوستیای جنوبی» در مرزهای سیاسی و جغرافیایی جمهوری گرجستان است. مردم اوستیا خود را «ایرن» و سرزمین خویش را «ایرستون» می‌نامند. سرزمین اوستیا پیش از تأسیس حکومت شوروی جزو امپراتوری روسیه بود. واقع بودن این سرزمین، در دو سوی رشته کوه‌های قفقاز سبب شد که از دیدگاه تقسیم‌بندی‌های کشوری در حاکمیت شوروی، به دو شاخه تقسیم شود. جمهوری خودمختار اوستیای شمالی در سال ۱۹۲۴/۱۳۰۳ استان خودمختار و در سال ۱۹۳۶/۱۳۱۵ جمهوری خودمختار شد. جمعیت اوستیای شمالی تقریباً هم اکنون در حدود ۸۰۰ هزار نفر است. در این جمهوری روس‌ها، اینگوش‌ها، ارمنی‌ها، گرجی‌ها، اوکراینی‌ها، یونانی‌ها، ایرانی‌ها و قوموق‌ها نیز سکونت دارند. جمعیت اوستیای جنوبی در سال ۱۹۷۸/۱۳۵۷، ۱۰۳ هزار نفر بوده است. ۶۶/۵ درصد جمعیت این استان اوستیایی، ۲۸/۳ درصد گرجی و ۱/۶ درصد روس هستند. در آخرین سرشماری، ۷۰ هزار نفر جمعیت ثابت برای این منطقه ثبت شده است.

از نظر تاریخی در دوران پیش از تاریخ و اوایل دوران تاریخی، قفقاز شمالی و بخصوص نواحی مرکزی آن، همواره زیر نفوذ قبایل هند و اروپایی، از جمله سکاهای بوده است. آثار باستان‌شناسی و اشتراک‌های فراوان این فرهنگ و تمدن در این ناحیه با فلات ایران و آسیای مرکزی تا حدودی این موضوع را اثبات می‌کند. بعد از سکاهای یک دسته از این قبایل به نام سمرت‌ها توانستند نواحی وسیعی از قفقاز شمالی یعنی دریای آزوف تا دریای مازندران را زیر سلطه خویش دریاورند. سمرت‌ها از نظر اسطوره‌ای پسران سلم در شاهنامه فردوسی هستند که برادر ایرانیان و تورانیان بوده‌اند. ادامه راه قبایل سکاهای در قفقاز شمالی در قرون جدیدتر، به دست آلان‌ها، یکی دیگر از این دسته قبایل سکایی، می‌افتد و حدود هزار سال در این منطقه دوام می‌آورد. از نظر تاریخی و باستان‌شناسی سکاهای سمرت‌ها و آلان‌ها از یکدیگر جدا نبوده و هر سه ادامه‌دهنده فرهنگ هند و اروپایی و ایرانی در شمال قفقاز بوده‌اند و تنها از نظر نام متفاوت شده‌اند.

مهاجرت و زندگی کوچ‌نشینی، بسیاری از قبایل را وادار به تغییر مکان می‌کرد، ولی در سرزمین قفقاز مرکزی همیشه گروهی ایرانی‌زبان در جای خود باقی می‌ماندند. امروزه بسیاری از تاریخ‌دانان و نژادشناسان تأیید می‌کنند که نژاد اوستیایی در هزاره اول میلادی در قفقاز به وسیله ادغام جمعیت بومی به وجود آمده

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ، گرایش آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه تهران

است و این بومیان زبان ایرانی را به آنها داده و از این طریق فرهنگ خود را گسترش داده‌اند. در سده پنجم میلادی و اوایل سده ششم میلادی آلان‌ها متحد ایران، بر ضد امپراتوری روم شرقی (بیزانس) بودند. اتحاد آلان‌ها با اقوام ایرانی دیگر، با هجوم لشکریان تاتار و مغول فرو ریخت. پس از هجوم مغولان رفته رفته نام آلان‌ها از منابع تاریخی محو شد و آلان‌هایی که در محل کنونی اوستیای شمالی و جنوبی و سرزمین‌های همجوار آن سکنی داشتند، به مرور نام اوست به خود گرفتند. در سده ۱۶ میلادی کاباردها بر اوست‌ها مسلط شدند و در سال ۱۷۷۴/۱۱۵۳ اوستیای شمالی به تصرف روسیه درآمد و بخشی از مردم اوستیا به اجبار تابعیت روسیه را گرفتند. گروهی نیز از اوست‌ها در بین حمله مغول‌ها و تیمور تا سلطه روس‌ها، از شمال به دشت‌های جنوبی مهاجرت کردند که سرزمین آنها در سال ۱۸۰۱/۱۱۸۰ به عنوان اوستیای جنوبی شناخته شد. در سال ۱۸۶۰/۱۲۳۹ قلعه «ولادی قفقاز» که ۷۶ سال قبل از آن بنا شده بود، به صورت شهر درآمد و از سال ۱۸۶۳/۱۲۴۲ مرکز اوستیای شمالی شد. ولادی قفقاز به زبان روسی یعنی صاحب قفقاز و شاید علت این نام گذاری، به موقعیت استراتژیک این شهر در مرکز قفقاز برمی‌گردد.

زبان مردم اوستیا متعلق به گروه زبان‌های ایرانی شمال خاوری و نمایانگر بسط زبان آلانی، یکی از زبان‌های سکایی-سرمتی است. زبان اوستیایی با لهجه ایرنی را یک ایرانی در حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد متوجه می‌شود. این زبان هم اکنون بیشتر در روستاها استفاده می‌شود و در مدارس به طور اختیاری آموزش داده می‌شود. استفاده از آن در مراسم ملی و جشن و سرورها اجباری است و استفاده از زبان روسی، بی‌حرمتی به جمع تلقی می‌شود. بیشتر مردم اوستیا، مسیحی ارتدوکس و حدود ۳۰ درصد مسلمان هستند. از نظر سیاسی، اوستیای شمالی تنها جمهوری قفقاز شمالی است که در قانون اساسی آن دین رسمی، مسیحیت ارتدوکس است. با این حال دین در میان اوست‌ها به عنوان یک موضوع اصلی مطرح نیست و تنها آیین «یزیچنیک» که باوری از آداب و رسوم باستانی سکاه و آلان‌ها می‌باشد، مطرح است و مردم بیش از سایر ادیان شریعتی به این نوع طریقت اعتقاد دارند. این طریقت، شباهت زیادی به ادیان ایران باستان از جمله میترائیسم و مزداپرستی دارد که هفت ایزد و یک خدا دارد.

مردم اوستیا از نظر فرهنگی بسیار ایران‌دوست، خونگرم، مهمان‌نواز، سنتی و علاقمند به شاهنامه‌خوانی هستند. در اوستیا با اینکه سالیان سال از ایرانیان جدا بوده‌اند، همچنان می‌توان میراثی ایرانی را در این ناحیه یافت. از جمله این میراث، ایرانیان بومی که از زمان صفویه و قاجاریه به صورت بازرگان و کارگر در این منطقه زندگی می‌کردند و هم اکنون اوستیایی محسوب می‌شوند، ولی اکثر آنها رشتی یا آذری هستند. از موارد دیگر میراث ایرانی، باید به ابنیه و آثار تاریخی ایرانیان در ۲۰۰ سال اخیر مانند مسجد ایرانیان (پرسیسکوس)، کنسول‌گری ایران، مدرسه نوروژ و محله ایرانی‌ها در شهر ولادی قفقاز اشاره کرد.

ستیزش در اوستیای جنوبی

اختلاف‌ها و درگیری میان اوست‌ها و گرجی‌ها همواره وجود داشته و در تقسیم‌بندی‌های سیاسی و قومی، بیشتر درگیری‌ها مربوط به گرفتن زمین بوده است. بعد از مهاجرت اوستیایی‌ها به جنوب در ۶ قرن اخیر و زندگی مسالمت‌آمیز گرجیان با اوست‌ها، از اوایل قرن بیستم درگیری و نزاع برای تصاحب زمین، میان این دو قوم روی داد. این درگیری‌ها به دلیل تعیین مرزهای مصنوعی بدون در نظر گرفتن تاریخ و فرهنگ قومیت‌ها در دوران شوروی صورت گرفت. با تأسیس جمهوری گرجستان در سال ۱۹۳۶/۱۳۱۵ و پیوستن اوستیای جنوبی به عنوان استان خودمختار به آن، تخم نفاق در منطقه میان این دو قوم باستانی

کاشته شد. در اواخر دوران شوروی در سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹/۱۹۸۹ و ۱۹۹۰، استان خودمختار اوستیای جنوبی از فرصت استفاده کرده و با توجه به حمایت‌های اوستیای شمالی، اعلام جمهوری خودمختار و جدایی از گرجستان کرد. گرجستان نیز با لغو خودمختاری اوستیا، آبخازیا و آجاریا مقابله به مثل کرده و درگیری نظامی آغاز شد. در سال ۱۳۷۱/۱۹۹۰ گامسیاخوردیا، رئیس‌جمهور گرجستان با فراخوان «گرجستان برای گرجی‌ها» دستور داد که به سوخومی و تسخینوالی حمله شود.

رهبران جدایی طلب اوستیای جنوبی بر اتحاد میان اوست‌ها و پیوستن به روسیه تأکید داشتند. در پایان این مرحله، ادوارد شوارندادزه، رئیس‌جمهور وقت گرجستان در ۱۴ ژوئیه ۱۹۹۴ پیمان «داگومیس» را با بوریس یلتسین، رئیس‌جمهور روسیه امضاء کرد تا به جنگ داخلی پایان داده شود و نیروهای حافظ صلح روسیه به طور قانونی به مناطق درگیری اعزام شوند. این آرامش تا سال ۲۰۰۳/۱۳۸۲ و قدرت‌گیری ساکاشویلی در انقلاب مخملی ادامه یافت. ساکاشویلی در تمامی عرصه‌های سیاست داخلی به تمامیت ارضی و بازگرداندن ۴۷ درصد از خاک گرجستان که در تسخیر سه جمهوری آبخازیا، آجاریا و اوستیا است، تأکید می‌کرد. آنها توانستند به راحتی آجاریا را به گرجستان بازگردانند، ولی در دو منطقه دیگر به دلیل حمایت روسیه، این امر عملی نشد. در آبان ۱۳۸۵/نوامبر ۲۰۰۶، همه‌پرسی در اوستیای جنوبی برگزار شد که بیشتر شرکت‌کنندگان، به استقلال اوستیای جنوبی رأی مثبت دادند. تفلیس در فروردین ۱۳۸۷/آوریل ۲۰۰۸ پیشنهاد داد تا در ساختار قدرت اوستیای جنوبی سهم باشد که این پیشنهاد با مخالفت روسیه و پارلمان اوستیای جنوبی روبه‌رو شد. آنچه رخ داد، حمله ناگهانی ارتش گرجستان با پشتیبانی معنوی غرب و آمریکا به سرزمین اوستیا بوده است که متأسفانه بازی میان ابرقدرت‌ها تنها به ضرر مردم بی‌گناه منطقه شده است. خبرها از اوستیا حاکی از کشته شدن ۲۱۰۰ غیرنظامی و بیش از ۱۷ هزار نفر آواره است که یک فاجعه تاریخی در ایام برگزاری المپیک ۲۰۰۸ است. ارتش روسیه که به بهانه دفاع از اتباع و نیروهای صلح‌بان‌ش گویی این جنگ را پیش‌بینی کرده و در بهار امسال یک مانور نظامی در منطقه قفقاز برگزار کرده بود، توانست در ساعات اولیه جنگ، ۱۸ درصد از خاک گرجستان را اشغال کند و تا نزدیکی شهر تفلیس پیش برود. در این حمله، تمامی مراکز نظامی و تأسیسات زیربنایی گرجستان آسیب دید. با تکاپو افتادن اتحادیه اروپا و سفر سارکوزی به منطقه در ۱۳ اوت، معاهده آتش‌بس در شش بند به توافق نهایی رسید.

اصول معاهده آتش‌بس شامل عدم به کارگیری زور از سوی طرفین درگیر، توقف کامل اقدام‌های نظامی، تأمین شرایط دسترسی آزاد به کمک‌های انسان‌دوستانه، بازگشت نیروهای گرجستان به پادگان‌ها و نیروهای روسیه به خطوط قبل از آغاز اقدام‌های جنگی گرجستان و آغاز بحث در مورد امنیت اوستیای جنوبی و آبخازیا در سطح بین‌المللی است. در این حال، روسیه پیشنهاد داد که منطقه‌ای حائل در اطراف اوستیای جنوبی و آبخازیا مشخص شود که هیچ سرباز گرجی در آنجا نباشد. روسیه همچنین خواستار معاهده‌ای است که تضمین کند گرجستان هرگز از نیروی نظامی خود برای تسخیر مجدد منطقه استفاده نخواهد کرد. بعد از امضای معاهده، سخنگوی وزارت دفاع روسیه بر باقیماندن نظامیان روسی در اوستیای جنوبی و آبخازیا تأکید کرد و حتی زمان دقیق خروج نیروهای روسی از سایر نواحی گرجستان اعلام نشد، هرچند تاکنون طبق اخبار رسیده تمام نیروهای روسی از سایر نواحی گرجستان خارج شده‌اند. در اصل، روز ۲۸ مرداد/۱۸ اوت، بازگشت نظامیان روسی به مواضع خود اعلام شد که مقرر آنها بنا به تصمیم کمیسیون حل مناقشه گرجستان-اوستیا مصوبه ۱۹۹۹ تعیین شده است. روز اول شهریور/۲۲ اوت، به خارج‌سازی نیروهای روسیه پایان داده شد. اوست‌ها و از جمله وزارت حوادث غیر مترقبه روسیه از عزم جدی گرجستان برای پاکسازی قومی در اوستیای جنوبی خبر می‌دهند و ادعا می‌کنند که گرجستان نیز مانند ارمنستان و آذربایجان

خواستار یک دولت و ملت تک‌قومی است. به هر ترتیب دیمیتری مدودف در ۲۴ مرداد با دیدار با ادوارد کوکوتی و سرگئی باگاش، رؤسای‌جمهور اوستیای جنوبی و آبخازیا در کرملین، حمایت قاطع روسیه را از این دو جمهوری اعلام کرد.

روس‌ها در این چند روز با متهم کردن آمریکا و غرب به حمایت پنهان و علنی از گرجستان، خود را درگیر جنگی سرد با غرب کردند. کشف یک زرادخانه بزرگ سلاح‌های ساخت آمریکا در غرب گرجستان و اعلام رسمی دستگاه اطلاعاتی روسیه مبنی بر آگاهی آمریکا از حمله گرجستان با وجود ۱۳۰ مشاور نظامی آمریکایی در تفلیس و سفر رایس قبل از حوادث اخیر به گرجستان، نشان از حمایت آمریکا از ساکاشویلی دارد. این در حالی است که اسرائیل نیز به طور نامحسوس به حمایت از گرجستان متهم است و قرارداد نظامی روسیه با سوریه در چند روز بعد از آتش‌بس، در اصل نشان‌دهنده تنش در روابط مسکو - تل‌آویو است. همچنین وزیر دفاع گرجستان یک یهودی‌تبار است که به زبان عبری تسلط دارد و رابط نظامی اسرائیل و گرجستان نیز هست. ساکاشویلی بارها در سخنرانی‌های عمومی خود از اسرائیل تشکر کرده و کارآیی ابزار نظامی اسرائیل را در این جنگ ستوده است.

هم اکنون با توجه به درگیری‌های لفظی میان دولت‌های غربی و عدم نتیجه‌گیری و تصویب قطعنامه در شورای امنیت سازمان ملل، اتحادیه اروپا و همچنین ناتو، شرایط در منطقه پیچیده‌تر از گذشته شده است و هنوز ساز و کار صلح شکل نگرفته است. این در حالی است که بازگشت این دو منطقه به گرجستان بعید به نظر می‌رسد و با توجه به رسمیت شناختن استقلال این دو جمهوری واقع در خاک گرجستان توسط شورای فدراسیون (سنای) و دوما روسیه و همچنین اقدام پارلمان اوستیای شمالی مبنی بر تصویب درخواست اوستیای جنوبی از دولت روسیه و سایر کشورهای جهان برای به رسمیت شناختن استقلال آن از گرجستان، کار را برای ادامه حیات ساکاشویلی نیز مشکل خواهد کرد. سخنان دیمیتری مدودف و ولادیمیر پوتین درباره دفاع از استقلال این دو جمهوری و عدم تخلف از قوانین بین‌المللی شرایط تازه‌ای را برای گرجستان رقم زده است.

روز ۵ شهریور و ۲۶ اوت رئیس‌جمهور روسیه حکم به رسمیت شناختن استقلال جمهوری‌های آبخازیا و اوستیای جنوبی را امضا کرد و روسیه را رو در روی غرب قرار داد. با این حال ساکاشویلی نه تنها نتوانست غرور ملی گرجی‌ها را افزایش دهد و تمامیت ارضی گرجستان را حفظ کند، بلکه به تمایلات استقلال‌طلبانه آبخازیا و اوستیا وجهه بین‌المللی داد و حال دیگر این مسئله در قالب روابط دیپلماتیک روسیه و گرجستان حل نخواهد شد. هزینه گزاف این جنگ برای دولت گرجستان بالغ بر روزی ۲۰۰ میلیون دلار بوده است، در حالی که گرجستان در بسیاری از زیرساخت‌ها نیاز به سرمایه‌گذاری دارد.

اعضای بنیاد «وحدت مردم روسیه و گرجستان» و گرجی‌های مقیم روسیه از میخائیل ساکاشویلی خواستند تا هر چه سریع‌تر استعفا دهد. این حوادث با توجه به اقدام‌های غیرانسانی ارتش گرجستان یعنی بمباران شهر تیسخینوالی و ویرانی کامل شهر، به گلوله بستن مردم غیرنظامی، حمله به صلح‌بانان روسی در مرز اوستیا آن هم روز افتتاحیه المپیک، بیش از پیش کار ساکاشویلی را زشت و ناپسند نشان می‌دهد. این رویداد در تاریخ مردم صلح‌دوست و فرهنگ‌دوست گرجستان که خواهان حق طبیعی خود یعنی تمامیت ارضی وطن‌شان هستند، لکه‌ای تاریک خواهد بود. در اصل ساکاشویلی در حال پرداخت هزینه پیوستن به ناتو است تا بتواند از این طریق امنیت خود را برقرار کند و دولت خویش را حفظ کند. ولی آیا امنیت و پیوستن به ناتو با کشتار غیر نظامیان و جنگ با روسیه به دست خواهد آمد؟ سارکوزی و مرکل، رهبران فرانسه و آلمان در سفرهای خود به تفلیس قول پیوستن گرجستان به ناتو را دادند و این شاید تنها سود

دولت گرجستان در این جنگ باشد. با اینکه در روزهای اخیر و با توجه به سفر دیک چنی به تفلیس و کمک یک میلیاردی آمریکا به گرجستان تا حدودی شرایط ساکاشویلی را بهبود بخشیده و حمایت‌های مردم گرجستان در گردهمایی‌های ملی از وی و زنده شدن حس میهن‌پرستی و ضدروسی در میان روشنفکران و جوانان گرجی شرایط را برای ادامه کار راحت کرده است، ولی باید چشم به شرایط آینده داشت. در روزهای گذشته مدودف لحن تند روسیه نسبت به ساکاشویلی را تغییر داده و در مصاحبه با بی بی سی اعلام کرد که روسیه قصد براندازی رژیم گرجستان را ندارد و این موضوع به ملت گرجستان بستگی دارد. با این حال نمی‌توان از حق قانونی گرجستان نسبت به تمامیت ارضی خویش و پیروی از قواعد بین‌المللی چشم پوشی کرد.

در جریان این رخدادها، گرجستان در اقدامی تلافی‌جویانه قطع کامل روابط دیپلماتیک خود با روسیه را در پارلمان تصویب کرد و همچنین پارلمان گرجستان مناطق اوستیای جنوبی و آبخازیا که روسیه استقلال آنها را به رسمیت شناخته است را به عنوان مناطق اشغال‌شده از سوی روسیه اعلام کرد. علاوه بر این، در سند مصوبه پارلمان گفته می‌شود که تمام نیروهای مسلح غیرگرجستانی که در خاک گرجستان هستند، نیروهای مسلح غیرقانونی اعلام می‌شوند و همچنین دولت را موظف کردند تمام توافقنامه‌هایی را که بر حضور نیروهای روسی در خاک گرجستان تأکید دارند فسخ کند. اتحادیه اروپا نیز در نشست بروکسل نتوانست قطعنامه‌های پیشنهادی لهستان و ایتالیا در مورد تحریم روسیه را به تصویب برساند.

از طرف دیگر کشور نیکاراگوئه به طور رسمی استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا را اعلام کرد. همچنین حزب اتحاد بزرگ ترکیه، حماس، جمهوری قریه‌باغ، جمهوری قبرس شمالی از استقلال این دو ناحیه دفاع کرده و کشورهایی مانند روسیه سفید، تاجیکستان و ونزوئلا به رسمیت شناختن استقلال این دو ناحیه را در دستور کار خود قرار داده‌اند. با اینکه اکثر کشورهای جهان این موضوع را قبول نکرده و احتمالاً کشورهای کمی حتی از هم‌پیمانان روسیه استقلال این نواحی را اعلام خواهند کرد، کشورهای شرکت‌کننده در سازمان همکاری‌های شانگهای نیز از نقش فعالانه روسیه در کمک به برقراری صلح در اوستیای جنوبی حمایت کردند ولی در پایان از احترام به تمامیت ارضی گرجستان و حقوق بین‌الملل نیز دفاع کردند. استقلال در این دو ناحیه، شرایط امنیتی قفقاز و سایر نقاط جهان را به هم خواهد ریخت و کشورهای چند قومی با تهدید استقلال نواحی مختلف کشورشان مواجه خواهند شد.

واگرایی و همگرایی تاریخی اوست‌ها با گرجی‌ها و روس‌ها

اوست‌ها بعد از انقراض پادشاهی آلان در قفقاز شمالی توسط تاتارها و حمله تیمور رفته رفته به نواحی و دشت‌های جنوبی سرازیر شدند و در قلمروی کارتلی شمالی قرار گرفتند. در سال ۱۷۷۴/۱۱۵۳ با قدرت‌گیری روس‌ها در منطقه قفقاز شمالی، اوست‌ها نخستین ملت قفقاز بودند که به روس‌ها پیوستند و در جنگ‌های بعدی علیه ایران و عثمانی جزو نیروهای ارتش تزار درآمدند، با اینکه این اتحاد برای تمامی اوست‌ها اتفاق نیفتاد و تا سال‌های بسته شدن عهدنامه‌های گلستان و ترکمن‌چای برخی از قبایل با ایران هم‌پیمان بودند. یکی از دلایلی را که مورخان اوستی در همگرایی با روس‌ها نام می‌برند، اختلاف با اقوام جنوبی از جمله گرجی‌ها است. نکته دیگری که شایان ذکر است، هم‌کیش بودن اوست‌ها با روس‌ها است. مذهب رسمی اوست‌ها در کنار سایر ادیان، ارتدوکس روسی است و تنها جمهوری غیراسلامی در قفقاز شمالی است. در جنگ‌های جهانی اول و دوم، اوست‌ها بیش از سایر اقوام غیرروس دلاوری نشان دادند تا جایی که در جنگ جهانی دوم بیش از ۷۰ قهرمان ملی از خود بر جای نهادند، بعد از فروپاشی شوروی

نیز در شمار معدود ملل قفقاز بودند که شعار جدایی سر ندادند و همواره به اتحاد با روس‌ها پایبند بودند. هم اکنون نیز بر اساس مشاهددهای نگارنده در سال گذشته، روس‌ها نزد مردم اوستیا بسیار محبوب هستند. دیمتری مدودف و ولادیمیر پوتین نیز چهره‌های شاخص در نزد مردم اوستیا هستند. در مقابل این همگرایی، اوست‌ها نوعی دشمنی و واگرایی تاریخی با گرجی‌ها دارند، به طوری که همواره یک نزاع دائمی بر سر زمین میان اوست‌ها و گرجی‌ها در مناطق اطراف تیسخینوالی و سایر نقاط اوست‌نشین وجود داشته است. اوست‌ها همواره با ادعای نسل‌کشی گرجی‌ها در مورد خود مواجه بوده‌اند و در پیشینه تاریخی آنها، به طور واقعی یا جعلی، این بحث‌ها وجود دارد.

همایش روسیه و اسلام*

همایش «روسیه و اسلام» در روزهای ۳۰ و ۳۱ خرداد ۱۳۸۷ / ۱۹ و ۲۰ ژوئن ۲۰۰۸ در محل کتابخانه قدیمی دانشگاه ادینبورو (اسکاتلند) تشکیل شد. در این همایش با موضوع روسیه و اسلام، افراط‌گرایی در روسیه و جمهوری‌ها و نیز شرایط و زمینه‌های آن مورد بررسی قرار گرفت. یکی از اهداف اصلی همایش ایجاد ارتباط میان متخصصان مسائل روسیه برای درک بهتر مسائل این کشور بود.

- سخنران اول الکساندر ورخوفسکی از مؤسسه SOVA در مسکو بود که صحبت‌های خود را از تجربه دموکرات‌ها پس از فروپاشی ۱۹۹۳ آغاز کرد و روند شکل‌گیری ملی‌گرایی در روسیه، در دوران یلتسین و تلاش برای آشتی و تفاهم ملی را بررسی کرد.

- سخنران بعدی، رونالد دان رویتز سخنان خود را در مورد «گفتمان‌ها و رویکردهای روسیه درباره اسلام سیاسی و افراط‌گرایی» آغاز کرد. برداشت روس‌ها از خودشان (اروپایی - آسیایی بودن و اروپایی نبودن)، مسیحیت در روسیه و تأثیر آن بر مسلمانان، تعارض ایجادشده در روسیه پس از فروپاشی، موضوع امت اسلامی و تأثیر آن در روسیه، مفهوم خاورمیانه و اسلام در قفقاز و آسیای مرکزی، مفهوم افراط‌گرایی و مطالعات شرقی روسیه و عوامل مؤثر بر آن و وهابیسیم در روسیه، از دیگر مسائل مورد توجه او بود.

- گالینا یمیلیانووا از دانشگاه بیرمنگام از دیگر سخنرانان این همایش بود. او در مورد «افراط‌گرایی و سیاست‌های ضد افراط‌گرایی در روسیه» سخن گفت. وی با تأکید بر جنبش احیای اسلامی بحث خود را شروع کرد و گفت: «از دهه ۱۳۷۰/۱۹۹۰، اسلام به حوزه عمومی بازگشت و افراط‌گرایی اسلامی در قالب احیای اسلامی ظاهر شد». رابطه صوفی‌ها با سلفی‌گرایان، تاتارهای مسلمان و تلاش برای اسلام، مخالفت با بدعت در میان مسلمانان، نوگرایی اسلامی، مفهوم اجتهاد و به دست آوردن راه‌حل‌های جدید برای مسائل مسلمانان از جمله موارد بحث وی بود. همچنین گرایش‌های سلفی و فعالیت‌های هواداران این گرایش و شکل سیاسی - نظامی و تبدیل آن به جهاد و اقدام‌های نظامی، دیگر مسائلی بودند که وی به آنها پرداخت. - کاترینا براگینسکایا نیز در این همایش از «رابطه دولت و مسلمانان در روسیه، فرانسه و ایتالیا» یک بررسی تطبیقی ارائه کرد. او آزادی‌ها و فعالیت‌های مسلمانان در سه کشور را بررسی کرد و گفت: «در هر سه کشور روند عرفی‌سازی گسترش یافته است. در روسیه رهبران مذهبی شرکای دولت هستند، ولی رابطه با کلیسا مهم‌تر است».

- استفن هاچینز از دانشگاه منچستر نیز یک بررسی جالب در مورد برخورد روسیه، فرانسه و بریتانیا با تروریسم با تمرکز بر رسانه‌ها انجام داده بود. طبق این بررسی، با توجه به تجارب بعد از ۱۱ سپتامبر و مبارزه جهانی علیه تروریسم در هر سه کشور اقدام‌های مشابهی انجام شد. هاچینز با مجموعه‌ای از نقل

* مجموعه مقالات ارائه شده در این کنفرانس توسط انتشارات راتلج چاپ و منتشر می‌شود.

قول‌ها، بحث خود را در مورد سه کشور یاد شده ارائه کرد. جنگ علیه تروریسم و اشکال گوناگون آن و حضور در عراق برای جنگ با تروریسم هم مورد بحث قرار گرفت.

جان راسل از دانشگاه برادفورد نیز روابط قادراف را با دیگر رهبران چچن بررسی کرد. به نظر راسل، وهابیسیم نمی‌تواند برای تبیین تروریسم باسایف و مانند او به کار گرفته شود. به نظر او غرب با این موضوع خیلی سیاسی برخورد کرده است.

سخنران بعدی دومیتیلای ساگراموسو از کالج کینگ لندن بود. وی به ارائه نتایج پژوهش خود در مورد «سازوکار تحولات در قفقاز» پرداخت. او با اشاره به حوادث چچن و داغستان و اقدام‌های تروریستی در این مناطق، زمینه‌ها و عوامل بی‌ثباتی در قفقاز را مورد تحلیل قرار داد. مسایل تروریستی در نالچیک و شهرهای دیگر منطقه و اقدام‌های تروریستی در نقاط مختلف قفقاز در این تحقیق بررسی شد.

احمد یارلیکاپوف از انستیتوی انسان‌شناسی و قوم‌شناسی مسکو از دیگر سخنرانان این همایش بود که درباره گونه‌های افراط‌گرایی در میان مسلمانان شمال قفقاز صحبت کرد. وی وضعیت مناطق کراسنودار، کاباردینو-بالکار و چرکس را بررسی کرد.

دینا مالی شوا در مورد روسیه و جهان اسلام سخن گفت و روابط آن را در قالب جهانی‌شدن بررسی کرد. او ابتدا اهمیت جغرافیا در روابط روسیه با جهان اسلام، نفت و گاز و سپس موضوع اسلام در این منطقه را مطرح و تأثیر آن را بر مسلمانان روسیه، رابطه با جهان اسلام و تأثیر آن بر فرهنگ مسیحی بررسی کرد.

سخنران بعدی الهه کولایی از دانشگاه تهران بود که در مورد روابط روسیه و ایران به عنوان نمونه‌هایی از تأثیر اسلام در سیاست خارجی روسیه صحبت کرد. وی ابتدا روند توسعه روابط دو کشور پس از استقلال روسیه در دوران دمکرات‌ها (غرب‌گرایان) و دیدگاه منفی آنها نسبت به ایران را مطرح و سپس تحول در سیاست خارجی خاورمیانه‌ای روسیه را در پی دگرگونی در نگرش حاکم بر سیاست خارجی آن بررسی کرد که تأثیر آن بر روابط با ایران بسیار مشهود است.

لوک مارش از دانشگاه ادینبورو نیز در سخنرانی خود با عنوان مسکو و اسلام درباره مسلمانان مسکو صحبت کرد و ظرفیت و رشد افراط‌گرایی آنها را مورد بررسی قرار داد. وی گفت: «این مردم در متن ساختار قومی و مذهبی مسکو قرار ندارند. تعداد آنها به سرعت به ۲ تا ۲/۵ میلیون نفر رسیده و شهر مسکو را در اروپا به جایگاه مسلمانان و شهری مسلمان تبدیل کرده است».

آزات خورماتولین از دانشگاه اسلامی روسیه (قازان) نیز در مورد تحول در اسلام و سیاست در تاتارستان صحبت کرد. وی تحولات دهه ۱۹۹۰ را مورد بررسی قرار داد و تأسیس نهادهای اسلامی توسط مسلمانان برای فعالیت‌های سیاسی را مطرح و به این موضوع اشاره کرد که با وجود نسل جدیدی از روحانیون که در مدارس اسلامی تربیت شدند، دیدگاه‌های جهانی اسلامی تقویت شد. گرایش برخی از مسلمانان برای بازگشت اسلام به زندگی مردم و در نسل جوان هم تأثیر داشته است.

ماتیو فوماگالی از دانشگاه اروپای مرکزی در بوداپست سخنران بعدی بود که درباره مهاجران آسیای مرکزی صحبت کرد. به گفته وی، مهاجران به ویژه مهاجران آسیای مرکزی، هماهنگی و همگونی روسیه را بر هم زده‌اند و هراس از مهاجران از اسلام بیشتر به چشم می‌خورد. این موضوع در دهه ۱۹۹۰ برای روسیه مطرح شد و همچنان ادامه دارد.

دکتر گالینا میاژویچ از دانشگاه منچستر نیز از وضعیت رسانه‌ها در پیوند یا ایجاد تفاوت و بی‌اعتمادی سخن گفت. او سیاست دولت روسیه و پاسخ رسانه‌ها را به ترس ایجادشده از بیگانگان و اینکه در برابر این تحول‌ها چه سیاستی اجرا کرده‌اند، مورد بررسی قرار داد.

ایران و روسیه در بازی بزرگ (سفرنامه‌ها و شرق گرایی)^۱

محمد کاظم شجاعی^۲

کتاب ایران و روسیه در بازی بزرگ (سفرنامه‌ها و شرق گرایی)، از چند نظر کتابی منحصر به فرد است. این کتاب حاصل تحقیق‌های نویسنده درباره سفرنامه‌های روسی است که در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم (پیش از انقلاب اکتبر) درباره ایران نگاشته شده است. به گفته نویسنده، این کتاب با هدف بررسی و مطالعه حدود ۲۰۰ سفرنامه موجود و تحلیل دیدگاه روس‌ها درباره ایران آن دوران آغاز شد؛ با این حال در جریان مطالعه این کتاب با موضوع‌های گسترده دیگری درباره اوضاع ایران در آن دوران، جایگاه روسیه و بریتانیا در ایران و رقابت این دو رقیب استعماری در قالب بازی بزرگ (رقابت‌های استعماری روسیه و بریتانیا در شرق، در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم)، تاریخ شرق گرایی در اروپای غربی و بررسی نسخه روسی آن، چالش‌های فکری موجود در بین اندیشمندان روسیه در مورد هویت ملی این کشور، بررسی نظری ادبیات سفر و جایگاه آن در دنیای ادبیات و ... روبه‌رو هستیم.

مهم‌ترین ویژگی این اثر، بررسی دوگانه موضوع مسافران روس است. نویسنده در این کتاب ابتدا به توصیف مسائل گوناگون جامعه ایران در آن دوران پرداخته، سپس تلاش می‌کند تا با تحلیل دیدگاه روس‌ها نسبت به ایران و چگونگی توصیف این شرایط، به ساختار ذهنی نویسندگان به طور خاص و مردم روسیه به طور عام بپردازد. در حقیقت در این کتاب، نویسنده آینه را به سمت خود مسافران روس که در حال توصیف و تحلیل جامعه ایران هستند برمی‌گرداند و با مقایسه دیدگاه مسافران روس و مسافران بریتانیایی، نقاط ضعف فرهنگ و هویت روسی را به خوانندگان نشان می‌دهد.

جذابیت دیگر مطالعه این اثر، امکان آشنایی با برنامه‌ها و طرح‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت امپراطوری استعماری روسیه درباره ایران است. در این اثر با توجه به مدارک و شواهدی که نویسنده از آثار سفرنامه‌نویسان ارائه می‌دهد، اهداف بلندمدت روسیه برای تصرف بخش‌های بیشتری از خاک ایران، در راستای عمل به وصیت‌نامه پتر کبیر روشن می‌شود. نکته جالب توجه دیگر روبه‌رو شدن با تصاویری است که نویسندگان، از ایران آن روز ارائه می‌دهند. مطالعه دیدگاه نویسندگان درباره جنبه‌های گوناگون زندگی ایرانیان از قبیل مذهب، قومیت، خانواده، جایگاه زنان در جامعه، آداب و سنت‌ها و مناسک مذهبی، ارتش، پزشکی، اخلاقیات و ... در کنار سرگرم‌کننده بودن، این امکان را به خوانندگان می‌دهد که در گام نخست، تصویری هر چند گاهی نادرست، اما جالب و تا حدودی متفاوت را از ایران عهد قاجار به دست آورد.

موضوع دیگری که این کتاب را به کتابی شایان توجه تبدیل کرده است، بررسی شرق گرایی از نگاه روس‌ها است. همان‌گونه که نویسنده در اثر خود اعلام می‌کند، تاکنون پدیده شرق گرایی و بازی بزرگ به

1-Elena Andreeva, *Russia and Iran in the Great Game: Travelogues and Orientalism*, London: Routledge, 2007.

این کتاب در برنامه اوراسیای مرکزی ترجمه شده و در انتشارات دانشگاه تهران در مراحل نهایی چاپ و انتشار قرار دارد.

۲- کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

طور عمده از دیدگاه بریتانیایی‌ها تحلیل و توصیف شده است و در این زمینه، اغلب، آثار و سفرنامه‌های مسافران بریتانیایی مرجع قرار گرفته است، در حالی که روس‌ها نیز به واسطه نقش آفرینی خود در این دو عرصه حرف‌های زیادی برای شنیده شدن دارند. نویسنده در این اثر تلاش کرده است تا با بررسی سفرنامه‌های روسی، نگاه کلی روس‌ها را نسبت به دو ایده شرق‌گرایی و بازی بزرگ دریافته و تحلیل کند تا از این طریق بعد جدیدی را به مطالعه این دو پدیده بیفزاید.

کتاب «ایران و روسیه در بازی بزرگ» در ده فصل، یک مقدمه، یک پیشگفتار، دو ضمیمه و کتاب‌شناسی بسیار ارزشمندی تهیه شده است. در فصل نخست کتاب، نویسنده تلاش می‌کند تا با ارائه بحث‌هایی مقدماتی و البته تأکید بر خاص بودن نگاه روس‌ها به ایران، زمینه ورود به بحث اصلی کتاب را فراهم کند. در فصل دوم با مفهوم تاریخی شرق‌گرایی و بخصوص نسخه روسی آن روبه‌رو می‌شویم. در فصل سوم با ویژگی‌های سفرنامه‌های روسی و برخی از سفرنامه‌نویسان مشهور روس آشنا می‌شویم. در این فصل تا حدودی دلایل موضع‌گیری نویسندگان را در می‌یابیم. فصل چهارم در حقیقت در ادامه فصل سوم، مأموریت مسافران روس در ایران و تأثیر آن بر دیدگاه نویسندگان نسبت به ایران را بررسی می‌کند. در فصل پنجم نویسنده با توصیف چگونگی رویارویی مسافران روس با ایرانی‌ها که در یک تعریف کلی شرقی خوانده می‌شوند، تأثیر هویت ملی روس بر چگونگی این برخورد را بررسی می‌کند.

در فصل ششم کتاب، نویسنده دیدگاه مسافران درباره ایرانیان را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که مسافران روس با چه نگاهی به میزبانان خود در ایران نگاه کرده و آنها را توصیف می‌کردند. فصل هفتم کتاب جنبه‌های گوناگون جامعه ایران اعم از شرایط آموزش، ارتش، بهداشت، هنر و غیره را توصیف می‌کند. فصل هشتم شامل دیدگاه مسافران روس نسبت به اسلام در ایران است. در این فصل با توصیف روس‌ها از اسلام، سیدها، روحانیون و ... روبه‌رو هستیم که اغلب منفی است. برخورد مسافران روس با «تهدید اسلام» در جامعه ایران از بخش‌های جالب این فصل از کتاب است. در این فصل برخی از آداب و مناسک مذهبی ایرانیان مانند عزاداری در ماه محرم، تعزیه و غیره نیز مورد بررسی قرار گرفته است. فصل نهم به دو موضوع قومیت و جنسیت در جامعه ایران اشاره دارد. بررسی جایگاه زن در جامعه ایران، نهاد خانواده، رفتار ایرانیان با همسرانشان، مسئله ازدواج موقت و در کنار آن توصیف قومیت‌های گوناگون ساکن ایران، بررسی ویژگی‌های آنها از نگاه مسافران و مهم‌تر از آن جایگاه این مسائل در برنامه‌های استعماری روسیه در مورد ایران، موضوع‌های این فصل را تشکیل می‌دهد. فصل دهم به نگاه ایرانیان به مسافران، از قلم خود مسافران می‌پردازد و نشان می‌دهد روس‌ها در این مورد چه تصویری از نگاه ایرانیان نسبت به خود دارند.

در پایان، دو ضمیمه که یکی نقشه‌ای از ایران قبل از جنگ جهانی است و دیگری توضیحی کلی درباره سفرنامه و جایگاه آن در ادبیات جهان است، قابل استفاده است. در ادامه، کتاب‌شناسی ارزشمند این کتاب، امکان تحقیق‌های بیشتری را در این زمینه برای علاقمندان فراهم می‌کند و با گردآوری اسامی بسیاری از سفرنامه‌های روسی قابل استفاده شرایط مناسبی را برای پژوهشگران علاقمند فراهم آورده است.

● درخواست ناتو از روسیه برای لغو تعلیق اجرای پیمان CFE

مسکو، شنبه ۲۹ مارس (۱۰ فروردین) ریانووستی؛ ناتو با انتشار بیانیه‌ای از روسیه خواست تا پیشنهاد ایالات متحده در مورد پیمان کاهش نیروهای متعارف در اروپا (CFE) را مورد بررسی قرار دهد و هشدار داد که تعلیق وضع شده از سوی مسکو در مورد CFE می‌تواند به امنیت اروپا آسیب وارد کند. روسیه در دسامبر ۲۰۰۷ به طور یک‌جانبه اجرای پیمان کاهش نیروهای متعارف در اروپا را تعلیق کرد.

● امضای قرارداد تأمین سوخت هسته‌ای میان اوکراین و آمریکا

کی‌یف، دوشنبه ۳۱ مارس (۱۲ فروردین) ریانووستی؛ شرکت اوکراینی خدمات انرژی هسته‌ای «انرگو اتم» قراردادی را با شرکت آمریکایی وستینگهاوس الکترونیک برای تأمین سوخت نیروگاه‌های اتمی اوکراین به امضا رساند. اوکراین که تقریباً بطور کامل در زمینه تأمین سوخت هسته‌ای به روسیه متکی است طی سالیان گذشته به سبب بروز مناقشه با این کشور بر سر بالا بردن قیمت انرژی، درصدد متنوع کردن منابع تأمین انرژی خود است.

● امضای سند همکاری نقشه راه میان اوکراین و آمریکا

کی‌یف، سه شنبه ۱ آوریل (۱۳ فروردین) ریانووستی؛ کاخ ریاست جمهوری اوکراین اعلام کرد که رئیس‌جمهوری این کشور و ایالات متحده یک سند «نقشه راه» در مورد همکاری‌های دوجانبه

را به امضا رساندند که در برگرفته ایجاد یک منطقه تجاری آزاد میان دو کشور است. این نقشه راه دربرگیرنده زمینه لازم برای تشکیل یک منطقه آزاد تجاری بین اوکراین و آمریکا است.

● نیاز ایران به گاز آذربایجان

مسکو، سه شنبه ۱ آوریل (۱۳ فروردین)، ریانووستی؛ شرکت ملی گاز ایران اعلام کرده است که این کشور علاقمند به افزایش واردات گاز از آذربایجان به میزان ده برابر است. این منبع می‌افزاید، با وجود داشتن ذخایر عظیم گاز، ایران مخالفتی با استفاده از ذخایر گاز کشورهای همسایه ندارد.

● آمادگی ترکمنستان برای همکاری با ناتو

عشق آباد، پنجشنبه ۳ آوریل (۱۵ فروردین)، ریانووستی؛ قربانقلی بردی محمداف رئیس‌جمهوری ترکمنستان، بر آمادگی کشور خود برای همکاری با پیمان ناتو تأکید کرد. دفتر مطبوعاتی ریاست جمهوری ترکمنستان ضمن اعلام این خبر افزود که بردی محمداف برای نخستین بار در اجلاس سران کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در بخارست شرکت می‌کند.

● تأکید پوتین بر نبود جنگ سرد

بخارست، جمعه ۴ آوریل (۱۶ فروردین)، ریانووستی؛ ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه اعلام کرد که آغاز جنگ سرد دیگری در جهان ممکن نیست. دیگر شکاف ایدئولوژیکی در اروپا وجود

- ندارد. وی گفت: «بازگشت جنگ سرد ممکن نیست. هیچ کدام از بازیگران جهانی مانند اروپا، ایالات متحده و روسیه مایل به بازگشت به گذشته نیستند».
- **خارج نشدن نیروهای روسیه از بندر سواستوپول**
مسکو، جمعه ۴ آوریل (۱۶ فروردین)، ریانووستی؛ ولادیمیر ویسوتسکی، فرمانده کل نیروهای دریایی فدراسیون روسیه اعلام کرد که موضوع خروج زود هنگام ناوگان دریای سیاه نیروی دریایی روسیه از پایگاه سواستوپول میان روسیه و اوکراین مطرح نشده است.
- **امضای قرارداد نفت و گاز میان ترکمنستان و هند**
عشق آباد، شنبه ۵ آوریل (۱۷ فروردین)، ریانووستی؛ هند و ترکمنستان یک یادداشت تفاهم در زمینه نفت و گاز به امضا رساندند که دسترسی شرکت‌های هندی را به منابع انرژی این کشور آسیای مرکزی فراهم می‌کند.
- **عدم دستیابی به توافق در مذاکرات موشکی روسیه و لهستان**
مسکو، چهارشنبه ۹ آوریل (۲۱ فروردین)، ریانووستی؛ وزارت امور خارجه روسیه اعلام کرد که مذاکرات روسیه و لهستان درباره استقرار سامانه دفاع ضد موشکی آمریکا که روز ۸ آوریل در مسکو خاتمه یافت، تأکیدی بر وجود اختلاف دیدگاه‌های جدی در مواضع مسکو و ورشو بود.
- **بررسی راهبرد همکاری اتحادیه اروپا با آسیای مرکزی**
عشق آباد، چهارشنبه ۹ آوریل (۲۱ فروردین)، ایترتاس؛ موضوع «استراتژی مشارکت نوین در آسیای مرکزی» در نشستی در عشق آباد با شرکت وزرای امور خارجه تروئیکای اتحادیه اروپا و پنج کشور آسیای مرکزی (ترکمنستان - ازبکستان - تاجیکستان - قزاقستان - قرقیزستان) از ۹ تا ۱۰ آوریل مورد بررسی قرار گرفت.
- **رد هر گونه پیشنهاد خودمختاری از سوی رهبر آبخازی**
سوخومی، دوشنبه ۱۴ آوریل (۲۶ فروردین)، ایترتاس؛ سرگئی باگاش، رئیس‌جمهور خودخوانده ناحیه جدایی طلب آبخازی در گرجستان اعلام کرد که آبخازها هرگز با هیچ‌گونه پیشنهاد وضعیت خودمختاری در چارچوب گرجستان موافقت نخواهد کرد.
- **درخواست رهبر گرجستان برای تجدیدنظر روسیه درباره مناطق جدایی طلب**
تفلیس، پنجشنبه ۱۷ آوریل (۲۹ فروردین)، ریانووستی؛ میخائیل ساکاشویلی رئیس‌جمهوری گرجستان از روسیه خواست تا در حمایت خود از مناطق جدایی طلب آبخازیا و اوستیای جنوبی تجدید نظر کند، زیرا این پشتیبانی سبب نقض تمامیت ارضی گرجستان می‌شود.
- **درخواست کمک گرجستان از سازمان‌های بین‌المللی**
تفلیس، پنجشنبه ۱۷ آوریل (۲۹ فروردین)، ریانووستی؛ دیوید باکراдзе، وزیر امور خارجه گرجستان اعلام کرد که این کشور از شورای امنیت سازمان ملل متحد و سازمان امنیت و همکاری اروپا درخواست می‌کند تا با برپا کردن جلسه‌های ضروری، تدابیر ویژه توسط روسیه در حمایت از مناطق جدایی طلب در خاک گرجستان را مورد رسیدگی قرار دهند.
- **گسترش همکاری‌های روسیه و ایران**
تهران، چهارشنبه ۳۰ آوریل (۱۱ اردیبهشت)، ریانووستی؛ والتین سوپولیف، معاون دبیر شورای امنیت روسیه که در رأس هیئت بلندپایه‌ای طی روزهای ۲۸ تا ۳۰ آوریل به ایران سفر کرده بود، اعلام کرد که روسیه علاقمند به توسعه همکاری‌ها با ایران در زمینه انرژی، ساخت معبر (کریدور) حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب و سایر پروژه‌ها است.

● **تعیین مسیر خط لوله نفت بالتیک ۲ اوست-لوگا**
لنینگراد، چهارشنبه ۱۴ مه (۲۵ اردیبهشت)، ریانووستی؛ ولادیمیر پوتین نخست وزیر روسیه، اعلام کرد خط لوله انتقال نفت بالتیک ۲ از ناحیه غرب روسیه در بریانسک به ناحیه لنینگراد و بندر اوست لوگا خواهد رسید. یک شاخه از آن هم به پالایشگاه نفت «کریشی» متصل خواهد شد.

● **آمادگی روسیه برای کمک به ازسرگیری مذاکرات ماورای دنیستر**
مسکو، سه شنبه ۲۰ مه (۳۱ اردیبهشت)، ریانووستی؛ سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه اعلام کرد که مسکو پیشنهاد از سرگیری مذاکرات برای حل و فصل مناقشه میان مولداوی و منطقه جدایی طلب ماورای دنیستر با وساطت روسیه را ارائه کرده است.

● **احیای زیر ساخت‌های نظامی روسیه گورکی**
مسکو، سه شنبه ۲۰ مه (۳۱ اردیبهشت)، ریانووستی؛ نیکولای بوردیوژا، دبیرکل سازمان پیمان امنیت مشترک به دیمتری مدودف، رئیس جمهوری فدراسیون روسیه درباره روند آماده‌سازی اجلاس سران کشورهای عضو این سازمان گزارش داد. دبیرکل سازمان پیمان امنیت مشترک اظهار داشت که سازمان درصدد احیای زیرساخت‌های نظامی روسیه و سایر کشورهای عضو و نیز ایجاد پایگاه‌های نظامی جدید است.

● **امضای هفت توافقنامه همکاری میان آذربایجان و ترکمنستان**
باکو، سه شنبه ۲۰ مه (۳۱ اردیبهشت)، ریانووستی؛ در جریان سفر دو روزه قربانقلی بردی محمداف، رئیس جمهوری ترکمنستان به باکو پایتخت جمهوری آذربایجان، هفت توافقنامه همکاری میان دو کشور به امضا رسید. این موافقتنامه‌ها در برگیرنده همکاری در زمینه‌های سیاسی، انتقال انرژی، تجارت و بازرگانی، انتقال کالا، ورزشی و زیست محیطی است.

● **بریتیش پترولیوم و استخراج گاز از دریای خزر**
باکو، چهارشنبه ۳۰ آوریل (۱۱ اردیبهشت)، ریانووستی؛ شرکت عظیم بریتانیایی «بریتیش پترولیوم» اعلام کرد که در نظر دارد طی سال ۲۰۰۸ به میزان ۷/۷ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی و ۱۸ میلیون تن میعان گاز را از حوزه «شاه دنیز» جمهوری آذربایجان واقع در دریای خزر استخراج کند.

● **روسیه قصد جنگ با گرجستان ندارد**
لوکزامبورگ، چهارشنبه ۳۰ آوریل (۱۱ اردیبهشت)، ریانووستی؛ سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه که برای دیدار با وزرای ترویجی فدراسیون روسیه و اتحادیه اروپا به لوکزامبورگ سفر کرده بود، تأکید کرد که روسیه قصد جنگ با گرجستان را ندارد. لاوروف افزود شواهد به دست آمده گواه بر این است که مقامات گرجستان درصدد حل مسأله آبخازیا و اوستیای جنوبی از طریق توسل به نیروی نظامی هستند.

● **هشدار اتحادیه اروپا به روسیه در مورد گرجستان**
مسکو، چهارشنبه ۳۰ آوریل (۱۱ اردیبهشت)، ریانووستی؛ خاویر سولانا، سرپرست امور سیاست خارجی اتحادیه اروپا به روسیه هشدار داد که تصمیم آن کشور مبنی بر اعزام نیروهای حافظ صلح بیشتر به مناطق جدایی طلب گرجستان می‌تواند موجب نتایج زیان بخشی باشد.

● **توافق روسیه و آذربایجان در مورد حمل کالا به ایران**
باکو، چهارشنبه ۱۴ مه (۲۵ اردیبهشت)، ریانووستی؛ گریگوری کاراسین معاون وزیر امور خارجه روسیه، پس از دیدار خود با المار محمدیاریوف، وزیر امور خارجه آذربایجان، اعلام کرد که روسیه و جمهوری آذربایجان به توافقی در مورد ترانزیت محمولات ویژه نیروگاه اتمی بوشهر ایران از طریق آذربایجان دست یافتند.

● بررسی انتقال نفت دریای خزر به اروپا در نشست

اوکراین چهارشنبه ۲۱ مه (۱ خرداد)، خبرگزاری رویترز؛ سران ۹ کشور برای گفت و گو در مورد موضوع امنیت انرژی در کی‌یف پایتخت اوکراین گرد آمدند. بنا به گزارش‌ها، رهبران اوکراین، جمهوری آذربایجان، استونی، گرجستان، لتونی، لیتوانی، مولداوی، لهستان و رومانی روز جمعه ۲۳ مه در این نشست شرکت کردند.

● انتقاد آمریکا از قاچاق انسان در تاجیکستان

واشنگتن، پنجشنبه ۵ ژوئن (۱۶ خرداد)، بی بی سی؛ وزارت امور خارجه آمریکا در گزارش تازه‌ای درباره وضع مبارزه با قاچاق انسان در جهان، تلاش‌های دولت تاجیکستان برای مبارزه با قاچاق انسان را ناکافی خوانده است. بر اساس این گزارش، تاجیکستان منبع قاچاق زنان به امارات متحده عربی، ترکیه و روسیه به منظور فحشا و استثمار جنسی محسوب می‌شود. مردان نیز برای کار غیر قانونی در بخش ساختمان‌سازی و کشاورزی به روسیه و قزاقستان قاچاق می‌شوند.

● درگذشت نویسنده شهیر قرقیزستانی

بیشکک، سه شنبه ۱۰ ژوئن (۲۱ خرداد)، ریانووستی؛ چنگیز آیماتوف، نویسنده مشهور قرقیزتبار روسی، روز ۱۰ ژوئن در سن ۷۹ سالگی در بیمارستانی در آلمان درگذشت.

● تقویت حضور نظامی روسیه در قرقیزستان

مسکو، چهارشنبه ۱۱ ژوئن (۲۲ خرداد)، ریانووستی؛ ژنرال الکساندر زلین، فرمانده نیروی هوایی روسیه، اعلام کرد که این کشور نیرو و تجهیزات بیشتری را در پایگاه هوایی خود در قرقیزستان مستقر می‌سازد. زلین همچنین گفت که برنامه‌های آموزشی و تمرینی خلبانان برای آماده‌سازی تعداد بیشتری از آنان افزایش یافته است.

● ایران در تاجیکستان تونل می‌سازد

دوشنبه شهر، چهارشنبه ۱۱ ژوئن (۲۲ خرداد)، ریانووستی؛ امام علی رحمان اف، رئیس‌جمهوری تاجیکستان و علی اصغر امیرشعردوست، سفیر ایران در این کشور، طی دیدار خود دورنمای احداث تونل در تاجیکستان را مورد بررسی قرار دادند.

● کمک ناتو به اوکراین برای اجرای اصلاحات ضروری

کی‌یف، دوشنبه ۱۶ ژوئن (۲۷ خرداد)، ایتارتاس؛ یاپ دی هوپ شفر، دبیرکل پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، در یک کنفرانس خبری مشترک با ویکتور یوشچنکو، رئیس‌جمهوری اوکراین، اعلام کرد که اعضای این پیمان آماده است تا در انجام اصلاحات ضروری برای ورود به ناتو، از اوکراین پشتیبانی لازم را به عمل آورد.

● امضای پروتکل ساخت راه آهن میان ایران، روسیه و آذربایجان

باکو، پنجشنبه ۱۹ ژوئن (۳۰ خرداد)، ریانووستی؛ سازمان دولتی راه آهن جمهوری آذربایجان اعلام کرد که ساخت راه آهن قزوین-رشت-آستارا تا سال ۲۰۱۲ پایان خواهد یافت. احداث این خط آهن، اجرای پروژه مسیر حمل و نقل «شمال-جنوب» را که عامل ارتباط‌دهنده آسیا و اروپا محسوب می‌شود سرعت می‌بخشد.

● آذربایجان، گام بعدی در راه گسترش ناتو

مسکو، چهارشنبه ۲۵ ژوئن (۵ تیر)، روزنامه نیزاوایسیمایا گازتا؛ آن درسی سفیر آمریکا در باکو اعلام کرد که در ماه ژوئیه آینده و در چهارچوب مذاکرات دوجانبه ایالات متحده و آذربایجان در امور امنیتی که در باکو برگزار می‌شود، امکان پیوستن آذربایجان به پیمان ناتو بررسی خواهد شد.

● **احداث خط لوله ازبکستان برای انتقال گاز ترکمنستان به چین تاشکند**
پکن، چهارشنبه ۲ ژوئیه (۱۲ تیر)، ریانووستی؛ یک مقام آگاه در شرکت "ازبک نفت و گاز" اعلام کرد که کار احداث خط لوله انتقال گاز طبیعی ترکمنستان از طریق ازبکستان به مرز غربی چین در منطقه استان بخارا آغاز شده است. این خط لوله ۱۸۰۱ کیلومتری به وسیله یک شرکت چینی- ازبکی ساخته می‌شود.

● **آیین سیاست خارجی جدید روسیه**

مسکو، چهارشنبه ۱۶ ژوئیه (۲۶ تیر)، روزنامه وزگلاپ؛ دیمیتری مدودف سند «آیین سیاست خارجی جدید روسیه» که ارائه‌دهنده دیدگاه‌ها، اصول و جهت‌گیری‌های اصلی فعالیت‌های این کشور در عرصه سیاست خارجی و مبتنی بر هفت اصل اساسی است را امضا کرد. آیین جدید مکمل آیین قبلی است که در ۲۸ ژوئن سال ۲۰۰۰ به وسیله ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری پیشین به تصویب رسید.

● **واگذاری تأسیسات نورک تاجیکستان به روسیه**

مسکو، پنجشنبه ۱۷ ژوئیه (۲۷ تیر)، روزنامه نزاویسیمایا گازتا؛ انتقال مالکیت مجتمع اپتیکی- الکترونیکی «نورک» تاجیکستان به روسیه به پایان رسید. این مرکز پیشرفته دو کارکرد نظامی و غیرنظامی دارد و مذاکرات در مورد خرید این مرکز چهار سال ادامه داشت.

● **تمایل روسیه به خرید سهام عمده ذوب آهن اصفهان**

ماگنیتوگورسک، پنجشنبه ۱۷ ژوئیه (۲۷ تیر)، ریانووستی؛ سرگئی گرایاشوکوف معاون رئیس مجتمع متالورژی ماگنیتوگورسک روسیه اعلام کرد در صورت انجام تغییرات در قوانین ایران و صدور اجازه کنترل بر مؤسسه‌های این کشور، روند تصمیم‌گیری درباره پروژه شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان تسریع خواهد شد.

● **قاچاق مواد مخدر از افغانستان، بزرگ‌ترین تهدید برای CIS**

بیشکک، چهارشنبه ۲ ژوئیه (۱۲ تیر)، ریانووستی؛ شیرعلی خیرا... اف وزیر دفاع تاجیکستان، اعلام کرد که تهدید اصلی علیه امنیت کشورهای مستقل مشترک‌المنافع CIS در مرزهای جنوبی آنها، قاچاق مواد مخدر از افغانستان است. وی پس از پایان پنجاه و چهارمین جلسه شورای وزرای دفاع کشورهای CIS گفت: «مقدار مواد مخدر کشف و ضبط شده در مرز میان تاجیکستان و افغانستان در سال گذشته ۴۰ درصد افزایش یافته است».

● **عدم شرکت ترکمنستان در پروژه ناباکو**

عشق آباد، جمعه ۴ ژوئیه (۱۴ تیر)، ایتارتاس؛ سرگئی پریخودکو دستیار رئیس‌جمهوری روسیه اعلام کرد که ترکمنستان در پروژه خط لوله ناباکو شرکت نخواهد کرد.

● **قزاقستان خواستار صدور نفت از طریق ایران**

باکو، جمعه ۴ ژوئیه (۱۴ تیر)، ریانووستی؛ سریک پریمبتوف سفیر قزاقستان در آذربایجان در یک نشست خبری اعلام کرد، قزاقستان که نفت خود را از طریق روسیه، آذربایجان و ایران صادر می‌کند، ترجیح می‌دهد که به عنوان مسیر جایگزین صدور نفت به اروپا از خاک ایران استفاده کند.

● **امضای قراردادهای نفتی میان روسیه و ونزوئلا**
 بارویخا (مسکو)، سه شنبه ۲۲ ژوئیه (۱ مرداد)، ریانووستی؛ در چهارچوب دیدار هوگو چاوز رئیس‌جمهور ونزوئلا از روسیه چند توافق‌نامه همکاری میان شرکت روسی فعال در بخش انرژی و شرکت دولتی نفت و گاز ونزوئلا منعقد شد.

● **حمایت باکو از تمامیت ارضی گرجستان**
 باکو، دوشنبه ۱۱ اوت (۲۱ مرداد)، ریانووستی؛ خزر ابراهیم سخنگوی وزارت امور خارجه آذربایجان اعلام کرد که باکو از تمامیت ارضی گرجستان حمایت می‌کند. وی گفت که آذربایجان خواستار حل مسالمت‌آمیز مناقشه گرجستان-اوستیای جنوبی است.

● **احداث پالایشگاه با همکاری روسیه، ایران و ارمنستان**
 مسکو، چهارشنبه ۳۰ ژوئیه (۹ مرداد)، ریانووستی؛ آرمن ماوسیسیان وزیر انرژی و منابع طبیعی ارمنستان اعلام کرد که دیدار آینده گروه کاری ویژه احداث پالایشگاه نفت در این کشور، در ماه سپتامبر سال جاری برگزار می‌شود. به گفته وی، برای ساخت این پالایشگاه در نزدیکی ایروان به چند سال زمان و هزینه‌ای بین ۲/۵ تا ۳ میلیارد دلار نیاز است. براساس توافق‌های اولیه، هزینه ساخت این پالایشگاه از سوی ارمنستان و روسیه پرداخت می‌شود.

● **درخواست کمک نظامی گرجستان از ناتو**
 مسکو، سه شنبه ۱۲ اوت (۲۲ مرداد)، ریانووستی؛ رواز بشیدزه نماینده گرجستان در پیمان آتلانتیک شمالی اعلام کرد که تفلیس از ناتو درخواست کرد که به این کشور کمک‌های نظامی ارائه دهد. در همین حال یاپ دی هوپ شفر، دبیر کل ناتو اعلام کرد که شورای این پیمان تجاوز نابرابر روسیه به گرجستان و نقض استقلال و تمامیت ارضی این کشور را محکوم می‌کند.

● **افزایش تنش میان آمریکا و روسیه در مورد گرجستان**
 پنجمشنبه ۱۴ اوت (۲۴ مرداد) RFE/RL؛ جرج بوش رئیس‌جمهوری آمریکا روز چهارشنبه با لحن تندی از اقدام نظامی روسیه در خاک گرجستان به انتقاد کرد و به وزیر امور خارجه دولت خود مأموریت داد که برای بررسی تنش گرجستان با روسیه راهی تفلیس و پاریس شود.

● **تصرف تسخینوالی توسط نیروهای روسیه**
 مسکو، شنبه ۹ اوت (۱۹ مرداد)، ریانووستی- آسوشیتدپرس- روزنامه تایمز؛ به دنبال حمله روسیه به گرجستان، سخنگوی فرماندهی نیروهای پاسدار صلح روسیه اعلام کرد که واحدهای ارتش روسیه به طور کامل شهر تسخینوالی پایتخت منطقه جدایی‌طلب اوستیای جنوبی را از نیروهای گرجی بازپس گرفته‌اند.

● **لغو موقت دستور رئیس‌جمهوری اوکراین درباره ناوگان دریای سیاه**
 سیمفروپل، جمعه ۱۵ اوت (۲۵ مرداد)، ریانووستی؛ آرسنی یاتسنوک رئیس پارلمان اوکراین اعلام کرد قوانین جدید عبور و مرور کشتی‌های ناوگان دریای سیاه روسیه از مرزهای اوکراین که توسط ویکتور یوشچنکو رئیس‌جمهوری وضع شده بود، تنها پس از مذاکرات روسیه و اوکراین به اجرا درخواهد آمد.

● **پیشنهاد اتحاد قفقاز از سوی نخست وزیر ترکیه**
 آنکارا، دوشنبه ۱۱ اوت (۲۱ مرداد)، ریانووستی؛ رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه «اتحاد قفقاز» را با هدف تثبیت اوضاع در گرجستان پیشنهاد کرد. وی گفت که قصد دارد این موضوع را با ولادیمیر پوتین همتای روسی خود و بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل متحد در میان گذارد.

دستور اجرای فرمان ریاست جمهوری این کشور برای وضع قوانینی برای محدود کردن عملیات ناوگان دریای سیاه روسیه از پایگاه سواستوپل را امضا کرد. براساس فرمان ویکتور یوشچنکو، تمامی آمد و شد و تحرکات شناورهای و هواپیماهای متعلق به ناوگان دریای سیاه روسیه از پایگاه آنها در شبه جزیره کریمه باید به اطلاع مقامات اوکراینی برسد.

● روسیه در بخش‌هایی از گرجستان می‌ماند

مسکو، جمعه ۲۲ اوت (۱ شهریور)، بی بی سی؛ ژنرال آناتولی ناگویتسین، معاون ریاست ستاد کل ارتش روسیه اعلام کرد که بیش از دو هزار سرباز روسی مجهز به نفربرهای زرهی و هلیکوپتر در یک محدوده حایل میان مناطق جدایی طلب آبخازیا- اوستیای جنوبی و گرجستان باقی خواهند ماند.

● غرب: خارج نشدن کامل نیروهای روسیه از گرجستان

گوری، جمعه ۲۲ اوت (۱ شهریور)، آسوشیتد پرس؛ با وجود آنکه بخش عمده‌ای از تانک‌ها و تجهیزات نظامی روسیه از خاک گرجستان عقب‌نشینی کرده‌اند، اما ایالات متحده، فرانسه و بریتانیا مراتب اعتراض خود را نسبت به عدم خروج کامل نیروهای روسی از گرجستان اعلام کردند.

● مخالفت رئیس‌جمهوری تاجیکستان با تغییر خط سبیرلیک به فارسی

دوشنبه شهر، جمعه ۲۲ اوت (۱ شهریور)، دویچه وله؛ امام علی رحمان اف رئیس‌جمهوری تاجیکستان، مخالفت خود را با تبدیل خط سبیرلیک (روسی) به خط فارسی رایج در ایران و افغانستان ابراز کرد. وی اعلام کرد که دولت قصد ندارد در آینده‌ای نزدیک الفبای کشور را تغییر دهد.

● درخواست استقلال از سوی آبخازیا و اوستیای جنوبی سوخومی

ولادی قفقاز، چهارشنبه ۲۰ اوت (۳۰ مرداد)، ریانووستی؛ پارلمان جمهوری خودخوانده آبخازیا در یک نشست ضروری پیام رئیس‌جمهور این منطقه جدایی طلب برای مقامات فدراسیون روسیه حاوی درخواست شناسایی رسمی استقلال آبخازیا از گرجستان را به اتفاق آراء تصویب کرد.

● کمک گروه هفت و ناتو به گرجستان

سواستوپل، چهارشنبه ۲۰ اوت (۳۰ مرداد)، ریانووستی؛ کشورهای گروه هفت برای کمک به احیای اقتصاد گرجستان به نشانه ابراز همبستگی با این کشور در مناقشه با روسیه ابراز آمادگی کردند.

● پشتیبانی سوریه از موضع مسکو در مناقشه اوستیای جنوبی

سوچی، پنجشنبه ۲۱ اوت (۳۱ مرداد)، ریانووستی؛ بشار اسد رئیس‌جمهوری سوریه در دیدار با دیمیتری مدودف، همتای روس خود اعلام کرد که دمشق عملکرد روسیه در حل مناقشه اوستیای جنوبی را کاملاً درک می‌کند و آن را واکنشی به تحریک‌های گرجستان می‌داند.

● ارائه تسلیحات روسی به سوریه

مسکو، پنجشنبه ۲۱ اوت (۳۱ مرداد)، ریانووستی؛ سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه در بندر سوچی در پایان دیدار بشار اسد و دیمیتری مدودف، رؤسای جمهوری سوریه و روسیه اعلام کرد که مسکو آماده عرضه تسلیحات دفاعی به سوریه است.

● وضع قوانین جدید از سوی اوکراین برای ناوگان دریای سیاه

کی‌یف، پنجشنبه ۲۱ اوت (۳۱ مرداد)، ریانووستی؛ یوری یخانوروف وزیر دفاع اوکراین،

● مقامات آلمانی و چک خواستار تسریع پیوستن گرجستان به ناتو

ورشو، سه شنبه ۲۶ اوت (۵ شهریور)، ریانووستی؛ آنگلا مرکل صدراعظم آلمان در دیدار با فردریک رایفلد، نخست وزیر سوئد بر الحاق گرجستان و اوکراین به پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) تأکید کرد و گام بعدی را عضویت این دو کشور در ناتو دانست.

● واکنش ساکاشویلی به شناسایی دو منطقه جدایی طلب تفلیس

سه شنبه ۲۶ اوت (۵ شهریور)، ریانووستی؛ میخائیل ساکاشویلی رئیس جمهوری گرجستان در پایان جلسه شورای امنیت ملی کشور خود اعلام کرد که روسیه با به رسمیت شناختن استقلال آبخازی و اوستیای جنوبی قصد دارد با توسل به زور مرزهای اروپا را تغییر دهد.

● تصمیم روسیه برای امتناع انتقال کالا به افغانستان

مسکو، سه شنبه ۲۶ اوت (۵ شهریور)، ریانووستی؛ زامیرکابولوف سفیر روسیه در افغانستان اعلام کرد که این کشور قصد دارد توافق نامه آوریل گذشته با پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را که به این پیمان اجازه می دهد تجهیزات و محموله های مورد نیاز خود را از طریق خاک روسیه به آسیای مرکزی و سپس افغانستان ارسال کند، ملغی کند.

● امضای قرارداد نظامی میان روسیه و ازبکستان

مسکو، سه شنبه ۲۶ اوت (۵ شهریور)، ریانووستی؛ دیمتری مدودف رئیس جمهوری روسیه پیشنهاد دولت برای انجام مذاکرات با ازبکستان به منظور عقد یک قرارداد نظامی طی سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ را تأیید کرد. این قرارداد شامل همکاری با ازبکستان برای نوسازی، ساخت و صدور اسلحه می شود.

● گرجستان خواستار تسریع پیوستن خود به ناتو شد

تفلیس، سه شنبه ۲۶ اوت (۵ شهریور)، ریانووستی؛ میخائیل ساکاشویلی رئیس جمهوری گرجستان از رهبران کشورهای غربی درخواست کرد تا به جریان پیوستن گرجستان به ناتو و اتحادیه اروپا سرعت بخشند. وی افزود که گرجستان برای نخستین بار علائمی جدی را دریافت کرده که بنا بر آنها می تواند بر روی همکاری ها به منظور تقویت نیروی نظامی خود حساب کند.

● لغو سفر هیئت سیاسی اوکراینی به مسکو

کی یف، سه شنبه ۲۶ اوت (۵ شهریور)، ایتراتاس؛ وزارت امور خارجه اوکراین اعلام کرد که به سبب به رسمیت شناخته شدن استقلال مناطق جدایی طلب اوستیای جنوبی و آبخازیا از گرجستان به وسیله دولت روسیه، سفر یک هیئت از این وزارتخانه به سرپرستی یوری کوستنکو، معاون وزیر خارجه اوکراین به مسکو برای رایزنی های سیاسی لغو شده است.

● خسارت یک میلیارد دلاری به اقتصاد گرجستان

تفلیس، چهارشنبه ۲۷ اوت (۶ شهریور)، ریانووستی؛ کاترینا شاراشیدزه وزیر توسعه اقتصادی گرجستان طی یک کنفرانس مطبوعاتی در تفلیس اعلام کرد که خسارت وارده به اقتصاد گرجستان در اثر درگیری مسلحانه با ارتش روسیه بیش از یک میلیارد دلار بوده است.

● امضای سند همکاری میان تاجیکستان و چین

دوشنبه شهر، چهارشنبه ۲۷ اوت (۶ شهریور)، ریانووستی؛ در پایان مذاکرات امام علی رحمان و هوجین تائو، رهبران تاجیکستان و چین در دوشنبه پایتخت تاجیکستان، بیانیه مشترکی در زمینه ادامه توسعه روابط حسن همجواری، دوستی و همکاری میان دو کشور به امضا رسید.

● وحشت ساکاشویلی از ترک گرجستان

برلین، چهارشنبه ۲۷ اوت (۶ شهریور)، ریانووستی؛ میخائیل ساکاشویلی رئیس جمهوری گرجستان اظهار کرد که وی در نشست اتحادیه اروپا درباره مناقشه کشور خود با روسیه از بیم آنکه مسکو به او اجازه بازگشت ندهد، شرکت نخواهد کرد.

● واکنش واشنگتن به اتهام‌های پوتین

واشنگتن، پنجشنبه ۲۸ اوت (۷ شهریور)، بی‌بی‌سی؛ کاخ سفید اتهامات ولادیمیر پوتین نخست‌وزیر روسیه به ایالات متحده را که در جریان مصاحبه با شبکه سی‌ان‌ان اعلام شد به عنوان سخنانی «غیرمنطقی» رد کرد.

● پاسخ نظامی روسیه به دفاع موشکی آمریکا

مسکو، چهارشنبه ۲۷ اوت (۶ شهریور)، ریانووستی؛ دیمتری مدودف رئیس جمهوری روسیه اعلام کرد که این کشور به استقرار سامانه دفاع موشکی ایالات متحده در اروپای مرکزی پاسخ نظامی خواهد داد.

● صدور توربین‌های ساخت روسیه به ایران

مسکو، پنجشنبه ۲۸ اوت (۷ شهریور)، ریانووستی؛ کارخانه سازنده توربین کالوگا از زیرمجموعه‌های شرکت «سیلویه ماشینی» روسیه و شرکت تعمیر و نگهداری اصفهان پاورز قراردادی را برای تحویل تجهیزات و دستگاه‌هایی برای نیروگاه حرارتی «شهید منتظری» اصفهان امضا کردند.

● افزایش تعداد کشتی‌های ناتو در دریای سیاه

سوخومی، چهارشنبه ۲۷ اوت (۶ شهریور)، ریانووستی؛ دریادار سرگئی منایلو فرمانده پایگاه دریایی نوارسیسک روسیه اعلام کرد که شمار ناوهای اعضای ناتو در نزدیکی سواحل گرجستان افزایش یافته است.

● شکست روسیه در جلب حمایت سازمان همکاری‌های شانگهای

دوشنبه شهر، پنجشنبه ۲۸ اوت (۷ شهریور)، RFE/RL؛ سران کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای در اجلاس خود در تاجیکستان از درخواست روسیه برای به رسمیت شناختن مناطق جدایی طلب گرجستان حمایت نکردند. اعضای پیمان شانگهای در بیانیه نهایی خود، از تنش‌های موجود بر سر گرجستان ابراز نگرانی کردند و خواهان حل مسالمت‌آمیز این مناقشه از راه گفت و شنود شدند.

● اتهام‌های جدید پوتین به آمریکا

مسکو، پنجشنبه ۲۸ اوت (۷ شهریور)، ریانووستی؛ ولادیمیر پوتین نخست‌وزیر روسیه در مصاحبه با شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان، ایالات متحده را به تحریک مناقشه در گرجستان متهم کرد و گفت که این کار احتمالاً به هدف برتری یافتن یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری آمریکا صورت گرفته است.

● رهبر چین به ترکمنستان سفر می‌کند

عشق آباد، پنجشنبه ۲۸ اوت (۷ شهریور)، ریانووستی؛ هوجین تائو رهبر چین روز ۲۸ اوت برای انجام دیداری رسمی عازم ترکمنستان شد. وی در جریان این سفر با قربانقلی بردی محمداف، رئیس‌جمهور ترکمنستان دیدار کرده و مسائل توسعه روابط دوجانبه و نیز مسائل مربوط به سیاست بین‌المللی را مورد بررسی قرار داد.

● دیدار مدودف و احمدی نژاد

دوشنبه شهر، پنجشنبه ۲۸ اوت (۷ شهریور)، ریانووستی؛ دیمتری مدودف و محمود احمدی نژاد روسای جمهوری روسیه و ایران طی دیدار خود در چهارچوب اجلاس سران کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای، مسائل دوجانبه و بین‌المللی را مورد بررسی قرار دادند.

● حمایت قزاقستان از اقدام‌های روسیه در گرجستان

دوشنبه شهر، پنجشنبه ۲۸ اوت (۷ شهریور)، ریانووستی؛ نورسلطان نظربایف رئیس‌جمهور قزاقستان در دیدار با دیمیتری مدودف همتای روسی خود اعلام کرد که این کشور از اقدام‌های روسیه در گرجستان حمایت می‌کند و یقین دارد که مسکو برای دفاع از مردم بی‌گناه اوستیای جنوبی وارد عمل شده است.

● گسترش همکاری ایران، تاجیکستان و افغانستان

مسکو، جمعه ۲۹ اوت (۸ شهریور)، ریانووستی؛ حامد کرزای، امام علی رحمان اف و محمود احمدی نژاد رؤسای جمهوری افغانستان، تاجیکستان و ایران چند سند همکاری به امضا رساندند. این اسناد شامل همکاری در زمینه انرژی و تأمین مالی برای تکمیل کار احداث تونل «استقلال» در تاجیکستان می‌شود.

● گسترش همکاری روسیه و تاجیکستان

دوشنبه شهر، جمعه ۲۹ اوت (۸ شهریور)، ریانووستی؛ در پایان دیدار دیمیتری مدودف و امام علی رحمان اف رؤسای جمهوری روسیه و تاجیکستان اعلام شد که دو کشور برای تحکیم همکاری‌های فنی- نظامی، انرژی و افزایش روابط تجاری - اقتصادی شامل بخش‌های حمل و نقل، ساختمان‌سازی، متالوژی و ارتباطات آمادگی دارند.

● تکذیب شایعه قطع صدور نفت روسیه به اروپا

مسکو، جمعه ۲۹ اوت (۸ شهریور)، ریانووستی؛ روسیه گزارش‌های منتشرشده در مطبوعات مبنی بر آنکه مسکو قصد دارد جریان نفت خود به اروپا را به سبب گسترش تنش بر سر مناقشه گرجستان، قطع کند تکذیب کرد. روزنامه بریتانیایی دیلی تلگراف اعلام کرده بود که روسیه صادرات نفت خود به آلمان و هلند را قطع خواهد کرد.

● قطع روابط گرجستان با روسیه

مسکو، جمعه ۲۹ اوت (۸ شهریور)، ریانووستی؛ گریگول واشادزه معاون وزیر امور خارجه گرجستان اعلام کرد که این کشور روابط دیپلماتیک خود با روسیه را به سبب به رسمیت شناختن استقلال آبخازیا و اوستیای جنوبی از سوی این کشور قطع می‌کند.

● عدم توافق سفرای اتحادیه اروپا در مورد تحریم روسیه

بروکسل، جمعه ۲۹ اوت (۸ شهریور)، ریانووستی؛ یک مقام آگاه سیاسی در بروکسل اطلاع داد که سفرای ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا نتوانستند در مورد طرح تحریم‌های احتمالی علیه روسیه به توافق برسند. به گفته این مقام، لهستان، بریتانیا و کشورهای حوزه بالتیک اصرار دارند که اتحادیه اروپا موضع شدیدتری در مقابل روسیه اتخاذ کند در حالی که آلمان و فرانسه خواستار روش‌های محتاطانه‌تری هستند.

● افتتاح شعبه دانشگاه نفت و گاز روسیه در ترکمنستان

عشق آباد، یکشنبه ۳۱ اوت (۱۰ شهریور)، ایتراتاس؛ شعبه دانشگاه دولتی نفت و گاز «گوبینک» روسیه در ترکمنستان آغاز به کار کرد. این دانشگاه در چهارچوب همکاری‌های علمی و اقتصادی روسیه و ترکمنستان و با حضور ویکتور زوبکوف، معاون اول نخست وزیر روسیه و رشید مرادف، همتای ترکمن وی در عشق آباد کار خود را شروع کرد.

● اتحاد استراتژیک قزاقستان و روسیه

چلیابینسک، دوشنبه ۱ سپتامبر (۱۱ شهریور)، ایتراتاس؛ ژنرال نیکولای کاتوف سرپرست برنامه تمرینات تاکتیکی مشترک روسیه و قزاقستان اعلام کرد که قزاقستان به روسیه به عنوان یک شریک و یک متحد استراتژیک در عرصه سیاسی و نظامی می‌نگرد.

● نتایج دیدار پوتین از ازبکستان

تاشکند، سه شنبه ۲ سپتامبر (۱۲ شهریور)، ریانووستی؛ در پایان دیدار ولادیمیر پوتین نخست‌وزیر روسیه از ازبکستان اعلام شد که دو کشور در مورد ارائه فرمولی برای تعیین بهای گاز صادراتی روسیه به ازبکستان به توافق رسیده‌اند. همچنین به گفته پوتین توسعه همکاری‌های فنی - نظامی و فروش تسلیحات جدید روسی به ازبکستان از دیگر موارد مورد توافق بود.

● همکاری نفتی فرانسه و آذربایجان در دریای خزر

مسکو، چهارشنبه ۳ سپتامبر (۱۳ شهریور)، ریانووستی؛ شرکت «لوک اوایل اورسیز» مجری پروژه‌های بین‌المللی شرکت نفتی لوک اوایل روسیه و شرکت «گاز دوفرانس» توافق‌نامه‌ای برای فروش ۱۵ درصد سهام پروژه اکتشاف میدان دریایی D-۲۲۲-۱۵ یالاما در بخش آذربایجانی دریای خزر امضا کردند.

● همکاری دفاعی میان ازبکستان و آلمان

تاشکند، چهارشنبه ۳ سپتامبر (۱۳ شهریور)، ریانووستی؛ وزارت دفاع ازبکستان اعلام کرد که در دیدار میان روسلان میرزایف و فرانتس ژوزف یونگ، وزرای دفاع ازبکستان و آلمان در تاشکند، همکاری‌های نظامی دو کشور مورد بررسی قرار گرفت.

● پشتیبانی آمریکا از پیوستن گرجستان به ناتو

کی‌یف، پنجشنبه ۴ سپتامبر (۱۴ شهریور)، آسوشیتدپرس؛ دیک چنی معاون رئیس‌جمهوری ایالات متحده در تفلیس پایتخت گرجستان تأکید کرد که گرجستان به عضویت پیمان ناتو درخواهد آمد.

● رئیس پارلمان اوکراین دولت ائتلافی را مرده خواند

کی‌یف، پنجشنبه ۴ سپتامبر (۱۴ شهریور)، ریانووستی؛ آرسنی یاتسنیوک رئیس پارلمان اوکراین اعلام کرد

حزب «اوکراین ما» به رهبری رئیس‌جمهوری ۹ ماه پس از به دست گرفتن قدرت، از دولت ائتلافی هوادار غرب این کشور خارج می‌شود.

● چنی خواستار اتحاد اوکراینی‌ها در مقابل روسیه شد
کی‌یف، جمعه ۵ سپتامبر (۱۵ شهریور)، خبرگزاری فرانسه؛ دیک چنی معاون رئیس‌جمهوری ایالات متحده در دیدارهای جداگانه با ویکتور یوشچنکو رئیس‌جمهوری و یولیا تیموشنکو نخست‌وزیر اوکراین خواستار اتحاد و یکپارچگی در مقابل «تهدید» از سوی روسیه شد.

● حمایت آمریکا از امنیت اوکراین

کی‌یف، جمعه ۵ سپتامبر (۱۵ شهریور)، آسوشیتدپرس؛ دیک چنی معاون رئیس‌جمهوری ایالات متحده طی سفر خود به اوکراین قول داد که واشنگتن در پی بروز جنگ میان روسیه و گرجستان از اوکراین حمایت می‌کند. وی تأکید کرد که اوکراین باید بتواند بدون هراس از تهدید خارجی، باج‌گیری اقتصادی و تهاجم نظامی به حیات خود ادامه دهد.

ادامه همکاری‌های فنی - نظامی روسیه با ایران
کراسنودار، جمعه ۵ سپتامبر (۱۵ شهریور)، ریانووستی؛ میخائیل زاوالی مدیر عملیات ویژه شرکت دولتی «روس آبارون اکسپورت» اعلام کرد که روسیه با وجود مخالفت‌های آمریکا به همکاری‌های خود با ایران در زمینه‌های فنی - نظامی و انرژی ادامه می‌دهد.

Georgia, on the one side, and the separatist regions, i.e. South Ossetia and Abkhazia, and the Russian Federation, on the other. Ongoing occasional skirmishes escalated to a war early in the morning of August 8th, 2008, when Georgia launched a large-scale attack against the break-away region of South Ossetia. This was followed by a large-scale Russian counter-attack into Georgian territory. In five days of fighting, Georgian forces were ousted from both South Ossetia and Abkhazia. A preliminary ceasefire was signed on August 14-16, 2008. Following the conflict, Russia withdrew most of its forces, but thousands of Russian troops remain on Georgian soil in what Russia claims to be a peacekeeping role.

A conference on “Russia and Islam”

The conference on “Russia and Islam” was held on June 19-20 at the old library of the Edinburgh University. The project of Russia and Islam is related to extremism in Russia and the Republics whose main thrust is to study the conditions and grounds for extremism. One of the main objectives of this project is to establish relations between the experts on Russian affairs for a better understanding of these affairs. The following scholars delivered lectures in the conference: Alexander Verkhofski from SOVA institute, Ronald Dannreuter, Galina Yimilhanu from Birmingham University, Katrina Praginskaya, Stephen Hachins from Manchester University, John Russell from Bradford University, Dumitila Sagamosu from King College of London, Ahmad Yarlikapov from the Moscow Institute of Anthropology and Ethnology, Dina Mali Shua, Elaheh Koolae, Luke March from Edinburgh University, Azat Khormatolin from Islamic University of Qazan, and Mathew Fomagalli from the Central European University in Budapest. Elaheh Koolae in her speech discussed Iran-Russia relations as an example of impact of Islam on foreign policy of Russia. She discussed the trend of development of bilateral ties after the independence of Russia during the rule of democrats (West-oriented rulers) and expounded on their negative approach to Iran. She also discussed the change in the Middle Eastern policy of Russia after changes were brought about in the approach of the rulers of this country.

New Books

Iran and Russia in the Great Game (Travelogues and Orientalism)

Mohammad Kazem Shojaei

The book *Iran and Russia in the Great Game* is to study and analyze the travelogues which have been written by Russian Travelers to Iran in the 19th and early 20th centuries. Studying these travelogues, the writer tries to clarify a number of topics like the position of Russia as an Imperial state in Iran, Russia-Britain conflicts in Iran, the case of Russian self-identity and its position in the world, different aspects of Iranian life and Iranian society in that period, etc. Among these topics, the most important one is analyzing the old dilemma and duality existing in

the Russian self-identity. The writer believes that Russian travelers' attitudes towards Iran were to a large extent influenced by this old dilemma.

She compares their points of view on Iran with their British counterparts and shows how different these two were. Noting that, in this book we also face Russia's imperial goals in Iran. In the 4th chapter, the writer studies and classifies different travelers, their missions in Iran, as well as influences of these missions on Russia's imperial goals in Iran. The book also includes much useful information about different aspects of Iranian society like administration, religion, ethnicity, family, medicine, education and army. Among all these issues Islam and women's position in society are interesting for the writer. The bibliography of the book can help all the interested researchers to gain more information about included issues.

This book has been translated in Persian language by CEP and is under publishing by University of Tehran Press.

and Turkmenistan have been of traditional Kurd settlement for centuries. Many Azeri Kurds lived around Kelbajar and Lachin, Minkend and Zangelan in the strip of land between Nagorno Karabakh and the Azeri-Armenian border, most were dislocated as a consequence of the war. This area was briefly (1923-1929) a Kurdish autonomous province, also known as 'Red Kurdistan'. The old 'Red Kurdistan' area has been disputed in the Armenian-Azeri war for Nagorno Karabakh and it is mostly under Armenian control now. Most of the displaced Kurdish population still lives in refugee tents and temporary settlements under harsh circumstances, waiting to turn back to their native homeland.

Islam in Dagestan

Seyed Mehdi Hosseini Taghi Abad

Islam first entered and started to spread in the Northern Caucasian regions through Dagestan. Islam began to spread in Southern Dagestan in the late 7th century. By the end of 16th century, most Dagestanis professed the Shafi'i denomination except for Hanafi and Shi'i minorities in Northern and Southern Dagestan. From the Middle Ages, Dagestani Islam acquired a Sufi form. Subsequently local Islam became deeply Sufi-style, and this is apparent in present-day Dagestan in the form of four orders: Naqshbandiyah, Shaziliyah, Jazuliyah and Qadiriyah. What happened in the 1990s cannot certainly be called anything but a 'religious renaissance'. During this period numerous Sheikhs appeared and some of them carried great popular authority or deeply engaged in politics.

Traditional Sufi Islam in Dagestan since the late 1980s encountered an aggressive rival, Salafism, which was not a native phenomenon. The radical branch of Salafism, Muslim Jama'at, became a well known Wahhabi Organization. They made big efforts to attract Dagestanis, but they were subject to a systematic repression. However the prolongation of the current economic and social disorder and the association of traditional Islam with the ineffective regime may increase the attractiveness of the Salafi solution to the upcoming crisis in Dagestan.

Military Reforms under Putin

Alireza Nouri

Russia's history and political culture emphasize longstanding reality that its "hard minded" elites have a strong attitude toward military aspect of power. In spite of significant developments in theoretical and practical realms of international politics, this heritage in the post-Soviet period has preserved its importance for Russian leaders. Some recent developments such as Russia's response to the West's geo-strategic achievements in the Russia's traditional sphere of influence by NATO's eastward expansion, current US plans to install elements of its national missile defense program in eastern Europe as well as Russia's attempts to regain its previous international status have undoubtedly supported this contention and was a good reason for Putin to reemphasize the aforementioned

aspect of Russia's political culture by pursuing a massive military modernization program. This paper tries to deal with the quality of this program and its underlying reasons.

Prospects of Russian Foreign Policy under Medvedev

Maryam Hemmatkhah

The victory of Medvedev as Putin's successor in the March 2008 March presidential elections provoked different reactions from politicians and experts. Some of them consider Medvedev as a follower of Putin's agenda and the others have emphasized his belonging to the spectrum of Kremlin moderates. The inclusion of Medvedev in the Eurasianist discourse and expanding relations with Europe and consideration of his first formal trip to Kazakhstan and China and Germany clarifies that this new wielder of power in the Kremlin with the aim of superiority in the game of energy considers look to the East and move towards the West as priorities in his foreign policy in order to achieve national interest.

Georgia and Ukraine Dream of Joining NATO

Mehri Kheiri

Recent NATO summit was held on April 4, 2008 in Bucharest, Romania in which invitation to Albania, Macedonia, Georgia, Ukraine and Croatia as well as deployment of the U.S. missile defense system in East Europe were discussed. Non-admission of Georgia and Ukraine did not mean a strategic plan but a tactical design in order to send a positive signal to Russia. On the other hand, the issues of U.S. missile defense system and recognition of Kosovo are disliked by Russia, while it considers the expansion of Georgia's military weapons as a national security threat.

Disaster in the Caucasus

Hamed Kazemzadeh,

The Ossetians are an Iranian ethnic group whose origin lies along the Don River. They came to the Caucasus after being driven out of their homeland in the Mongol invasions of the 13th century. Some clans settled in the territory now known as North Ossetia-Alania (currently part of Russia), and South Ossetia (currently part of Georgia). In 1991, following the collapse of the USSR, Georgia's first post-Soviet leader, Zviad Gamsakhurdia, came to power. As a longtime anti-Soviet dissident, he based his campaign for the presidency on an emerging Georgian nationalism, using the platform 'Georgia for the Georgians'. He projected ethnic Georgians who made up 70% of the population as the country's true masters, and he derided South Ossetians as newcomers, saying they had arrived only 600 years ago and as "tools" of the Soviet Union. The 1992 ceasefire also defined both a zone of conflict around the South Ossetian capital of Tskhinvali and a security corridor along the border of South Ossetian territories. The 2008 South Ossetia War was a land, air and sea war fought between

of London School of Economics and Political Science participated in the session. Commenting on Iran-Russian relations, Koolae said Iran's position in the Russian foreign policy has improved due to the developments unfolded in the aftermath of the disintegration of the Soviet Union and the international environment influencing Iran's foreign policy to the extent that Iran has become an important partner of Russia. Commenting on the same issue, Zhand referred to five factors affecting the relations between the two sides in the light of the national interests of the two states: 1 – triangle of relationship between Iran, Russia and the United States; 2 – Geopolitics of Central Asia and Caucasus; 3 – Geopolitics of the Middle East; 4 – Ideological differences between the two states; and 5 – Economy. When Putin came to power and focused on Russia's foreign policy, Moscow realized that Tehran was a key actor in the Persian Gulf and Central Asian regions, he added.

Articles

The NABACO Project and Competition over Energy Resources

Seyed Masoud Mousavi Shafaei and Amir Mohammad Souri

Access to cheap and reliable energy is one of the most important factors in sustainable economic development. In this direction, the Caspian Sea is one of the regions that possess rich oil and gas resources. Europe has made vast efforts at ensuring access to energy from the Caspian littoral states, but these have faced Russian obstruction. Russia seeks to use energy as political leverage causing European concerns exacerbated by European Union's increasing reliance on Russia. The NABACO project could be analyzed in this light intended to reduce European Union's dependence on Russia, but Russia plans to use instruments at its hands in order to decrease the project's efficiency.

Russian Understanding of China's Place in the Shanghai Cooperation Organization

Farhad Navaei

The formation of the Shanghai Cooperation Organization (SCO) and membership of two strong states, China and Russia, has made the Organization subject to competition and cooperation between the two countries. However, affected by China's rise in the past decades, Russian policy-makers have been divided on China's intentions in the SCO. In the meantime, Euroatlantists with realistic approach believe that the rise of big powers will definitely lead to turbulence in the international order, and Russia as an ancient neighbor of China and due to unequal past treaties is threatened by China's policies more than any other country is. These scholars believe that China's social problems may affect Russia directly in the form of mass migration into Russian territory. Also,

in their viewpoint, large-scale arms sales could sooner or later be used against Russia in the Central Asia and other areas. On the contrary, optimists believe that there are several areas for cooperation and coordination such as opposition to American unilateralism, and economic and military benefits that two countries can gain if they become strategic partners.

NATO and Central Asia

Mahnaz Goudarzi

16 years after the collapse of the Soviet Union, Central Asia and the Caucasus see significant developments. The power vacuum arising from the collapse of the Soviet Union and unpredictability of the Russia's situation in the first post-Soviet years along with the region's unique geographical location have attracted the attention of great powers and state and non-state actors. Among the regional actors present in the region, NATO has more salient presence compared to other international players like the Organization for Security and Cooperation in Europe and the United Nations. NATO's attention to the region has intensified after the ISAF's operations in Afghanistan and it is expected to remain so in the future.

Putin's Foreign Policy: Achievements and Failures

Ramin Nadimi

Russia regained its status as a leading world power in the past decade. Economic revival and economic growth have increased Russia's international prestige. Its views now carry far more weight in the international arena than they did in the 1990s. This goal has been attained without a substantial increase in nuclear or other capacities. Russia's increased importance as an exporter of oil and gas also played a role, along with the inclusion of Russia in the group of the most rapidly developing emerging economies (BRIC, comprising Brazil, Russia, India and China).

In the 1990s, Russia's foreign policy lost its global reach. The situation changed under Putin, with state-controlled and private businesses establishing ties in nearly all countries, supported by a special policy of promoting their interests. However, Russia failed to become the top partner of close neighbors such as China and India. The era of unions formed for political reasons is over, and the ability of business to become a competitive leader in foreign markets is now crucial. Russia's foreign policy is still driven by former Soviet military and security elites who view Russia as the direct heir to the autocratic Russian Empire and the Soviet Union and who cherish Russian's self-appointed role as principal counterbalance to the United States on the world stage.

Kurds in Azerbaijan

Sajjad Hoseini

In the former Soviet Union, Kurds were considered as a separate ethnic group, though no particular territory was attributed to them. Anyway, areas of the Caucasus

Editorial Note

The ongoing developments in the states formed after the disintegration of the Soviet Union clearly show that contrary to some very optimistic estimates regarding Westernization, democratization and economic liberalization of these republics, there are a number of challenges in this regard. As a successor of the Soviet Union, Russia over the past few years, especially during Putin's presidency, has taken great strides in order to overcome the negative effects of the collapse of the Soviet Union. The leaders of this country very soon realized the huge destructive effects of the collapse of the Soviet Union and spared no efforts to change their domestic, regional and international policies. Having arranged its relations with the former republics under the title of "Near Abroad", Russia is now trying to consolidate and strengthen its position in these countries that have chosen the title of "Independent" (Commonwealth of Independent States) for themselves.

Having established pragmatism in Russian foreign policy, Putin employed different means in order to compensate the damages that had incurred from the collapse of Soviet Union. Fear of terrorism and the occurrence of Color Revolutions pushed the elites of Central Asia and Caucasus towards Russia. The experience of the Color Revolutions in Georgia, Ukraine, and Kyrgyzstan too proved the futility of the efforts for democratization of political-economic arenas in these countries. The engineering of these revolutions was a witness to the formation and promotion of the "Great Game" across Central Eurasia. The war in South Ossetia and the intense military attack of Russia without receiving the support of NATO, once again proved the supremacy of Russia in the "Near Abroad".

Workshops and Discussion Sessions Security Developments in Northern Caucasus

The 26th Session of Central Eurasian Program entitled "Security Developments in Northern Caucasus" was held on April 29, 2008. Dr. Elaheh Koolae, Director of the Central Eurasia Program; Dr. Bahram Amir-Ahmadian, an expert of the Central Asian and Caucasian affairs; and Hamed Kazemzadeh, a graduate student in Central Asian and Caucasian Studies, participated in the session. Amir-Ahmadian in his speech explained the features of the Caucasian region, saying: The Northern Caucasus is a turbulent and crisis-prone area in Russia. This led to the disintegration of the autonomous Chechen-Ingush Republic into two republics. Then the Ingush claimed the Prigorodeni territories of Northern Ossetia which previously belonged to the Ingush but was ceded to Ossetia after 1994, which spread the domain of conflicts in Northern Caucasus. The claim of southern Ossetia to join the Northern Ossetia which led to civil war with the Georgian central government and the influx of refugees towards the North Ossetia exacerbated the situation.

Referring to the factors that destabilize the security environment of the Northern Caucasian region, he mentioned the following factors: terrorism, nationalism, separatism, and seeking autonomy from the mainland, Wahhabism, Salafism, Sufism and religious extremism, arms smuggling and drug trafficking, infiltration of mafia groups into the economic activities and disturbance of the economic order. He also referred to the following factors as security threats and challenges that Russia faces: the influence of some foreign countries including Turkey and Saudi Arabia and their investment in religious extremism, promotion of Salafism, and Talibanism as well as the assistance of the United States and the West to encourage separatism and independence.

"Iran-Russia's Cultural Relations: Capacities and Obstacles"

The 27th Session of Central Eurasian Program, entitled "Iran-Russia" "Cultural Relations: Capacities and Obstacles" was held on May 18, 2008. Dr. Elaheh Koolae, Director of the Central Eurasia Program; and Elena Donayva, Professor of Academy of Science of Russian Federation participated in the session.

The two speakers referred to the geographical proximity of the two countries, adding that over the centuries the cultures of the two states have grown and developed along side each other and they have influenced one another. The history of the cultural relations between the two countries is centuries old and the great contribution of the Iranian nation to science, literature, art and civilization of the world has caused the Russian nation to develop an interest in Iran's culture and history. The Russian scientists used to become acquainted with the scientific and artistic achievement of Iran and the poets and writers of Russia have studied the classic Persian poetry. However, the expansion of cultural relations between the two countries has faced certain political, social, financial and historical problems. Certain limitations in the Iranian society as well as the remnant memories of the past in the minds of the two peoples which remind them of the wars and confrontations in previous centuries are among some of the important hurdles retarding the pace of expansion of cultural relations between the two states. However, other factors have paved the way for more cultural cooperation between Iran and Russia, including common interests in the political, economic and cultural fields, the interest of the two nations in knowing each other, promotion of languages, more research conducted about the two countries and progress in the field of information technology.

Political and Economic Relations of Iran-Russian in Putin Era

The 28th Session of Central Eurasian Program, entitled "Political and Economic Relations of the Islamic Republic of Iran with the Russian Federation in Putin Era" was held on June 1, 2008. Dr. Elaheh Koolae, Director of the Central Eurasia Program; and Dr. Bizhan Zhand Shakibi, Professor

Central Eurasia Program Bulletin

Vol. 4 No. 10, spring & summer 2008

Editor:

Elaheh Koolaee, Ph.D

Director, Central Eurasia Program

Address:

Central Eurasia Program, Center for
Graduate International Studies,
Faculty of Law and Political Science,
University of Tehran, Enghelab Ave.,
Tehran, Iran

Tel: (+98 21) 66953996

(+98 21) 61112310

Fax: (+98 21) 66953996

(+98 21) 66490695

E-mail: cep@ut.ac.ir

Website: cep.ut.ac.ir

Editorial Assistants:

Nastaran Zolfkhani

Haleh Aghamohammadi

Contents:

Editorial Note.....2

Workshops and Discussion Sessions

Security Developments in Northern Caucas.....3

Iran-Russia's Cultural Relations: Capacities and Obstacles.....8

Political and Economic Relations of Iran-Russia in Putin Era.....10

Articles

NABACO and Competition over Energy Resources.....13

Russian Perception of China's Role in the SCT.....17

Bucharest Meeting and Central Asia.....20

Putin's Foreign Policy: Achievements and Failures.....22

Kurds in Azerbaijan.....26

Islam in Dagestan.....29

Military Reform under Putin.....34

Prospects of Russian Foreign Policy under Medvedev.....36

Georgia and Ukraine Dream of Joining NATO.....39

Disaster in the Caucasus.....42

A Conference on "Russia and Islam".....48

New Book

Iran and Russia in the Great Game

(Travelogues and Orientalism).....50

News.....52

Abstracts.....68

